

# سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق  
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۲ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

# لکی فایف



# ۵۵۵

دعوت کما حقہ  
و شخصہ مخصوصہ و شیر خوار شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ  
لکے فایف ہمیشہ بکوشش اپنا خاطرہ خواہد بود

آدرس: شہر نرنگہ مقابل مسجد جامع شیرپور • تلفون: ۲۰۴۱۰



# یما رامین ویدیو کست

بعترین فلمعای ویدیو گلچین ( پینتو، د ری ،  
هندي وایرانی) آماده فروش دارد . فلمبرد اری از  
محافل خوش شما بد یرفته میشود .  
ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان  
۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

## عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوش و سرور شما را  
به بدترین وجه برگه از مینماید  
( همچنان شب و یو یسی )

اکسرس: چهار راه سردار  
تق برفخانه  
جمهوریت

## خورا که فروشی انوش

خورا که فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خورا که باب  
را به قیمت های مناسب عرضه میدارد .  
مشتری د ایی خورا که فروشی انوش باشید . همچنان مجلات  
و جراید مورد علاقه تانرا ازین خورا که فروشی  
د ستیاب کرده میتوانید .

اکسرس: چوک قلع فتح شه

# سبا و وک

اعلان تان شما را با شرایط بهتر بنیسه  
میرسانه

## خورا که فروشی سب و وک

خورا که مورد  
نیاز شما را به  
فروش میرساند .  
همچنان بلوزهای  
بهاره هندي و لباس -  
چین از قبیل براهن ، د امن  
جمبر های زنانه ، طفلانه و دخترانه  
ساخت وطن را با قیمت های نازل بد سترن سرا -  
جمعین محترن ترارمید هد .  
شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بد ست ارید .

اکسرس: سرک ۶ قلع فتح شه تق برفخانه برادران هسرو

## قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدید  
ترین لوازم  
تحریر کلسوپ  
معارف .  
اقسام کتاب  
و کتابچه ، انواع قلم های  
خود کار خود رنگ و ده ها قلم  
اجناس بد یگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب  
ورضایت بخش د ستیاب نمایید . ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ -  
افغان . نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

## قرطاسیه فروشی اخبارک

کتاب ، قرطاسیه ، مجلات و کارتهای  
تشریحی ارزان و خوشبوی  
اکسرس: منزل اول فروشگاه بزرگ قلع فتح

## قرطاسیه فروشی دوست

انواع قرطاسیه ، جراید و مجلات د لخواهتان را عرضه  
میدارد . به ادرس توجه نمایید .

ماکتب مکر و باغ کهنه

ضروری: د ر شماره یازدهم سال ۶۷ مجله سبا و وک در شرح عکسهای مرسوط  
به استعدادها ثروت ملی ما ، نام محترن قاری فاخره قاری و قاری تصحیح شوند.

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم  
شماره مسلسل نهم

# سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز

است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

## فاجعه



صدای گمشده  
جاودانه‌سده‌ها

صفحه (۲۰)

درسهای موسیقی

صفحه (۸۴)

پاستی

سیرین

مخ (۸۷)

کوزیر

آیاتاسی دخیل

از مود تا سینما

صفحه (۵۴)

علی فاضلی بسمل  
پروما جبرایلی را با  
دنیای عشق خود از  
سرگشته‌تانه

صفحه (۲۲)

چون در این بیست

از گپها که ما خبر شدیم  
صفحه (۴۴)



صفحه (۵۸)

۱۳ ساله‌ی دانه‌ها را کال بوی  
مخ (۲۷)

زن ۱۳ ساله‌ی ته‌مرد

صفحه (۴۰)



چارلی در صد سالگی  
صفحه (۳۲)

مدیرمسئول: دکتور ظا هرطنین  
تلفون: ۶۱۹۵۲  
معاون: محمد اصف معروف  
تلفون: ۶۲۷۵۲  
سوجبور: ۶۱۸۷۸  
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان  
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:  
بارق شفیعی  
محمود حبیبی  
عبدالله شادان  
لطیف ناظمی  
رهنورد زریاب  
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد حبیبی و  
وحمید سمور  
مطابقی: کبیر امیر  
عمی نامی  
مستقیم: محمد گل  
نگار: شریف لطیفی و  
شاپسون

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست‌آزاد دارد. مضا مین  
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات آرایه شده صرف  
نظر نویسندگان میباشد.

# مصیبت‌اشک

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متأسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایمی کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مانیامروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داری مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سزولکته‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روان‌ها حبه‌تری تیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا می‌چی مفهوم دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي ميباشند اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف ميتواند وجود داشته باشد . ناپاسامانی شخصيت مي ثباتی عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري پراي در رفتن اسرار مرز مواد نشه اور و بعضاً هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگی و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگی است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده می و موارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکسر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده می آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده می همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود مي آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل می باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار می داشته باشد به مصداق همان شعر :  
نشه صهبانمی ارز به تشويش  
خسار  
در گذر امروز عذاب که فردا  
آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض روانی چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات روانی بملاحظه ميرسد گاهی يدي شوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش روانی شده است يا تشويش روانی باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوا لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدر انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک مي کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساسات عجز و کوتاه نظرمی شود کم حوصلگی و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثر می سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهی هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام مواد استفاده بعمل می آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر می شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده می مصيبت هاي جنگ و بيسوادي و عواملی از ينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخی مناطق از ترياکی بحیث دروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دواي خواب آور استفاده می شود از تبا کوب چرس گاهی براي درمان و معالجه قلع ها کار می گيرند در برخی از ولايات ما در طبابت هاي محلی و غنچهوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار می آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد ترياکی چرس و تبا کوب رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود می آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازاریافته است . متاسفانه زمانی دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعی و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماندرس ، مخم و بننگ آب و بعضی ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه می گويند : در يکی از مناطق ولايت بدخشان پيغمردی بود که مدت درازی ترياکی دود می کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان می پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود ترياکی نمی پيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده می شود . دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به ترياکی وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود ترياکی و تبا نياردن بيترک آن مرده و زيمین اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يگان احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به ترياکی در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانی وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالی اداره سازمان صحتی جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربطه احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسيس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را می نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه ( ۷۴ )

# دواي مرگ و تاجران مرگ



بیه میگویند...

مهر و وفا

توجه

تاریخ

مهر و وفا

چهار ماهی و فصلی و روزی و شبی

### دو سه وادامه

هیله منده م هغه کسان چی به تحینو عقل نار وغیواخته  
دی ژر تر زره شفا و موسی او د عقلی او هو بنیاری سترگی بی روی شی  
خبره داسی ده چی تحنی بی احساسه اوس مسوولیته نارینه  
د خیل ژوند بدی او د نیستی و روی چی لومړنی بنیخی ورسره  
به ورین تندي کاللی چوره یاده باسی حتی د خیل بیه نسو  
اوشعرت شخه تیر یزی او د دوهم واره بند و بست کوی که شه هم  
چی د موضوع نوی نه ده ولی به ۶۲ کال کی بی د ساری ناروغی  
بته تحانته نیولی او د پروکسانوته بی سرایت و کړ امید واره یس  
مسز کال داد کو رینورنگید و ناروغی له منعه و لاره شی

لطیفا پرداد بیتون پوهنځی فار التحصیل



### پاکي و صفایي

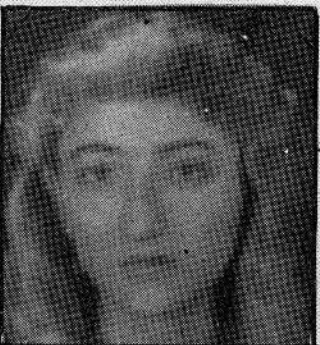
عزیز آقا سراز  
دل بستگی خاصی به پاکي و صفایي داد ، آرزومندم صاحب خان  
مکروریان شم ، آنجا به ترمی شود پاکي و صفایي راتا مین کرد  
- اگر با دخترین هم سفر زنده کی شوید که ا و چند ان توجه  
به پاکي نداشته باشد در آن صورت چه خواهید کرد ؟  
- خدای ناخواسته باشد که این چنین شود ، ورته کار زار می شود  
با آنم اگر چنین دخترین سرد چار نسدم انوقت اورا به روحیه  
خود تربیه میکنم



### نظام و د سپلین در سرویس ها

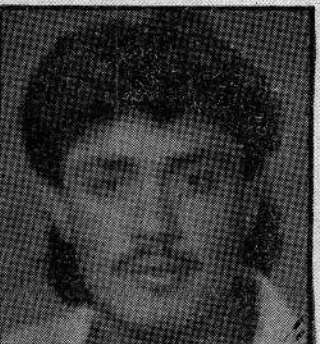
عضوکلان خانواده ام میباشم .. آرزو دارم خواهران و برادرانم  
به آرزوهای دلشان نایل آیند .  
همچنان آرزومندم که بعضی از همشهریان مانظم و د سپلین  
اجتماعی را در سرویس های ملی بس جدای رعایت نمایند ، و نگرانان  
محتش هم درین زمینه از خود سی تفاوتی نشان ندهند ، بعضی  
از مردان به بالا شدن از د روزه اوس سرویس هلاتمندی بسیار  
نشان میدهند وقتی برایشان گفته شود که یک کمی دور شوید و یا  
به اخل سرویس پیش بروید میگویند : (( برو بی جان تو چقه  
خود می سازی ، ما از خود خوار و مادر داریم ... ))

مصرفیاتی که در نشان فار از صواب



### میخواهد هنرمند سینما شود

محمد فرید محصل سال د م پوهنځی هنرهای زیبا :  
در رشته تیاتر و سینما مصروف تحصیل استم ، با ستمک عشق  
میورنم و دوستش میدانم ، به همین ام هر نقشه که برایم سپرد شود  
میتوانم آنرا به خوبی اجرا نمایم ، ولی باتا سف چند باریکه به  
اداره فلم های هنری و مستند مراجعه کردم خود را پشت در بسته  
یافتم و جواب رد شنیدم ، آرزومندم که امسال آرزو هام برآورده  
شود و بتوانم در فلم ها کار نمایم





# پایند حاضری خانه

## پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنځی ژورنالینم :  
تعمیر د ارم اسمال باشخوړمورد نظم ازدواج تمام آرزو د ارم  
که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .  
آرزو مند بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد ارم و سه  
وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه پایند حاضر د دفتر  
میباشد ، باید پایند حاضر نزد من نیز باشد .

## وفادار و پولدار



رزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده . کان :  
آرزو د ارم باخوانی د ارم تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار  
ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان  
از کشور سوری تمام .  
- اگر باخوانی د ارم چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟  
- در آن صورت باهی کس را دواج نخواهم کرد .

## در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :  
د رزنده کیام سه آرزوی بزرگ د ارم که به حقیقت بیوستن آن  
خیلی مشکل و باهم دوزار امکان است ، نخست آرزو د ارم خیلی ها  
تروتمند باشم ، آند که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار  
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس  
موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده  
امریکا سفر تمام .

## بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :  
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو -  
وروسته د ژورنالینم به پوهنځی کی شامل شم . ارم د ژوند ملگري  
چی بنیاست او اخلاق ولري پیدا کي .  
- د د ی خصوصیاتو لرونکو انجلی سره که بیسواده ورا شناسی  
عنه انتخابوي ؟  
- لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگري می باید باسواده وي  
او که نه وه نویسی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم  
شبه او ون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



# چهارمین جشنواره شعر جوان

## مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمره دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از وی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و اوهه نداشتید ؟
- البته که و اوهه داشتیم ، حتی صدای قلم را میشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله (( شادان )) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .
- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیگه می کنید ، آیا اتفاق افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیگه میگوید خواستید مانند چه کسی دیگه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیگه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



# پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشهای بیچند پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را نا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادرم و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکنند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پس میزنم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها و بدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوید ؟  
ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. آنرا استر بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بهم نه در آمریکا ، آنرا بوسه دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زودتر از این زمان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا استم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بخوبی دیده در این باشد. بنابراین مراد بهانه زن میزنم اما این به بوسه دو میزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟  
ج- فکر ، فکر ، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- آنروز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتک)) میزنم و اما آنروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دورم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختلاف نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خراب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدند اید عکس العمل تان چه بوده است ؟

وای ! وار خندان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.



میخواهم زنی باشم عاشق و باخدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوین حدیثی و آزاد است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی مسافه کار استم و عذرت میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز نداشتند که از لسا نترس به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدید کسی جلو بروم و ؟

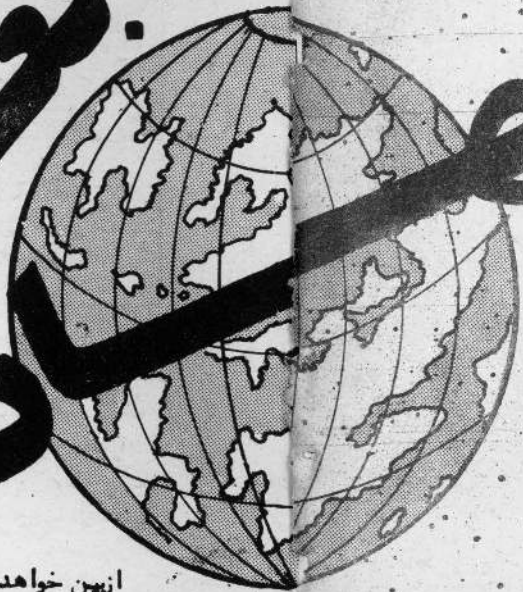
ترجمه: انجنیر حلیم

# تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

## تأثیر عمده جنگ

## ذروی سقوط ناگهانی و سردی

## و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست ...

سیاهای جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود ؟

در این پاسخ این سوال میتوان به اینست مشابه پاسخ برنده و قاطع در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت ...

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان :

زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق و تجارب مدل های کمپیوتری قرار گرفت ، چه قدرت محض انفجار (۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمتر از نصف زیاد خانه میجرسی ذروی جهان) باشد ، همه به این نتیجه رسیدند که :

موتل های اقلیمی که لغز طرف دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی تیم ساگان در پوهنتون کورنل ، مشخصین و دانشمندان مرکزی ایالات متحده برای تحقیقات اتموسفری در استونیاید در رأس آن قرار دارد ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستنچیکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم شوروی ، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوری از انستیتوت نیک اتموسفر مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از جنگ ذروی ارائه میکند . تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی ، سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود ، ظرف چند روز محدود جهان از سردی یقیناً به انداز سردی قطب شمال دچار سرما خوردگی می شود .

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت .

آفت ایکولوژیکی سرتاسری !

هفته ای بعد از انفجار ((زمنستان)) همراه با تاریکی تقریباً مطلق فرا خورشید ، صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور در در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید . شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت معکوس را بخود خواهد گرفت .

طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف ، درجه حرارت اتموسفر در ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنج درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت ، با این کار واکنش زنجیری از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری می گردد .

ناپودی حیات بصورت کل :

مدل سد بعدی های درود آنها یکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند ، طوری که تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها (اوپا-سار) هوای خیلی آهسته تر بر روی ابحار سرد) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید در نون های ساحلی خواهد گردید که این به توبه خود چنان بر فباری های شدیدی را بدنهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود خواهد ساخت ، علاوه بر آن ، تغییرات اتموسفری سببیکل های در ولوتیکی را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی ، ذواذوری را بر قاره های بیخ بندها و بدون خورشید حاکم خواهد ساخت .

بعبارت دیگر ، هراتیه که از صهیبت آتش جان سلامت برده ، سردی یا خشکسالی آنرا از بین خواهد برد ، یخبندان ناگهانی وسیع که الکساندروف ستنچیکوف آنرا پیش بینی کرده ، برای جنگلات در ارتفاعات متوسط تپه کن و کشته خواهد بود ، جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره بی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگیرد ، یعنی طوری

از بین خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه حرارت میتوانند مقاومت کنند .

صریخندگان دیگر !

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد ، این چه چیزی را اشکار میسازد یا توضیح میدهد ؟ جنگلات وسیع به صحرانیمه صحرای بدل خواهد شد البدی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید ، این نشاندهنده امکان پیدایش یک صریخندگان دیگر است . ملاتوا الکساندروف و ستنچیکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه بعد از درگیری ذروی ، هوای گرم بر روی ساحات تپ و بعضی نقاط دیگر موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد ، بار دگر سیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد گرفت .

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع در نیم کره شمالی رخ خواهد داد ، چون کله های هوای سرد و نیم کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند ، انسان میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه بایست در نیم کره جنوبی پناه گزین شوند .

زمستان ذروی بر تمام مناطق تا بهر خواهد انگند !

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دل بسته اند ، طبق نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره از بین خواهد برد .

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در امان نخواهد ماند بصورت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است . کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوری دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان پیرامون تغییرات ممکنه در اتموسفر بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند ، آنان توانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر قوت می پیوندد بعنوان مثال می آورند .

طبق نظریه گولیتسین ، خاک کوده هایی که از کره میخ در آسمان تابستان بلند میشود ، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر میگیرد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد ، سطح کره سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض جهان پیدا میکند ، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق خواهد افتاد ، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه ای که بعمل آمده آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمع خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) - مرتبه خواهد کاست .

مدل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما)) کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی نخواهد بود .

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظریه ایرلیچ ، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد کالیفرنیا ، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود ، علت ساده آن اینست که فوتوسنتز ، این پایه و اساس زنده گی نجات در تاریکی غیر ممکن خواهد بود و بدون زندگی نجات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین خواهد رفت .

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نجات شکل ارتجایی بخود بگیرد ، در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمع قوی ماورای بنفش مواجه خواهد شد .

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل صو اکادمی علوم اتحاد شوروی بقیه در صفحه (۲۲)

اگر نوعیت و احوال کونی زنده می یابد و در آنجا عمل بینین اوست بر اراده ۳۱ آنه و غیر کونی او بیاسیر بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان حارن او را نیز تغییر دهد ۱۰

از حکایات باستانی هند  
مترجم: ع. فرحسوز  
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شام  
بایسری که بر این آرزای شده  
بود شادمان گردیده بود و بنا  
و ملکه بخاطر دست یافتن به این  
الطاف و بخشش شامی از شعایر  
و مراسم را بر پا آورد و ریاضت های  
بسیاری کشیده بودند از سر  
آنها از زمان ازدواج شان در  
دوازده سال قبل تا این زمان  
کودکی بدنی نیاورده بودند  
ملکه از سوی همه نزد یکان و  
عزیزان تهنیت گفته شده بود  
کودک خوشدل و زیاده رکاب او  
لمیده بود و هنگام نیمه شب از  
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی  
کاخ را ترک گویند تا ملکه  
که خدمه ها در بیرون از اتاق  
نگهبانی اثر میکردند خواب  
را حسی داشته باشد و چراغها  
خاموش شدند  
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان  
بیدار شد و بد نظر رسید که نوری  
در نزدیکی سرش ظاهر شده است  
چشمهاش را گشود تا به منبع نور  
نگاه کند آنچه را دید او را به  
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست  
را ستر به سوی سرکودک نوزاد  
کشیده شده بود چون ملکه به  
آن نگریست موجود نورانی  
دستش را عقب کشید و لبخند زد  
ملکه بر حایر نشست و گفت  
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً  
تو پندار خود آسمانی هستی  
چون نورانی خاموشی گردید این  
کار ملکه را شگفت زد ساخت  
ملکه گفت  
- برا شما گفتمی زنده  
و مودت بانه افزود  
- آیا شما یک موجود آسمانی  
نیستید  
رب النوع سرنوشت گفت  
- بلی استم اما من رب النوع  
سرنوشت ایتم و یگانه و شایسته من  
اینست تا آنکه را در زنده کسی  
برای یک نوزاد فراهم شده  
است در پیشانی او بنگسیار  
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه  
(کارما) برای یک کودک مقرر  
داشته است از زود من درختان  
تولد هر کودکی را تعیینم اما  
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت  
خاص و بدانی بی است که تو  
یداری با وجود آنکه خود از آن  
آگاهی نداری  
ملکه در برابر رب النوع خم شد  
و پرسید  
- آیا آنده را در پیشانی کودک  
من نباشته این برای من آشکار  
نخواهید کرد  
رب النوع سرنوشت گفت  
- من نمیتوانم آشکارا تمس  
اگر اینکار را بکنم برای توست  
ندارد از سوی دیگر اینکار  
بدون هیچگونه لزومی باعث  
شگرتی تو خواهد شد  
- شما همین الان نیم از آنجه  
را از زود انتم بدانم برایم  
گفتید چنین به نظر میرسد که  
هیچ چیز خوبی در سرنوشت  
بسم وجود ندارد شما باید تمام  
حقیقت را برایم بگویید در غیر این  
شمارا نخواهم گذاشت که بروید  
اگر با جبر بروید من خود را  
خواهم کشم  
ملکه این جمله ها را با صدای  
نرم ولی مضم اشعار کرد  
مباحثه بین ملکه و رب النوع  
ساعتی ادامه یافت بالاخره  
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه  
اشکار سازد که بر او در زنده می  
خواهد کرد و دراز کاخ در  
جنگلی خواهد زیست  
ملکه دریا را میرومید و گریست  
اما بخود جزا داد تا از  
رب النوع خوشبختی تقاضا کند  
که اندکی بارید بختی بپوش  
را کاهش دهد  
رب النوع گفت  
- خوب من تضمین میکنم که او  
هر روز توانایی شکار یک آهورا

داشته باشد و این امر بزرگی از  
سرنوشت او خواهد بود بیشتر  
ازین تازی کرد نمیتوانم  
و سرانگین سخن ها رب النوع  
ملکه را ترسید  
روزها سپری شدند ملکه در  
و وسواس خود را در دل نگه داشت  
یک سال بعد شاه بیمار شد و  
در گذشت وزیر سیمه کار او  
تا شاهی را به بهانه اینکه  
شهرزاده خرد سال است تمسب  
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه  
و شهرزاده را بکشد اما ملکه با  
شهرزاده کویت به موقع فرار  
کرد و در جنگلی پناه گرفت  
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه  
و اقیعیت پیوست هر نام ملکه  
جال های را در گوشه و کنار جنگل  
می گسترانید و صبح بعد آهویی  
را در یکی از جال های یافت  
ملکه آهورا به یکی از جنگل نینان  
میداد و او آنرا در شهر می فروخت  
و بهایش را به ملکه می سپرد  
به این ترتیب سالها سپری  
شد بزودی شهرزاده نوجوان  
به یاری مادر شتابید در عین  
حال شهرزاده به شاکردی یک  
تارک دنیا رفت و نوشتن خواندن  
و فلسفه را آموخت  
روزی شهرزاده در اندیشه بی  
با خود میگفت  
- بسیار شگفتی آور است که  
هیچگاهی بیشتر از یک آهور در روز  
شکار نمیکم در حالیکه هر روز در  
پنج محل جال میگذارم و بسیار  
عجیب تر اینکه هیچ روزی را بدون  
یک آهوی شکار شده سپری نمیکم  
مادرش که این سخنها را  
شنیده بود گفت  
- این بخاطر است که شکار یک

آهور یک روز جزئی از سرنوشت  
توست  
به این ترتیب ملکه بخشی از  
راز را آشکار ساخت شهرزاده  
اصرار ورزید تا بداند که مقصود  
مادرش چیست و ملکه مجبور شد  
تا همه چیز را به یک به او بگوید  
شهرزاده نشست و در سکوت  
تزیینی فرورفت پس از سکوت  
طولانی گفت  
- مادر! من سرنوشت خود را  
تعمیر خواهم داد  
- بسم چگونه اینکار را میتوانی  
بکنی کی میتوانی سرنوشت خود  
را تغییر دهی  
شهرزاده نوجوان گفت  
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی  
خویشم به خاطر اعمال خود در  
زنده می قبلی است بسم من  
میتوانم اینکار را بکنم  
شهرزاده ساعات طولانی بسمه  
اندیشه فرورفت و بعد با چهره  
مغمم برخاست  
روزی یک آهوی عور پنج جال  
فقط یک جال را در گوشه بی از  
جنگل گسترانید و در نور یک  
پیشینی کرده بود یک آهور را  
در جال یافت  
روز بعد به عور اینکه جال را  
روی زمین بگستراند آنرا در  
شاخه بی از درختی آویخت  
با وجود آن صبح روز بعد آهویی  
در جال گیر مانده بود  
و بعد جال را در بلندترین  
درخت آویخت و همین سان گرد  
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت  
نیمه شب از خواب بیدار شد  
و موجود نورانی بی را در کنارش  
یافت  
شهرزاده پرسید

- آیا عارب النور سرنوشت  
استیسه  
رب النوع خشمگین گفت  
- بلی من استم منظور تو از  
آویختن نبال در درخت بلند و  
افروختن آتس پیرامون آن چیست  
ایا تو میدانی با وجودیکه من یک  
رب النوع استم در نیای عینی  
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم  
کار بکنم نمیدانی که بسردن  
آهوی بالایی درخت تازی است  
دنیار  
شهرزاده گفت  
اما شکار یک آهور هر روز جزئی  
از سرنوشت من است اینکه  
چگونه آنرا در جال من گیر  
میاندازی کارتوست  
رب النوع گفت  
- آیا باید بخاطر خوشبختی  
که برای تو تضمین کرده ام مزا  
حم من شوی  
شهرزاده آهسته گفت  
- اگر کار ترا در نوار منی ساختم  
تو در برابر من ظاهر نمیشدی  
- اما تو چرا میخواهی که من در  
برابر تو ظاهر شوم  
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من  
نوشته بی و مرا محکم به زنده می  
در تبعید میکند از جبین من  
بزای رب النوع سرنوشت  
سکوت کرد شهرزاده چشمانش  
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم  
از یک سرنوشت نوگردید لحظات  
طولانی سپری شد شهرزاده  
احساس کرد که دست رب النوع  
از پیشانی او میگذرد بعد  
چشمانش را باز کرد  
رب النوع سرنوشت گفت  
- با اراده و آرزوی خود تو قادر  
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی  
و افزود  
- احسان و بخشش من با تو  
خواهد بود  
و آنگاه ناپدید شد  
روز بعد خوب شکی خوبی  
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده  
و مادرش آورد قاصد تخت و  
تاج که مستبد و مستغرضه بود  
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه  
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ  
رفتند همه کس ملکه را شناخت  
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده  
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد  
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر  
سرنهاد



# مراسم یک تدفین

# امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار کند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکینو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پینار از ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

## درین مراسم جاپان بایست پلوما

## سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود. هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در هلهوی آن حکومت مدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتو منساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتو به تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی سلسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی بی نشان برداختند، حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور، آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیراز جنگ را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا بحیث تجلیل تبارز جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما، موران عالیرتبه شان برداخته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگین

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باخ خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، با وصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانسی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان، به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری بسه توکیو، ۲۲۰۰۰ پولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاسی مسوترها و اموال تجارتی زمینسی و هوایی در نقاط مختلف مرکز و همیه شهر ببرد از بند. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن در نقش متضاد امپراتور بود؛ نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتو و نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتو قاندا داشتند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جاپان چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد و لوکه بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجوکوگین، که باشکوه های گیلان خود شعرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود و رانجا یک سالون مراسم، که دارای پت دروازه چوبی بسه ارتفاع ده فت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی بسره ۵۵ ساله امپراتور نقش مهماندارو رهبران مذ هبی شنتو نقش بر گزار کردند. رسمی مراسم را ایفانمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانیسه های از طرف مدراعظم و دیگر ما، موران جاپانی، ایزاد گردید و بندعوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیو نقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیو سرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد. تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت نمایسد. البته صرف سماعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و ریبر مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت مدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقتست و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصص داده بود. امپراتور جدید و خاندانش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یاز پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

## زخم معده یک مریضی

نویسنده: کورون الله روحیان  
مکروبیست  
کشف میکروب کامیابو بکتیر پیلور (Compylobacter pylori)  
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکبیر واسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز همی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب پیلوری را در معده شان حمل نموده و محوهمین ارگانیم از وجود باعت صحت و ترمم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکتر، به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلنا بالای فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب پیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توسل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکتر ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میشدند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مرآتبه امانه تراز مرخصان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت بسند بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط بسه قلوبی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخرش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین ویا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معضات تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب پیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانند که یکانه مکروبی است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر پیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند. واکتر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشاهبت با میکروب های نوع سیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges  
بقیه در صفحه (۹۰)



# موگیشی، صدای جاودانه سده‌ها



ترجمه: علی اثیر



به‌مینگونه موگیشی درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موگیشی چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازگشتن به هنر او از خوانی این نیز تا "تیر منفی" بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای (( بنکچ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ (( کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که (( انیل بیسواس )) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موگیشی را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: (( شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موگیشی عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موگیشی از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بمان آورد. تهدیدش کردم که در جلو ارگستر -

لک و کوش خواهم کرد. ))  
بقیه در صفحه (۷۸)

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر میخیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موگیشی و ریدیس - مردند چنین چیزهایی واقع نشد و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موگیشی (( الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کردند زیرا موگیشی صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار (( هنر رهنوشی)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موگیشی را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موگیشی در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موگیشی در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتنی گیر مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدا پیش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عاری ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



## یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری



ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود  
- الرزکونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي هسه  
سربازان ښه روزلي دي او سورشال موهم لیري  
کړي (پوه شوي؟)  
- هو ښاغلی جگړن  
- اوپام کوي چی سربازان د سگرت خکولوبه وخت  
کې احتیاط وکړي کله چی غشی ویشتونکی دغه  
د شپې خلیدونکی چینجی وینی چی له یوې خوانه  
بلی خواته یې گوتی یې خاریت کوي  
په تیره اونۍ کی پناهه کسه سربازان په سروندو  
باندي په گولی ولگیدل ښه پاملرنه وکړي  
پوه شوي؟  
- هو ښاغلی جگړن  
دوم برید من الرزکله چی د ټولې په لوړ روان

لیکونکی: ولکانگ پورشرت  
ژباړونکی: ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه  
یو کال پنځوس سه شنبی  
اوچکره ۰ پیری سه شنبی لري

\*\*\*

ددې سه شنبی په ورځ

په نیوونکی کی بی القاد لویو تورو مشق کاوه  
د نیوونکی په سترگو ۰ پبلی نښینی لرونکی عینکی  
وي ۰ عینکوی جوکا ټنه درلود اولنژونه یې هغو  
مړه پبل ووچی سترگی یې په سختی لیدل کیدی  
دوه خلویست نجونی د توري تختی ۰ وړاندي  
ناستی وي اونه غټو تورو لیکل:  
(فریتس د خلیس بیاله لري ۰ د پرتای د خندا غمز  
تیرارسه ورسید ۰ په جگره کی ټول پلرونه  
سربازان دي ۰)  
اولا (۱۱۱۵) د خپلی ژبی خوکه ۰ ترسزي  
پوري ورسوله ۰ نیوونکی هغه ووهله ۰ (اولا تا  
جگره په (گ) لیکلی ۰ په (گه) لیکل کیسزي  
(گ) لکه گور ۰ ماخوچوله درته وپلی دي))  
نیوونکی یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په  
وړاندي یې د چلیانته کیښوده ۰ (د سبا لپاره  
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي؟))  
اولا وویل ((هو)) اوله ځانه سره یې زیاته کړه:  
(عینکی یې وگوره ۰) د نیوونکی په حویلی کی  
کارخانود پوډي لیري غوړول شوي ټوټی خورلی ۰

ددې سه شنبی په ورځ

دوم برید من اولرز ټولې قوماندان وټاکل شو  
(تاسو باید خپل سورشال لیري کړي ۰ ښاغلی الرزکله  
(پلی ښاغلی جگړن؟))  
(هداس ده چی ویس ویل الرزکله په دوم ټولې  
کی دغه موضوع په چاښه نه لگزی ۰))  
(ټاکل شوي ده دوم ټولې ته تبدیل شم ۰))  
(هو ۰ او هغوی له دغی موضوع سره ښه نلسري  
ته نه شی کولای له هغوي سره سم ولاړ شوی ۰  
دوم ټولې له انضباط سره غاډت کړي ۰ له دغه سره  
شال سره په تاسووته منی ۰ تونن هسه داسی کوم  
شی له ځانه سره نه گرځاوه ۰  
(هسه یې شوي؟))  
- نه ۰ هغه خبر راگر چی ناروغه شوي دي ۰ حال  
یې ښه نه ۰ له هغی ورځی نه چی د تونن رښی

بیغلی سورین وویل: ((هو ۰ هغه کولای شی ۰))

ددې سه شنبی په ورځ

تونن هسه یې په تسکره کی له حشراتو سره د  
مجادلی کوټی ته وپوړی ۰ د ننوتو د روزي پر سره  
یوه ټابلو داسی لیکل شوي و ۰ ((که جنرال یسی  
که سربازین ۰ دلته باید خپل وینسته وخری))  
د هسه وینسته یې وخرییل ۰ د نرس اوز د پاونر ی  
گوتی د غنی لاسواښوته ورته وي ۰  
د بند ونوشاوغواپی لږ سره ښکارید له ۰  
هسه ته یې په کم شی باندي چی د درملتون  
پوي یې درلود مالش ورکړ ۰ ترس ښخپلونی پوله  
لاسونو د هسه ښوونپوه اووروسته یې په پوي پبلی  
کتابچی کی داسی ولیکل: ((تودوخه ارا ۰ ښی

# د دې سه شنبی په ورځ

۱۱۱۶ ۰ یې هونه ۰ په قوی گمان ۰ تیغوس)) او  
کتابچه یې وتر له ۰ دکتابچی پر وین لیکل شوي و ۰  
(د سمولنسک د ساري ناروغیو روغتون)) اسه دي  
کرنی لاندي: ((یوزراوخلورسوه بسترې))  
موظفینود هسه تسکره پورته کړه ۰ په زینه کسی  
سر له پر ستنی څخه د باندي وتلی و ۰ اوله یوې خوا  
نه پلي خواته په حرکت کی و ۰ وینسته یې ورته  
خرییلی و ۰ ۰ ۰ ۰  
د تسکري یوه وړونکی ریزش کړیو ۰

ددې سه شنبی په ورځ

میرمن هسه د گاوندې د کورننگ وواوه ۰ کله چی  
د روازه خلاصه شوه ۰ هغه لیک یې چی په لاسکی و ۰  
ونوراوه ۰ میر ۰ یې تونن شوي و ۰  
په هغه بحرې کی د سر ودرجه صفرلاندي خلو ۰  
پینتوه اودغه لیک نه ورځی په لاره کی و ۰  
د پاکت بروخ لیکل شوي و ۰ ((میرمن تونن هسه ته  
دي ورسیږي ۰))  
میرمن هسه لیک جگ نیولی و ۰ خوگاوندې یې هغه  
نه لیده ۰

خلویستو درجی ساره ۰ اوترشوندولاندي یې زمزمه  
کړه ۰ ((بیچاره سربازان ۰))

ددې سه شنبی په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د سارای روغتون  
رښی د روغتون له سرطیب څخه پوښته وکړه ۰  
(هره ورځ خوکه ۰ ۰ ۰ ۰)  
- ((پناهه شپږ کسه ۰))  
اوربیس وویل: ((نفرت پارونکی ده ۰))  
سرطیب یې په خواب کی وویل: ((هو ۰ نفر ت  
پارونکی ده ۰))  
او هڅ یوه دبل سترگوته ونه کتل ۰

ددې سه شنبی په ورځ

د ((جاد ویر فلوت)) قطعه یې غزلسه ۰ میرمن  
هسه خپلی شونډي سري کړي وي ۰

ددې سه شنبی په ورځ

نرس الیزابت خپل مور اوپلارته داسی ولیکل:  
(دخدای له مرستی پرته استقامت نه شی کیدای ۰)  
خوکه چی اسپستان ورتزدي شو ۰ له خایه پورته  
شوه ۰ اسپستان لکه چی د نر ی دیوې وچی نیسه  
برخه یې برشا پاروي د سالون له منعه په کړ وپسه  
ملاتیر شو ۰

الیزابت له هغه پوښتنه وکړه ۰ ((هغه ته باید  
کم شی ورکړم ۰))  
پاکر خواب ورکړ ((نه)) دغه کلمه یې هومره  
ورو ویله چی تابه ویل له خپله ځانه شرمیږي ۰  
اووروسته یې تونن هسه د باندي ولید داوه ۰ د پا ۰  
ندي زیات غالمغال اویدل کیده ۰ چا وویل: ولسی  
مړي په ارامی سره پر ځمکه نه زدي ۰ هرچل هغوي  
له پاسه خوشی کوي او غالمغال جوړ یږي ۰))  
اسپستان له یو بسترنه بل ته یې ۰ هره ورځ اوهره  
شپه ۰

اوپ دې ورځی اود شپې په اوز د وکی ۰ لکه د هغه  
چا غوندي چی دروند باری بر اوږ ووي ۰ کس و پ  
د سالون له منعه تیرید ۰  
د باندي ۰ دوه کسه چی تشه تسکره یې وړ لسه  
سره خپي راوولیدل ۰ یوه یې وویل: ((خلکورم  
نمبر ریزش کړیو ۰))

ددې سه شنبی په ورځ

د شپې ۰ اولا په خپله کتابچه کی په غټو تورو ۰  
داسی لیکل:  
(په جگره کی پلرونه سربازان دي ۰  
په جگره کی ټول پلرونه سربازان دي ۰))  
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله ۰ اوچکره  
یې په (گ) لکه گور ۰

صاحبزادگان

# لیلا، لیلا تو روز است خدا یاد دنیا کو روز است



## نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من

— در راد یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی راد یوتلوزین که زنده باشند در روزه های مایوسی را بروی من کشود اند. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انراد در طلوع سوزنیک ثبت میگردم بعد از از زبانی اگر خدا بخواید که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما بوس گله و شکر به خورد من داد پس بد یعنی چه؟ بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یوتلوزین کردید از همان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت بد پند برنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

همچنان اهنگ: قدح را سرگرم شب را سرگرم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند که تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد یوتلوزین مشکلات داشتید؟

— بلی. اولین اهنگ راد یوتلوزین با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— با آواز مقبولی که در ان ۷ پارچه خیلی کر نیست؟

— چه باید کرد کسی به راد یوتلوزین راه نمیدهد.

— علت انرا میدانید؟

— بلی میدانم. انانیکه از زبانی اهنگ ها را به عهده دارند نمیتوان خواست شانرا بر آورده بسازم.

— اقتصاد من خیلی خراب است.

— فقط همین علت است؟

— یک گپ دیگر هم است من نه کابی بقمه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق صرف در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد یوتلوزین موجود است.

— از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگرم شب را سرگرم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی ها بالای ستر من بینم. او میخورد اند (( نگاهت راز من برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زدم ام )) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرده ام از او دعوت میکنم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انراد یوتلوزین میگزینیم؟

علاقه مندان آواز تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو

بمیانند کشور ترک کد او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشق قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از انجای فرانسه رفت و فعلاً در کالیفورنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک را میترسد متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام (( گروه کامیون )) نامیده میشود که در راد یوتلوزین میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقتی او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقتی میخواند تو میگفتی گلها میشکند و شاخه های خشک درختان شکسته میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور یورو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۸۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقتی متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوخت نعیم پوپل را مجبور

## ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

# از کال کوزل و کال کوزل

نامہ یاد نیزی به دي پل :  
۱- موزک ۲- گاوینه ۳- پرا-  
نگ ۴- سوي ۵- نهنگ ۶- مار  
۷- آس ۸- ميره ۹- بيزو  
۱۰- چرگه ۱۱- سپی ۱۲- خوگه  
نوي کال به جنوري د پار -  
لسمی خخه د فبروري ترخلو رو -  
يشمی پوري (د جد يد رويشتم  
خخه د حوت ترخلوروی پوري )  
بیل کیدی . تل د سپوزم یمه  
لوسري روج نما نعل کیدی .  
منکولیا بی زس و یونکی خلک نوي  
کال (سگان سر ) یعنی سپینه  
میانست بولی ، نوي کال به نیمه  
شبه نه نما نخی ، بلکه نوي کال  
به لوسري روج ره سهار سپید و ته بی  
نما نخی ، اوبه دي سهار دي يوي  
سپس خلک د بویل کورته ماس د  
نوي کال مبارکی وایی اوسونانو  
ویشی ، دا عادت تراوسه پئوري  
به منخی آسیاکی پاته دی ، به  
به میلمستیاکی دفونوا و شید و -  
خخه نیار سوي خوار به دستر -  
خوان اینبول کیزی ، سپین  
خوار به سپینه میانست بولور -  
حکمت د رلود ، او خلک په دي  
ارمان وه ، چی دا خوار به به  
نوي کال د رمو به زیانید و کسی  
اغیزه لری ، او د پوبی خور لو  
به وخت کی یوبل ته د خاورو د  
بجیانو د نیزید و لو هیل -  
خرگند ولی ، اوبه مغولستان  
کی اوس هم د نوي کال لوسري  
روج د خاورو د رومی به نامه  
یاد یسز ی .

کی نقل نیزه ناز و یی یو از یی  
د خیل احساس سره سم برمیخ  
نمی . د خیل مراد د لاسسته  
راور لود باره توله مخکه رانگه  
زوی . د مار به کال نیزیدلسی  
هلک قهار . شعوت پرت او  
خورا حساس و یی اوزیزیدلی نجل  
بنا یسته و یی . به عابانیا نوکی  
د بنا یست د ستاین د باره مار  
فوندی بنا یسته اصطلاح و سل  
کی سزی .  
نیکرته به وی که د مار به  
کال نیزیدلی د گاوینه او چرگی  
به کال نیزید لوسره واده و کر یی .  
خود بیزود کال سره به طالعمنند  
نه وی ، د پرا ننگ او وحشی خوگه  
د کلو سره به بد مرغه وی . (۱۰)  
به یود نیز کی مارک یمه  
موجود به توگه گنل کیزی ، د مار -  
رانو پاچا (موجالیندا) بوداد  
سپل به وخت کی ژغوری مار  
خو سپی ترهغه وخته پوری ساتل  
کیدی ، تر خود فیلسوف نگر جون  
د نظر له مخی انسانان د مار  
د پوهی سطحی ته ورسیدل -  
همد ارنگه به بود اینم کی مارک -  
تهر چرگ د شعوت او خوگه د  
جهل سمبول دی .  
د منخی آسیا چینی خلک په  
دی عقیده دی ، چی د مار به  
کال نیزیدلی نارینه . که د سوزی  
اومیزی به کال نیزیدلی نجلی  
سره واده و کر یی ، د هغه  
اولاد ونه به نامتوانانده ااره خلک  
وی . د مار به کال نیزیدلی نجلی  
که د چرگی اوفوا به کال نیزیدلی  
هلک سره واده و کر یی ، د وی به -  
نجونی . نیزوی .  
د منکولیا اومنجورا خلک عقیده  
لری : (د مار به کال نیزیدلسی  
یو معتدل اوزر ، سواند مانسان  
دی . همد ارنگه ، دی به منطقی  
تیز تم او پرخبله خبره ولا سري  
وی . خوب عیب به بی دشرویاتو  
خنبیل وی . د زره . مفعلوا و نوری  
اوز دی ناروی به ولری . د ده  
د باره لازم نه دی چی د خیل  
رییس (وظیفوی) ، سره جنجال  
و کر یی . به لوسري سرکی به رنغ  
یو سی او روسته به له منخنجه  
ولا سري . (۱۰)  
د مار به کال نیزیدلی انسان  
به تیر ویا کونوری ژوند و کر یی ، که  
د پاک خدی د کرا و تها و ایسی  
مشکه خوگ خان چنی خلاصول  
شی ، مار د نوروه نظر ویا فیصلو  
وی .

د تبت د شبیهه کنتی کلیز یی  
بیل د جینی کلیزی له بیل سره  
سمون نه لری ، به تبت کی د -  
دوره د سوي د کال خخه بیل  
کیزی ، د پاس حال کی چی به  
چین کی د موزک د کال خخه  
بیل کیزی ، د دوی ترمنغ تو پیر  
به د رولگو کی دی ، به دی خاطر  
اوسنی شبیهه کنتی دوره به چین  
کی به ۱۹۸۴ کال اوبه تبت کی به  
۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .  
د ۱۹۸۹ کال د فبروری د -  
شپزی منی به شیه نوي کال -  
یعنی د زره مار کال بیل شو .  
(چی ۱۳۶۸ هـ ش کال هم به  
همدی نامه یاد یی) ، د طبیعی  
عنا صرو . د دی رنگ سره  
مخک سمون لری ، کال مونث  
(نم ) بیل کیزی ، د خخیو  
خلکو په روایت به دی کال کی  
ژوری او بد مرضی بیسی ، سختی  
نیستی ، تر لزل اوما ته نه پینیزی  
د منخی او ختیسی آسیا به خلکو  
کی د مار خخه مختلف تعبیرونه  
شته ، جابانیا ن عقیده لری :  
(مار د حکمت ، فرست اوارا دی  
خاوند دی . خوراطالع مند دی ،  
هر خه ته بخان رسولی شی ، مار  
منکب و مغروردی ، خو ظرف اغو -  
سته شوی دی ، مار خور اخسود  
خواه او موزی دی ، خود علاقسی  
به صورت کی مرستی ته هم دانگی  
کله هم داسی ساتته کوی ، چی به  
مشکه خوگ خان چنی خلاصول  
شی ، مار د نوروه نظر ویا فیصلو  
وی .

همد ارنگه کال ، میاشت ، و -  
نمی او ساعتونه هم د خا رویو به  
نامه یاد یلی ، لکه د (صفر متر  
۲ بجو) د موزک ساعتونه .  
(۲- ۴ بجو) د گاوینه سی  
(نم ) پل هم ویش شوی دی .  
د موزک ، پرا ننگ ، نهنگ ، آس  
بیزو و سپی کلونه مذکور ( کلک )  
اوبه گاوینه ، سوي ، مار ، میزی  
لویه کلیزه :  
پنجه کوچنی د وولسر کنتی  
د وری یوه لویه شبیهه کنتی دوره  
چو وری ، به دی دوره کی یو  
خاوری پنجه واره به تکرار یاد  
ییزی ، خوبه هر وار کی یورنگ د  
هر خاوری د باره مشخص شوی .  
دی ، د ارنگنه د پنجه طبیعی  
منصرو یعنی د رخته ، اوبه مخکسه  
اوسپنه او اوبه خخه اخیسته  
شوی دی ، د اوشیبه لاند نس  
جدول کی به واضح پل و ل خمر -  
گند نیزی :

مور	نر	۱	شبه	۱۳	سور	۲۵	ژر	۳۷	سپین	۴۱	تور
کوه سینا	بنیخه	۲	شبه	۲۴	سور	۳۱	ژر	۴۳	سپین	۵۰	تور
پراگ	نر	۳	سور	۱۵	ژر	۲۷	سپین	۳۱	تور	۵۱	شبه
سور	بنیخه	۴	سور	۱۶	ژر	۲۸	سپین	۳۲	تور	۵۲	شبه
نهنگ	نر	۵	ژر	۱۷	سور	۲۹	سپین	۳۳	تور	۵۳	سور
مار	بنیخه	۶	ژر	۱۸	سور	۲۹	سپین	۳۳	تور	۵۴	سور
آهن	نر	۷	سپین	۱۹	تور	۳۱	سور	۳۴	سور	۵۵	ژر
میره	بنیخه	۸	سپین	۲۰	تور	۳۲	سور	۳۴	سور	۵۶	ژر
بیزو	نر	۹	تور	۲۱	سور	۳۳	سور	۳۵	سور	۵۷	سپین
چرگه	بنیخه	۱۰	تور	۲۲	سور	۳۴	سور	۳۵	سور	۵۸	سپین
نهی	نر	۱۱	شبه	۲۳	سور	۳۵	ژر	۳۷	سپین	۵۹	تور
خوگ	بنیخه	۱۲	شبه	۲۴	سور	۳۶	ژر	۳۸	سپین	۶۰	تور

د هرنوی کال به راتلو سره  
تول خلک د نوبیدیدو ، البته  
نیکر فویدید و ته د بیر به تمه وی .  
اوهر یود خیل قیاس سره سم  
راتلونکی اپکلونه ورناندی کوی .  
د ایخوانی آسیا بی عادت به  
اروپا کی اوسد کلتور او کلچر جیزی  
گر خیدلی دی ، خو پوهیزی  
چی راتلونکی کال د کوم خاوری به  
نامه یاد یی ، اوهغه پل کالی  
ارمانگونه وافوندی اوبه کال  
به لوسري روج یا شیه یو بنا یسته  
نویست بنگاره کر یی ، به عانگري  
توگه پنخی د دی پوینتی سره  
پیره علاقته خرگند وی ، اوبه نسر  
زره غوا ری ، چی د نوي کال نم ،  
د هغه خصوصیات او تقریبی  
ایکل شوی راتلونکی خان تصعلیم  
کسری .  
د کلونود اوشیبه ختیسه  
عنعنه ده ، چی د پخوا خخه د  
کلیزی به پل د کال د عدد د سر  
خنک د خاوری نم هم لیکل کیدی  
د اوشی دوی د وری لری ، لوسري  
بی د وولسر کلنه اوبه و هغه یسی  
شبیهه کنتی دوره ده ، کله یسی  
پوهان د کوچینی اولوی دوریه  
نامه هم بولی ، د وولسر کلنه کلیز  
د نورولس ها و و کلنیزه برتلسه  
د ویره معلوله کلیزه نه ده ، به  
یقینی پل د کلنیزه د ویره  
حقیقی نه ده ، لکه یوه نجومس  
اولکلتوری کلیزه چی ده ، به  
علی اد بیاتو کی بی کله فسری  
کلیزه هم بولی ، خود ایقینیسی

د ننی آسیا و نر فاد محلی خخه  
د شیر شاه رشاد ژماره



# مرزهای دانش

## آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (جوزمین) در ارتفاع ۲۰-۳۰ کیلومتر سطح زمین منتشر است، هرگاه آن از دیگر ترکیبات اتمسفر جدا ساخته شود قشری با ضخامت تقریباً ۳ ملی متر را تشکیل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای ترمال به تقریباً ۸ کیلومتر میرسد، آزون را دیواکتیف ماورای بنفش خورشید را جذب نموده، مانع ضرر به پلوتیکی بالایی سطح زمین و مانع تغییرات حرارت در اتمسفر میگردند.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشید کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هوای محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمین بر اقلیم اثر افکند، درجه حرارت آنرا کمتری میکند. از جمله دشمنان عمده آن فنون رون و محیط بحرکات مشترک کاربن دیاکسید و کلوروفلاید از ۶۰ سال است که در میخان ها و کولرها به شکل مانع مورد استفاده قرار میگیرد. این ماده زهر آلود نبوده، توده فواران کم میباشد، در ارتفاعیکه انتقال میکند کاربن را آزاد نمیکند، یک اتم آزون را تخریب کند.

برعکس فنون کاربن همان که کساید آزون و دیگر موادیکه تعداد آنها به تقریباً ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب میخوانند.

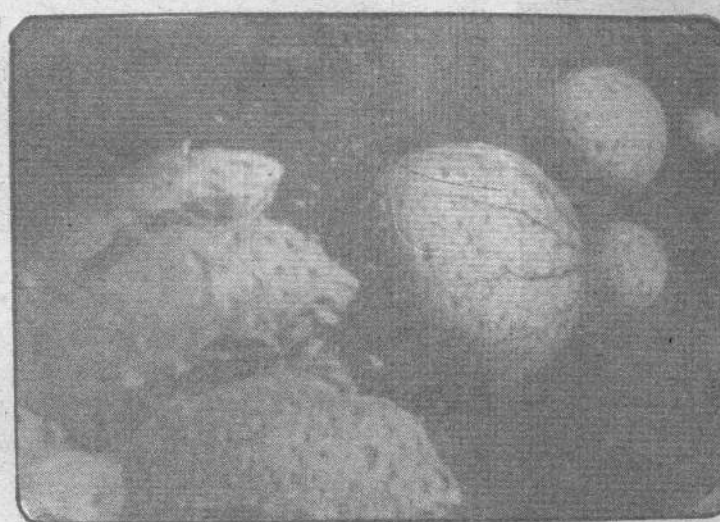
برای از دیداد معلومات خوانندگان محترم نقل گفتگوی خبری -

نگار روزنامه از ویستیا با پروفسور ولادیمیر زخاریف نماینده اتحاد شوروی در کنفرانس مونتهال که پیرامین اتخاذ تدابیر دروقیه قشر آزون از تخریب بعمل آمده تفسیر شدیم. - آهنگ تخریب قشر آزون به چه پیمانها بست و ازین نگاه در سده ۲۱ چه چیزی را انتظار ماست. - در دهه ۲۰، که تا شعرات مواد مخرب بر آن زمین مورد مطالعه قرار گرفت، چنین پیش بینی بعمل آمده که در پایان سده جاری ۲۷ فیصد آزون کاهش خواهد یافت، مگر خوشبختانه این پیشگویی به حقیقت نرسیده است. قرار مساجات علمی، در صورتی آهنگ تخریب شدت موجود را حفظ کند، تا نیمه سده آینده از ۶ تا ۷ فیصد پیش محافظت خود را از دست خواهد داد. مقدار کم آزون اتمسفر هیچگاه به یقین معلوم نبوده است، در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ مقدار آن صدمه دیدند رفت ولی در اوایل دهه ۶۰ فیصدی آن دوباره پایش آمد و پس از ده سال نسبت به دهه ۵۰ باز بلند رفت و از نیمه دوم دهه ۷۰ دوباره پایش آمد، فعلاً قشر آزون ۳ فیصد نازک شده است. - کاهش قشر آزون برای انسان چه تهدیدی را در قبال دارد؟ - لزوم نیست از حجم آنتاب نامت شش داشت، چه لباس مادی - بپوشد (صفحه ۷۵)

# آیاتصادم زمین با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای آهنگهای اطراف ما، که با نجوم و کواکب مرصع گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب سیاره پرتو افشانی می کنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنتاب دور میمانند، نجات یافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - اگر یکی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید، علمای اظهار می دارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این در خلدت این امکان به میسر میسازد.



تحقیقات علمی در قرون وسطی این را پیشکش میکنند که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه بالا تکمله جوانب وسیع موضوع در میان علمای قرون وسطی نمود ولی عده بسیار طایفه آن صریحاً انهم ضمنی تفسیر این احتمال میکنند.

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میمانند. زمین با سیارات شدیداً از زمین، امواج غبار و بخار آب، مواجه میگردد. این گونه تصادم ولو گرد آید یا خشک به وقوع می پیوست تا شیرات ن سالها سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که منجر به وفيات موجودات و خرابی کاینات میشود. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

بقیه در صفحه (۷۴)

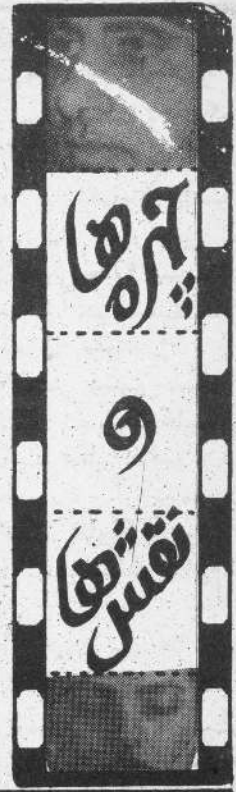
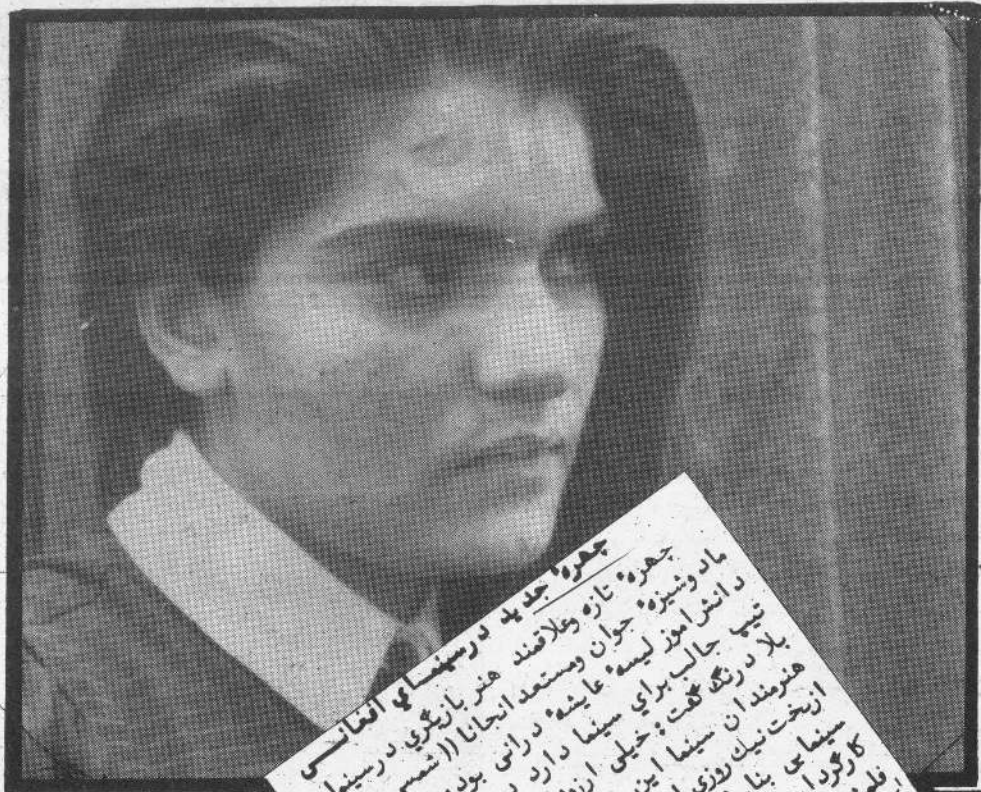
# در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

طبایط سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایط خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایط باید در کنار طبایط عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد. برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد.

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش در اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز، سر درد میکند، خواب ندادن، اشتها ندادن، یابسی از حد معیّن غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه های و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشوم. قهقهه میریزم تا خود را تشکیس دهم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و... در بیمارستان را بالا نهانگاه

با وجود اطمینان به رحمت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگری سازش نمی تواند. داکتر هرگز میدانده که امروز تقریباً همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست. - پس شما را از نقطه زندگی تان، که در نایف نیست، فدای میگویم. داکتر بابت بیچکاری ظرفیت داری سوزن موماندنی به نایف مرید نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریباً همه از دست زدن به آن به تقشایمی آید، درین اثنا داکتر در حائیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی میشود، استراحت دام و... در بایخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را بر مبنای طول عمر، که از هنده سال بدین سو بر مبنای تدابیر میزبان و نتایج نفع بخش آن قایم ساخته بیان میکند. طبایط عوارضی طب سوزن عموماً در تداوی سیستم تنفسی، نفس تنگی، تکالیف جگر و تکالیف ناشی از حساسیت ضعیف واقع میشوند. شیوه داکتر هونگ عمر را طولی میسازد، این طول عمر بعلاوه از فریاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت واحساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار داکتر هونگ است که وی، بعکس محقق و امرانستیتوت طول عمر

بقیه در صفحه (۷۵)



چهره تازه و علاقتند هنر بازیگری در سینمای  
مادوشیزه جوان مستعد انجانا (شمس) -  
دانش آموز لیسه عایشه درانی بوده است. او که  
تنها حالب برای سینما دارد در برابر پرستی  
بلا درنگ گفت: خیلی ارزوداشتم تا روزی در میان  
هنرمندان سینما این هنر ظریف و حالب قرار بگیرم  
از سخت نیک روزی اطلاع یافتم که کار تهیه فیلم  
سینمایی بنام (سفر) در دست تهیه است و  
کارگردان فیلم در جستجوی کادربندی بوده که برای  
فلمشیزه انتخاب گیرد. همانا بنا بر علاقتندی نزد  
د رسلسله جو بحث در جواب فیلم مورد نظر انداخت  
اجرا کند و نقش (هیروئین) در نقش مرکزی (بنام  
فیلم برادرش میاید کاندید شد. البته نقش را به کوه  
کارگردان سعید اندکزی دیدیم. در مرحله محبوب  
اجرا کرد و ما مجله زیبای روزنامه (اصص) از  
خانواده ما همجنان در نام مشترک نیز هنرمندی  
همان نقش داشت. امید داریم در رشته سینمای  
افغانی با هم همکاری و سینماگران گامهای مشترک  
در آینده برداشته باشیم.

## لیزا بیوی پرده

دوشیزه ایله از سن شش  
سالگی با مادری که از جمله  
هنرپیشه های مستعد سینما  
وتلوویزیون است، بنا بر توشیح  
پدرش راهی هنر تحصیل شد و گام  
بگام صحنه این راه، راپیمود  
و کون در سکوی موفقیت قرار  
دارد. او دوشیزه لیزا است.  
لیزا در برابر پرستی افزود:  
اولین مرتبه ای که در برابر کمره  
فلمبرداری قرار گرفتم، دلم شور  
و هیجان خاصی داشت، خوشنود  
بودم که من روزی مثل مسادن  
(خورشید) هنرپیشه شوم  
و این فلم (گناه) نام دارد از صحنه  
خته های انجنیر لطیف، باردین  
به فلم سینمایی (گام های استوار)  
(ار) به کارگردانی توریالی شفق  
بعداً به فلم سینمایی فرار -  
بقیعه صفحه (۷۱)



## تصویر بردار

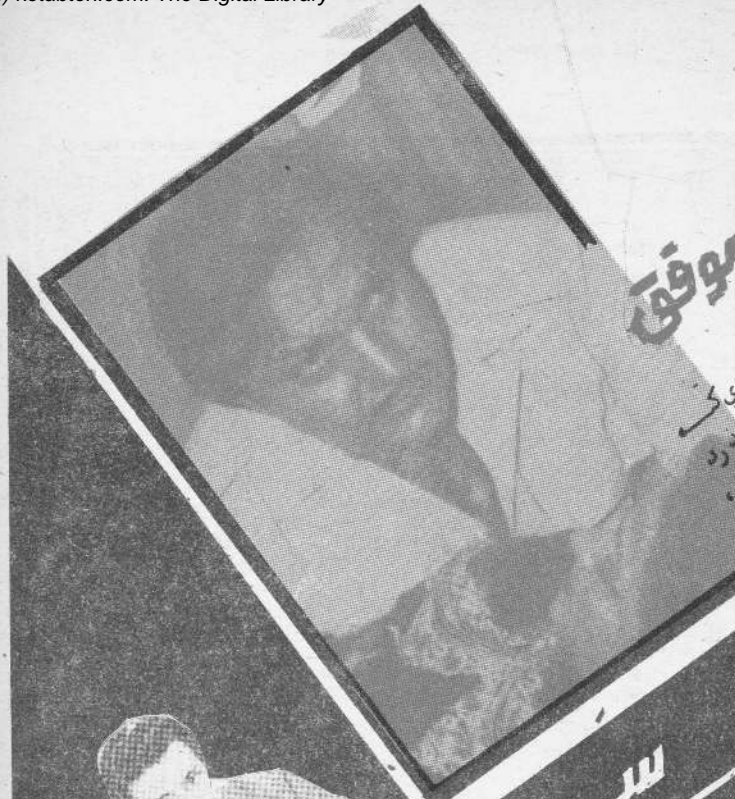
این جوان مهم ویر تلاش  
زمی (سخی) یکن از تصویر  
برادران خوب تلویزیون است.  
او در زمینه کارش حرفه‌ای دارد  
که با هم میخوانیم.  
قبل از آنکه رشته تصویربرداری  
را پیشه کنم نهایت علاقتند  
زیبایی های طبیعت و خوانش  
اشعار بودم، همه زیبایی ها را  
در ذهنم تصویر میکردم. بدین  
علاقتندی تلاش ورزیدم تا در مورد  
دسترس پیدا کنم هماناد رسال  
۱۳۶۲ بدینسو به هنر فلمبرداری  
تلویزیون رو آوردم که در مجله  
بروگرامهای اخباری روز موه را -  
فلمبرداری نموده بعداً برنامه  
های اداره هنر و ادبیات کار -  
گوزن و جامعه، جوانان، اطفال  
و پیشه وران را ثبت و تصویر برداری  
بقیه در صفحه (۶۱)



# پیرین چوپیره جیره موفق

یکی از هنرپیشه‌گان برنده رتبه سینمایی عند که به تازگی با نقش‌نمایش در فیلم هاگابوس ترس و دهنشت را در ذهن تماشاگر زنده میسازد، بلکه از دگرگشتی از زندگی او (مردانگی) تجلی شده است. بریم جو پرواست. در همه صنعت فلمسازی کشور میگراید در جهان بزرگ و رونقیت‌هایی هنرمندان پیشروان هنر هم توانسته نیروی برتران شمار برود.

با گذشت سالیان درازی که از هنرنمایی این هنرمند میگذرد، نقش‌نمایش او در فیلم هاگابوس ترس و دهنشت را در ذهن تماشاگر زنده میسازد، بلکه از دگرگشتی از زندگی او (مردانگی) تجلی شده است. بریم جو پرواست. در همه صنعت فلمسازی کشور میگراید در جهان بزرگ و رونقیت‌هایی هنرمندان پیشروان هنر هم توانسته نیروی برتران شمار برود.



## سیدین خاموش شد

و چنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و افرینشگری جاودانه دست از قلمزنی برگیرد. آن که میخواست از سناریوهای نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه‌ها از ستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آخرین گردد. ولی دریح که دست بمسرد مرگ آرزوهایش را به انجماد و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

## مرد خشن با سحرین تیکو



در کارهای صحنه سازی فلم‌ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد.

نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) (( بیک تویل)) به دست آورد، پس از آن نزد بیک ده سال در فلم‌های ارزان قیمت وسترن (کاوبای) نقش‌های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوبای بنام ستیگ کوچ (وضع گادی چهار اسب) مییابد.

در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوبای در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش‌هایی برای سالیان متعادی در زمره ستاره‌های ممتاز سینمای آمریکا، او را از دیگر هنرپیشه‌گان متمایز می‌گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تمام شاکران سینما را بخود منحصر ساخت. پس از آنکه جلو تر شد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیری بوجود نیآورد.

بقیه در صفحه (۹۱)

اوزنده گی را دوست دارد - شت و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت‌ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه و انسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای آمریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسین کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی اش در ونیترسا (ایوا) آمریکا متولد شد، مییابد.

(جان واین) در ابتدا اعلا نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید.

در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیو نوکس در شهر لانس. انجلس مراجعه کرده و در آن جا

## نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر مییابد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری مییابد. بقیه در صفحه ۹۳

### آره ها



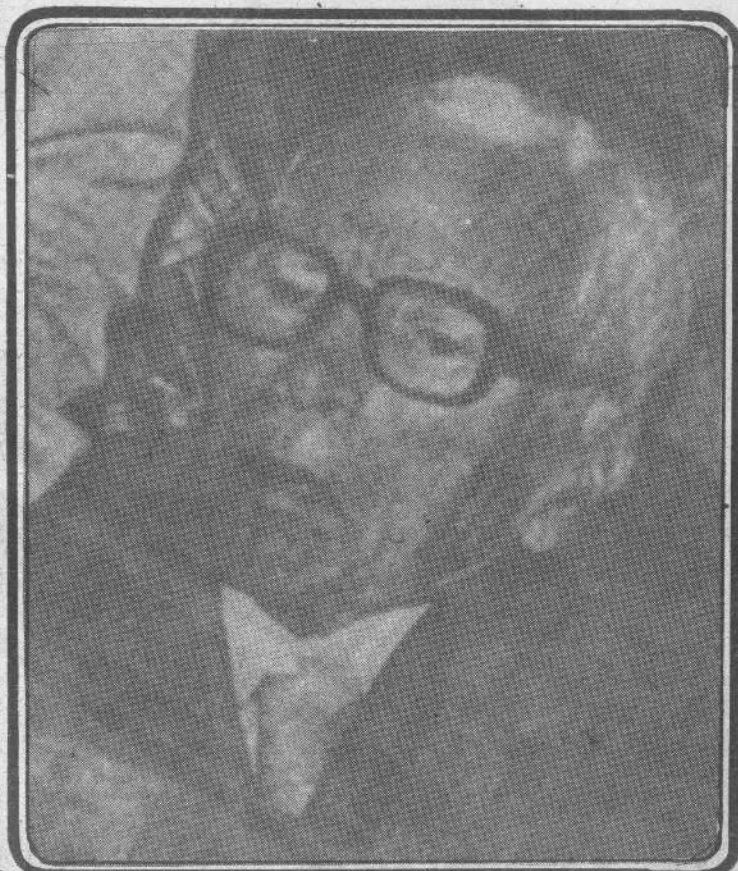
### تفلس

# قافیه و قیافه

## کوچک

# درسیمای یک مرد

## بزرگ.



# چارلی در صد سالگی

استعداد و شهرت افسانوی  
چارلی در سراسر جهان  
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان  
حیات خود به شهرت و محبوبیت -  
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت  
شماراند ، بخوبی کسانی چون  
چارلی چاپلین که برای مدت زمان  
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در  
میان مردم جهان داشته باشد .  
چارلی چاپلین بزرگ که در این  
روزها در سراسر جهان با حرمت و -  
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد  
سالگی تولدش را جشن گرفتند -  
استعداد این شهرت آسانوی در  
ضمیمه همین گردیده بود .  
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی  
برای نخستین بار روی پرده ، هر  
خانواده از نامش آگاه بودند -  
موسکها ، اسپا بازی ، کودکان و حتی  
مسابقات به نام چارلی چاپلین  
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه  
رفتن چاپلین ابداع کردند ، نامش  
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما  
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .  
چاپلین سیمای جاودانه شخص  
را در دل پرده سینما خلق کرد که  
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از  
دیدن آن شادمان میگردد و کیف  
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر  
نابسامانی های تجسم کننده تب  
های معین روزگاران فلماهای  
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز  
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما  
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و  
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .  
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-  
 نامه فروش ، شاگردی حروف -  
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن  
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .  
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار  
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور  
 شدن را از یاد نبردم .  
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-  
 نوز از جلادان بوتها ، شانه کردن  
 موها ، پوشیدن پیراهن پانک و از  
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک  
 هاور) ابانه ورزیدم .  
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-  
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،  
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-  
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند  
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهسد  
 و گرم تاشا ی دیکور سالن هتل بود ،  
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،  
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود  
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه  
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم  
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ  
 کنم ، از میکاژ و لباس را بیوتی خوشم  
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری  
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی  
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم  
 کلاه شیوی خوروی بسرو کنم و صای -  
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستم  
 که همه چیز باهم در تضاد باشند ،  
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خود  
 و بوتهای کلان ، تعبدانستم که جوان  
 مینمایم یا من بخاطر نبودن مک سنت  
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با  
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم  
 هنوز بر لبم روشن نبود ، مگر وقتی که  
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نا-  
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین  
 دارم ، ناظا هر شدن بیورود سیتیز  
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛  
 همینکه در برابر سنت قرار گرفتم با  
 تپیم کاملاً ساینز کرده بودم ، در -  
 برابرش به جست و خیز و قدم زدن -  
 پرداخته و صلبم را حرکت میدادم ،  
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی  
 های نهادی شکل میگرفت .  
 بقیه در صفحه ( ۱۴ )



تعیین کننده صادق

۳۵

# حکایت

# قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

## چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

### این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را میدید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انسد. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

تقسیم دیواری ۱۱ حصوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشت بود. نضا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیهم گلوله های که از دهانه تفنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه د فتر کوبید و اجازة ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: (( قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاریخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: (( بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاریخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالای شوهرم تفنگچه کشید مرمی که از تفنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزه ۸ امنیتی هم از

موسم آگاهی دارند، در آنروز هم بدختم گفت: (( چله مرا پس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

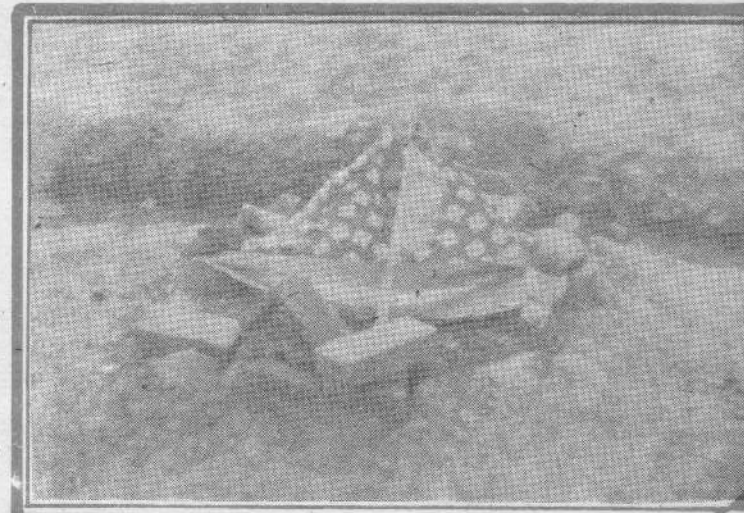
با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاریخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد.

- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟ - نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

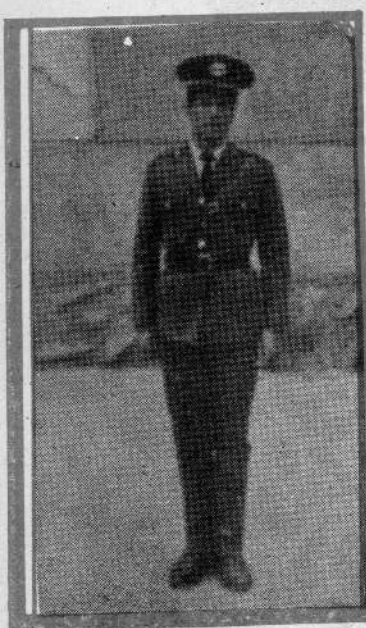
دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی نامیش رعایت نداشتند. وقتی با دختر من نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی با دختر سر ناسازگاری را گذاشت، هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)

## مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخمی بود



# دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

تیمار کرملین

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست ؟  
 دیکی از انسانه های باستانی در باره آفراسیاب که تا به نهم آن معلوم نیست با رجوع به امپروسیه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثلی اعمار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).  
 و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین همانا به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است.  
 الساق خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پلخت - میدان سرخ - میباشد.  
 کلیسای ترویتس که رود و مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سرخ گردید (که امروزه نام کلیسای یگورسکی یا کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتنه - بنیادساز تاجیک از پیروزی - برخانی قزاق ها ساخته شد.)  
 قرن (شانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت سهیم استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی پیروان آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.  
 در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی پی دیگری مانند قلعه نوگ - کرملین ایوان - گردید، کولونو و غیره احداث گردید.  
 در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند.  
 بقیه در صفحه (۸۶)

جهان را آغاز نمودند.  
 بیانه عظیم کارها، اعمار برج های اساسی، دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت، حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد. چنین ساختن بزرگ را در آن زمان حتی اروپایی غیر هم نمیدانستند. در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.  
 اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت، در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعد دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند.  
 اولتر از همه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید.  
 تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین را از راه آب اکمال کرد. بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید.  
 در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند. در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید. قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.  
 در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید. این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان - دیوارهای یانزدهم کیلو - متری جویی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.  
 دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرن یازدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد. بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین، در واقعیت امر، به یک مخطط معمولی گنجه معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است. از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر، شعرا و مساحان پیشعاری پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند.  
**دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد**  
 دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است. در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است. در سال (۱۱۴۷ م) امپروسیه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت. اعمار شهر در آنزمان معنای ساختن قلعه را داشت. معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است. نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود، طبق معلومات در اشر حجلات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمت بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسیه (ایوان کالیست) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند. اعمار آنها هم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید. در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.  
 در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امپرو بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکو روجو، پیوتره انتونیو سولاری، الیگز فنانین، میلانتس) به همکار استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

امعار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - دایت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پاثلت اولی، که میدان سرخ را احاطه نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزتموش شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده که در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی نه رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی یا کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.  
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند ازین آهک ساخته شده که معلا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.  
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتی سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر این بناهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به نهمی شمار مرود و وسایات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپرو بزرگ روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.  
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسیه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی پی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.  
 کاخ کرملین مثلث انبرجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.  
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

بنای بزرگترین دیوارهای روسیه. اعمار گارگاردید. سالها در پیوسته در پیوسته

# فروشگاه آمیخته با میراث هنرستان

فروشگاه آثار هنرهای زیبا در لندن  
بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند \* متخصصان کارآموده هر هفت  
دیارتمنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران  
بها ونادر به هر گوشه که ارد نیاسفر میکنند ، بسا  
علاقندان وگردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند  
و در حراج ها اشتراك میوزند .

انتونی سبینک ۴۹ ساله ، امر د بیارتمنت  
نقاشی ، همن تماشای سالون فروشات اگسفورد به  
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا ، که  
به صورت رنگه آبی کار شده است ، برخورد و به آن -  
چنان علاقمند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در  
حراج آن شرکت جوید ، این اثر هنرمندی گمنام از طریق  
مزایده به قیمت ( ۶۰۰۰ ) پوند به سبینک تعلق  
گرفت ، چه سبینک حد سر زده بود که این اثر از -  
نا بیغه رویایی قرن نژدهم سامویل بالمر است ، بعد  
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید .

انتونی گاردنر ، مسوول آثار هنری جنوب شرق  
آسیا ، ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش  
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید  
و ترمیم نمود .

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری ، یکی از مر -  
یدان بود ، از موزیم میانامی بنگله دیش آمد  
است . او میگوید ، ( احتمالاً این برونز در زمان  
حکومت هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد ، صا  
کاملاً آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقامات  
بنگله دیش تعهد بسمایند که آنرا در موزیم ایالتس  
بدون امنیت نگذارند . )

با اناده مجدد برونز ، سبینک مبلغ ( ۵۰۰۰۰ )  
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که  
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد : ( آنچه را که ما  
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای  
آینده است ) .

در حمله آثار افغانی مجسمه های از گند ها را  
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود  
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کیس  
بشمار میرود ، نیز در این فروشگاه وجود دارد .  
گاردنر میگوید ، که تا این اواخر آثار هنری و منا طبق

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه  
انگلستان از جواهر فروشی سبینک و سران واقع در  
لندن ، که ( ۳۰۰ ) سال قدمت دارد ، استمداد  
جست ، شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند  
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت .

این شرکت برای بیش از ( ۷۰ ) کشور جهان و  
همچنان برای ملکه ، شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز  
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر  
موجب شهرت جهانی آن گردیده است .

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا  
سالانه بیش از ( ۳۰ ) میلیون پوند سترانگه داد و ستد  
دارد . هرگاه بهترین را میخواستید ، همینجا است  
گزانبهاترین آثار در همینجا است .

تلفورد شوت ، امراداری فروشگاه اظهار  
داشت ، ( این فروشگاه در سطح جهانی جالب  
ترین نوع خود است . )

نمایشگاه های سه منزله و گالری های آن از -  
مجسمه های شرقی ، منسوجات ، نقره باب ، نقاشی -  
ها ، جنی باب ، مسکوکات ، کتب ، مدال و تعداد  
زیادی از ایشیا و احنایر برانگیزند و حالباً آگنده  
است . جالبترین بخش آن قسمت آثار چینایی و جا -  
بانی است که یکجا با دیگر بخش های شرقی منبع  
ثالث درآمد شرکت را میسازد ، اجناس ترتیبی  
از قبیل عاج ، برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه  
خاصی در اناقه چیده شده است که کویلا خان  
میتوانست آنرا به شرکت و خویش در خاناد و انتقال  
دهد .

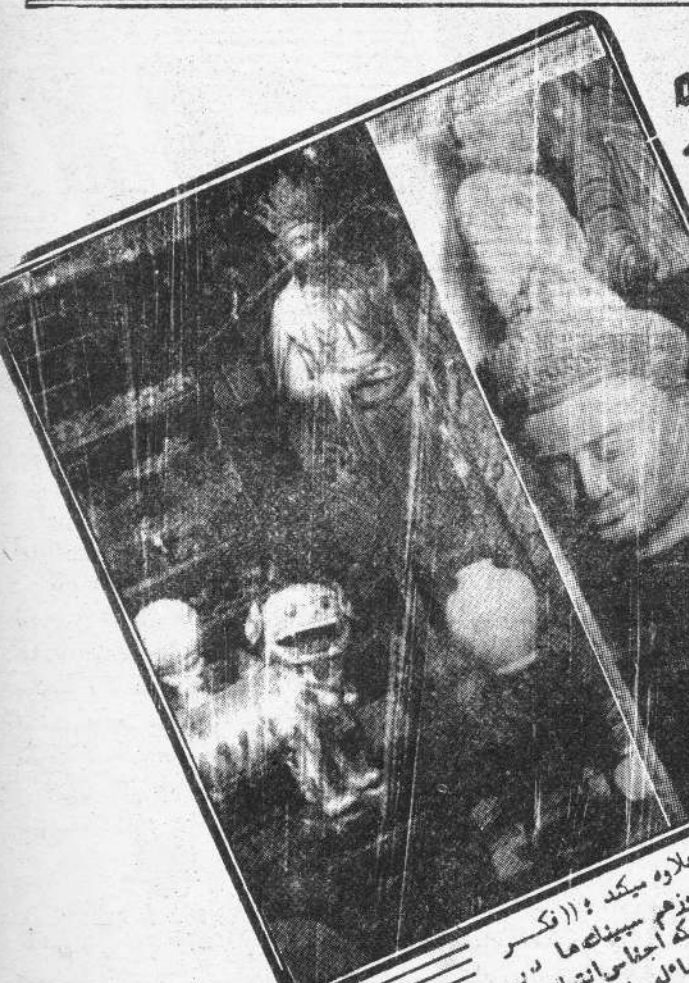
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰  
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -  
است و روی آن شلنگ نقره ای که منقوش با جعره ملکه  
سکات میباشد ، در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آرد .

داشتن همجو اجناس د لکتر توجه علاقمندان  
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است ، یک امریکایی  
سخت علاقمند است تا در برابر دست آوری مجسمه  
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند .  
مشتریان خصوصی و موزیم ها به فروشگاه سبینک

# مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فنان تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوزم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که ما باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوزم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

دیپارتمنت نقره ای، کاد موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برایم نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابسه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیزم دم یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ اطرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته، میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تازنی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایم کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوفسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و انزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



# زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازند وی میباید . شوهرش به جرعت  
اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است .  
نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و -  
لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته  
هایش نمیشود . به مشکل موفق میشوم که قصه اش را از خود نریشتم ،  
میگوید : (( ما قصه میکم به شرطیکه تو او را چاپ کنی که کل دنیا  
غم مریه بفانم و فغانم که چی دل کلانی دارم و دگر مریه ملامت نکن و  
نگوین که مریه به دل خودم زن هر جایی شدم و ... ))  
قبول میکم و او با زسان خود قصه می کند و من با زبان خود می  
نویسم :

\*\*\*

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه  
باشم وی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم  
عمر بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزند می  
در من پدید آورد ، فضای هرات زمین ( زادگاهم ) برایم تنگ شد  
بود - همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا ( گل بی بی )  
خطاب میکرد ، گلی که پرورشید - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر  
نسم صبح نداشت - در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن -  
زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به  
فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن  
که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی از قضا  
مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در -  
بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده  
پسر جوان آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه  
گماشته شوم ، آنها در شهر کابل زنده میگردند و بعد از آنکه پدرم  
شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم  
جزیاد های از مادر به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد  
و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای  
بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت - من  
طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم  
خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، -  
تازه دشناهایشان گاهگاهی گوشم را نواز میداد - من تا حال  
از سکوی بلندی دست و پا زانان برتاب شده بودم - هنوز به زمین  
بخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر  
از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم .  
آنشب در دست شیی بود که نکته های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام  
نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی  
دور از عفت رامیسم - آنشب نامزد جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت  
کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی -  
هایش جز آزار چیزی دیگری رانمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده  
بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا  
گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر ( گل بی بی ) مادر  
نه - زن دوازده ساله بی بودم .  
و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم  
بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمر آنقدر خود رانانتهوان  
فزون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی  
از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر  
دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به  
استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهایم من میدیدند و شاید  
تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگریستم بیزنی با مهرانی دست به سرم کشیدو  
چنانیکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل  
ناراحتی ام را بر سید تنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم  
حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود  
دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بیبیک سرگردان  
یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده بی بود زیاد ، از این  
تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روز کند ؟ و من بدون  
هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بیروزن رادربین موهسای  
چرک لمس میکردم و لطف غرض آلودی را احساس میکردم ، راهی منزلش  
شدم ، در خانه محقر بیروزن یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که  
از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این  
خانه محکم به پذیرایی وهم آشوشی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم  
بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این  
خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه  
نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : (( کالایته جمع کوکه تریه به جایی  
میسوم )) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت  
سوار سرویس سفری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به  
شهری حالا دیگر برایم مفهم نداشت چه من از خود نبودم - شاید  
اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .  
در قند ها مردم در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر  
دیگر کار میکرد ، مراد ریدل بول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازم -  
انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . ( بخاطر آمدن بود که  
زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از وی آریزان تا خانه آورده بود و من  
فکر میکردم که با پاسغ قیمتش را خواهند دانست هرگز )  
من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت  
راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غمشته  
به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا  
باید محکم به زنده گی شوم و اینبار  
تقدیر مرا دوباره به کابل آورد -  
نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر  
خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی  
به کابل در خانه بی انتقال داد ،  
فکر میکردم شاید در اینجا تنها  
یک مانت داشته باشم ، اما -  
دریغ که اینبار هر شب ویا چند  
شب بعد مالکهای موتقی را  
باید پذیرایی میکردم -  
باعین این آدم نماها  
خود را برایشان سرویس  
کتم ، در دستهای  
قهار و وحشی شان  
بلوتم و دره دره -  
وجود را ، وجود  
کوچک را برایشان  
تعارف نمایم  
صبح ها  
از کسالت  
شیله .  
بخواب

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر  
گذشت  
یک  
زنده گی  
بر باد رفته

# ازهریسی



## پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زاپسک خاک توده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

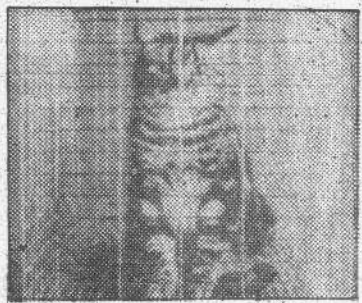
قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک های معسره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آنها رسیدگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلادمپس در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکتر ل. وستمان درین شفاخانه پس از معاینه پسر بچه گسست دوانگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوند می زند. این عملیات که دوانگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدن چهارده ساعت را در بر گرفت، دکتر وستمان یک ویرید دست قارن را نیز با ویرید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالت متحده فرستاده شدند و با این احساس معجزه سیامگدان از دکتران امریکایی به وطن بر می گردند که خوش هایش را به او باز گشاده اند.

## ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است



دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک یا معمولاً این مرض را از حمله به یکدیگر میگیرند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمیکند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

## پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در مساحت عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلیمین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادره بگیرند، واکسیر چنین شخصی بدست پولیس یافت از ۲۰۰ پوسوتا ۹ دالر جریمه داده روز زندان، جزا خواهد شد دید. طبق این مقررات هیچ شخص اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیر بود مقامات مانه لاد اولتر گرتش موتوهای بهزلسی مبنی بر ممنوع کردن سگرت های از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را باری آورد.

## لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلکینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به حشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت طافه رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید. آن کشور از دست دهد.

## بخطرات جلوگیری از قمعین کاری پدرش را کشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند.

مسئول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر بخاطر تنبلی و اخسند نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمعین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد.

قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.



عادی نموی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بدنی آورد.

یکسک ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بدنی آورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است به نیامیباشد که بحالست

خانه جی هـ ۱۲

تهیه کننده حسن نیر

## آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هند، آتش سوزی ۲۰ نفر را کشت و ۲۵ نفر را زخمی ساخت.

آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر، سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکوران گفتند که خطری جدی زنده می آورا تعدید نمیکند.

قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود، در این سریال سنجی نقش تپوسلطان، پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

# از هر یکجا

## اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو، امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکا) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرومیتو بدست می آورد.

انژون بران، ۲۵ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

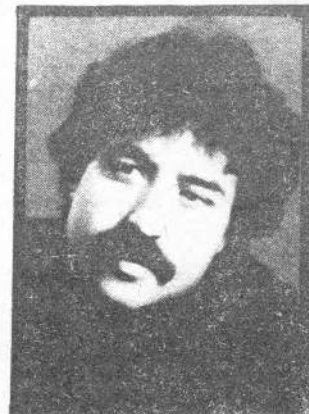
## همه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند.

تعداد نهادی به این عهد اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سنجی های علمی به منظور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجارب روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیاده و دلپسند است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه است که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشیم.

# از گپ های که ما خبر شدیم

## آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر در و ساره در مباحث خود یاد رفتن جوانان گت: حاج مع سابقه بد هم و شرطی عم نام منو بر اینک که اگر در مسابقه برز از من بود پنجصد هزار تمانی می خواهم، اگر با حتم می برد از من، سورت مسابقه حاضر شد سورت را ببندید.

شخصی حاضر شد و گفت: منتظر معشر و احسان مسابقه ندهند من بابرنده مسابقه، دست و پنجه نرم می کنم.

وقتی از معشر پرسیدیم، حالا سخن از چه فرار است؟ گفت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از من می آید و من ندانم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جلدی بود؟ و بالاخره بخبر من کیست که به گپ خوب مردم ما قاپو داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستار علاقه داریم یک مسابقه جالب دیدنی راتناشا خواهیم کرد.

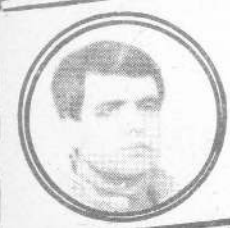
## صد قسم برای یک بوجی آرد

در سیاه سنگ منایل نقلیه ار دو نزد یک دکان لالا غفور بیرونی در عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس می خورد که خدا به قرآن به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه آبرو شخصی عم میگفت از برای خدا چرا تا حق نس می خورد، هر نس بوجی از آرد من که همین چند لحظه قبل از موتربا بیس کردم و از هزار نس با خسته آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت بیس، زیرا موتریکه بوجی

هارا آورد همینجانبی خلاص نمون، منتظرین، موتریکه بوجی قسم اما آن شخص نس و توان می خورد که (بالا سره کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایین کردی، خلاصه به میانجیگری یک حاجی موسفید به آن شخص گفتند تو حاضری دستت را بالای بران مجید بگدا ریب و قسم بخوری که این بوجی از دستت! گفت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره از بوجی آرد را در موتریک

# شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



## حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئین بوهنخون کابل:

شاد به کارمند محمی یکی از شماخانه ها: س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی قرار دارند؟ ج: ساریان به گفته شما کارمندان حی، شریان مغزی کفانده و با تا س از سورت راست بدن فلج بوده در ایار- تمانس در ستر مریضی قرار دارند محمد سرف از لیلان چغسار نود فامیلی خیرخانه مینه: س: چرا بعضی از معترمنان عتنگا بسنگ در تلویزیون مسی لرزند؟ ج: آنان نمی لرزند، حتما س: چرا بعضی از معترمنان موتع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟ ج: به خاطر اینک می خواهند جو سر خود را ببینند.

شیشه تلویزیون شمالی است یا چشمانتان نقص پیدا کرده حتما به داکتر دندان مراجعه کنید. گلانی محسن روزنالمین: س: برنامه عسارویک گپ تلویزیون که متواتر هر شب سسر میشد چه شد که یکی و یکبار نشراتش قطع شد؟ ج: این خود یک گپ از هزار گپ است! سیمین از مکروریان س: س: خبر شدیم که سیمیا ترانه پنج انگشتش سوخته چرا؟ ج: کسی گفته بود، سیمیا بقیه در صفحه (۸۸)

## اسد بدیع از طبابت دست می کشد



نور اسد از لپ و بابت کتساره گیر کند. وقتی این شایعه را جاییو شنیدیم، گفتم بی اسد بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار بگیرم نمانده که سرفاس برود گفتند شاید به نوع خلق - الله تدا مرکز ترانسپورتی شهری رایا استرات چندین تن از تجار ملی - ایر نمایند و با باید عم مواد اولیه ترس برز معضه هریان را تهیه نمایند. باران ترانس روز هنوز برساند و با م کدام کسار نیب دیگر را دنبال نماید. از تداکات چند روز پیش ایران در همایز دای را بدیع

تلویزیون دیدیم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه راد یوی آمده بود، غمسه مویعات شایعاتی راه در مسورد او شنیده بودم برای سه کرد که بعد از شنیدن وقین بسیار آرام و شمرده گت: زلی جان همیشه این حرفها درع است تو باور نکن گت من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خدا بدید و گت دست اختیار - اری و من برای نمسه ای کردم ازین قرار میگویند شخصی بود که فکر میکرد نامه گندم است، اورا جت تداوی به اساینگاه می بردند و گفتند که

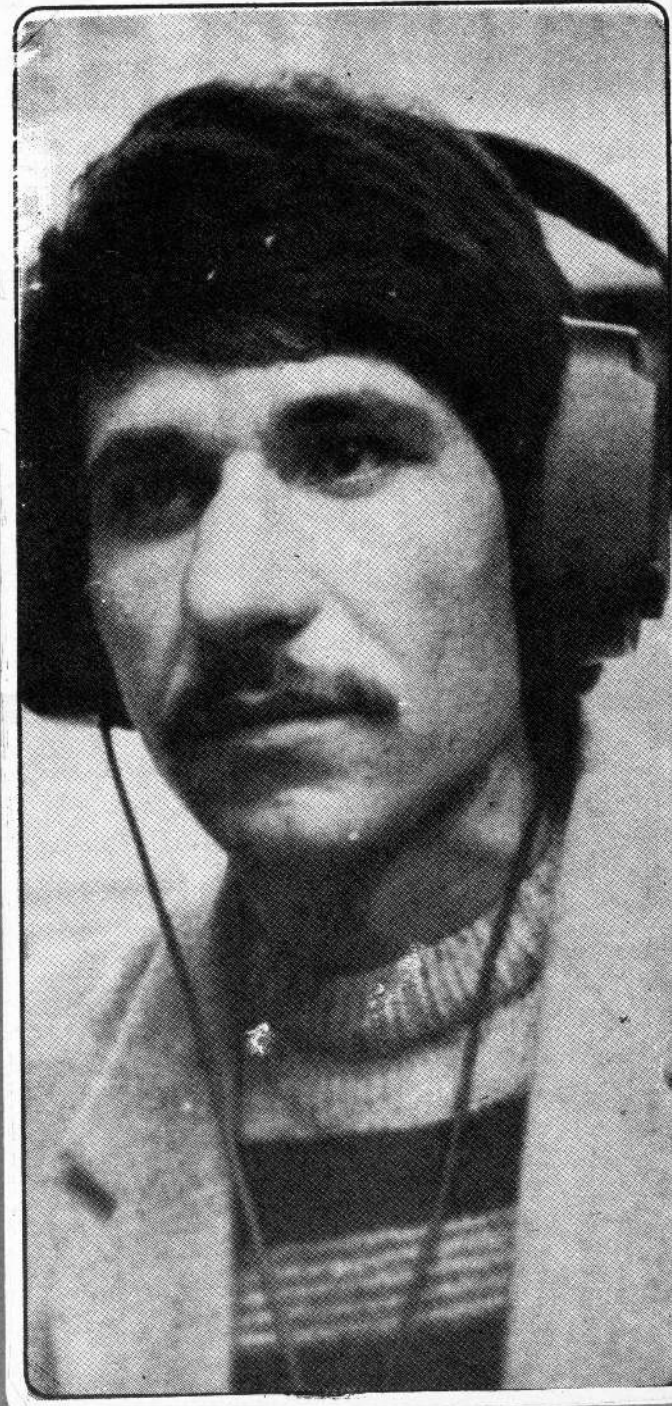
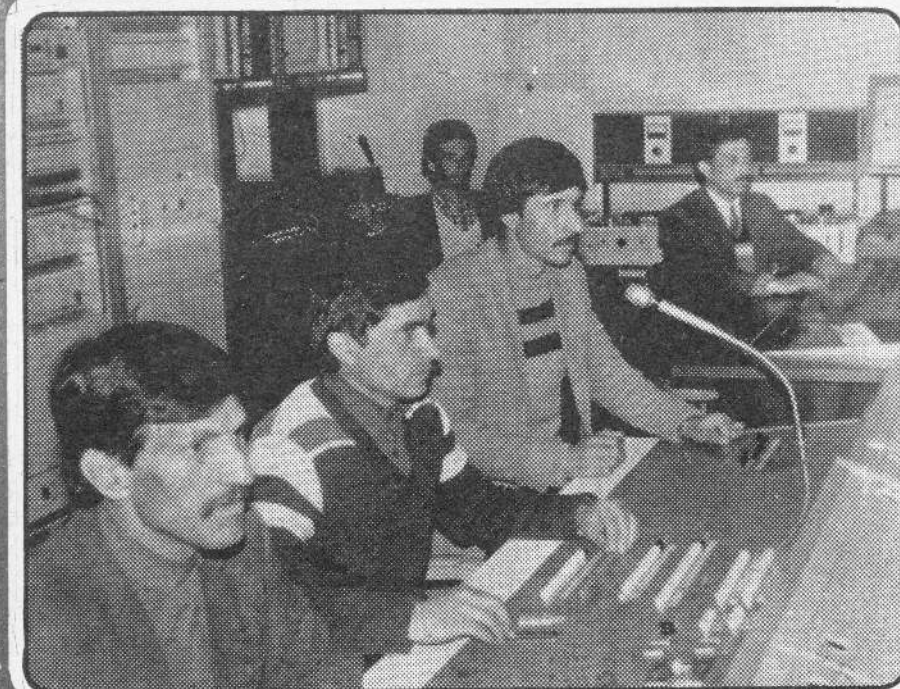


# مجله ناولوژی

مناصبه از اسد بدیح

## سی از یک دهه

### گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



بایک تابلوی نقاشی از تیشه های مطبوعاتی - با النغمه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سهمی داشته باشیم. چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحات از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا بر این بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تحصیل کرده کویاز صدف یازدهم مکتب الی بالاترین - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه موثر شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راهبرای تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام درجهان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتو ارسال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشاری باید طبعاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان جنبه های فرهنگ کشورهای مختلف پردازد، مطالب مجله تلویزیونی آنکسوبه معرفی و شطاسی هنری خرم کلی و عام آن به مثابه یک نیاز حسی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تامل آن، دستی یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زمینه تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع ((پرویش هنری)) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شعری

هنری اما با در نظر داشت محدودیت های فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویش، صرفاً مستحکم فرموده ما من همکاری همراه است که لازم حدائق از سبب بدین جهت حاصل ما در قاتله اش سپاسگزاران کم.

و اما در زمینه نوشتاری ارسال هم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده علاوه بر نوشتن بخش های درسی، بنا بر عدم موجودیت نهی شده پشتو در اداره، ما نوشتن بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهی شده گان - دیگری چون شهر هدا، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستحکم سرورانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نهد.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هر تشریحات خود، تشریحات میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشریحات رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که با تهیه، نوشته و دایرکت برنامه مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کار من در - تلویزیون، اساساً در دو جهت - شکل یافته است: کارگردانی برنامه ها و نوشتن گسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نهی شده کی و کارگردانی اثراتینیه مدهه داشتیم. جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی راتیمه و - دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته ستایشی فلم داستانی ((سهند)) تیاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتیمه برنامه مجله تلویزیونی شما راهگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه مجله تلویزیونی همانطوریکه اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مست مشکل میبود، آنک یونیت وسیع مشخص در تمام بخشهای فن و

که راه، موسم ستدر دوید برتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هرزه این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از لایحه های فنکار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیک و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کار من وقتی کارگروه کمی از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاریک حین کار و اصلاح بدت می آورند، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها راتیمه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراکیری رشته ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در ایلام داشته های هم جان و ناخنک (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کی وزنده هنری ادبی است که صیقل معقول سلامت آرایه مؤثر را دارد بیشتر برای رفاهان و رهبران هنر و ادبیات درخور قبول پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهی شده و شامسر است، نوشته ها و کارهای دتسقی هنری - ادبی اش، صداق لبید صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تمهه دیده ایم که پیشکی شما شود:

س - آیا در رشته دایرکتوری تلویزیون بهره در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طویبت که معایب و روابط خصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از لایله کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

# دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب  
 هرچه میجویی بجو  
 بیکران بحرست ، گزهر بیحساب  
 هرچه میجویی بجو  
 فارس گویی ، دري گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 لفظ شعرو دلبري گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 بهرمن تنها زمان مادر است  
 همچو شیر مادر است  
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست  
 چونکه مهر مادر است  
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم  
 دوست میدارم و را  
 چون نوازشهای گرم مادرم  
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

# کاسیر

بلبل به فغان چه کار دارد  
 نه که خبر از بهار دارد  
 قمری به طلوع صبحگاهی  
 جشنی به چمن هزار دارد  
 چشمش ز شراب ناب امشب  
 پتگرکه چنان خمیاز دارد  
 مردم زنگاه آشنیش  
 گلگونه قبا ، نگار دارد  
 اندام ظریف و نقره فامش  
 بردل هو من شکار دارد  
 آید بیم ز راه شوخی  
 حیف است به غیر نظر دارد  
 صید کشته بود و بناز و رامش  
 خون شهدا ، وقار دارد

# مشوش

من مرغ اشم  
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم  
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گی  
 من از سپیده های دروغین مشوشم  
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار  
 نشکست ولی غبار دارد  
 پژمان شده اسپر زلفش  
 صد همچو منی بتار دارد

# بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی  
 که ز ما بر سیاورن تیاری خوری شوی  
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید  
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی  
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه  
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی  
 درسی شوی دادی خیلی پیسرا گانی  
 نه چی زما دعاوی تالره نیسری شوی  
 چی ترکی تلی ستا دادا گان سو  
 هغه لاری زما ستا تر منعه پسری شوی  
 دما بنام له تیکی تیخ د هلال ووت  
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی  
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور پینتی  
 به هغو بلهارو لکی هد پسری شوی  
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی  
 خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی  
 بیا به و سپری رسی د سرو رید سو  
 که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار  
۶۷۲۲۲

# بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار  
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار  
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه  
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار  
 ببر کشید و چمن جامه نگارین خوش  
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار  
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من  
 جدا از وادی عشق به جویبار چکار  
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب  
 مرا به بیک فریبند و خمیاز چکار  
 فغان و ناله مرغان خوش ترانه شنو  
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار  
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند  
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار  
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین  
 مرا به سپر و سفر سوی گل بهار چکار  
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد  
 شکسته شیشه قلبم مرا قرار چکار

# مته، نیت

گرتویند اري دل م را حزتو یاري هست . نیست  
یاغم را غیر مهتر نمکساري هست . نیست  
گر بگویم سینه از دست تو پر خون نیست . هست  
ورپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست  
گر کسی گوید که درد نیا به دوش زنده کسی  
سخت و سنگینتر زه جریار یاري هست . نیست  
بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد  
چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

## غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی  
به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی  
به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی  
تائل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی  
ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده  
داسی می لیرد پر خه کتلی دی بعدی کوخه کی  
سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه  
خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی  
ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی  
مائل د هجر زهر خنلی دی به دی کوخه کی  
توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو  
سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

## دخوانی گلونه

زیاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی  
چی د سپرلی بنگلا پری بیه بنگاریده  
به مومرینولپچو خوب ته بی سرنه تیتاوه  
د بپنشی عظمت نینه بی  
پرته خته کی وه  
دغه غرور بی د پیری بیرونو  
مات نه شوکر ای  
کره صدقه بی له زلفانو  
دخوانی گلونه  
خودغه تورماران بی  
کله د غاری امیلونه نه شول  
چایی دیانور زیدل  
به شپه کی ونه لیدل  
به جوانی برگ مینی  
د جاخماري نازینی سترگی  
باندی نمجنی نه شوی  
خودخوانی گلونو  
د جانا زکوبینوته  
باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

## پروانه ها

پروانه های پروانه ها  
پروانه های خوشنما  
پروازتان بس دلنشین  
بر آسمان و بر زمین  
کالای خوشترنگ شما  
رقم شما، جنگ شما  
روی گل و روی چمن  
روی علف های دمن  
مستانه بال و پر زید  
بر روی من بر پر زید  
گفتم بگیرم بالکت  
آن بالک خال خالکت  
از دست من گشتی رها  
رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی  
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

## شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش  
د رشام تار طرز صدایش نخواند . است  
اما  
زلفان تار دختر شب  
روی ماه را  
در چنبر طلسم سیاه کشیده است  
اری !  
شاید که زنده کسی  
یک انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

## برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو  
 آه ای خدای من!  
 چون شاخه های خشک درختان  
 در آستان درگه \* تو با کمال عجز  
 از فرط یک نیاز  
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است  
 دستم تعی مدار  
 آه ای خدای من!  
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست  
 و اینسان غمین مدار  
 هرگز رواندار خدایا که قلب من  
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است  
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه  
 هرگز رواندار خدایا که چشم من  
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه  
 مرضیه عدیل

## شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار  
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود  
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها  
 بوی تراب کلبه ای من می براكند  
 من، لوح خاطرم:  
 با قاف قامت تو،  
 دل انگیزی کنم  
 با یاد پادشاه تو،  
 شهبازی کنم  
 محسنتی "سوزن"

## لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی  
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی  
 میگی ی خود د ن هدا وریکی ناخسی  
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی  
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا  
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی  
 د عشق په توری په د ا روه بحر وی  
 کله کوی جاته سجده لیونی  
 زهیز په کوریه لبی پلی وی لا  
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

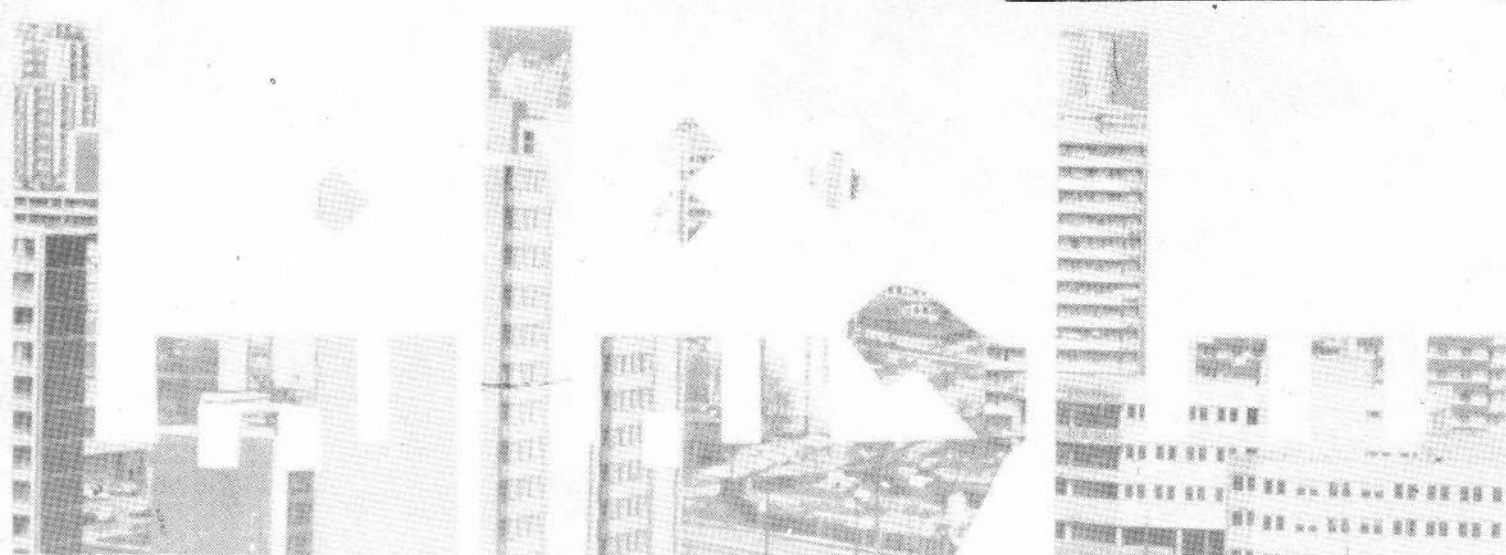
السمعیل

## شبنم پاک سحر

واضح باز میانند  
 نشان شیخ اندامت  
 به دیوار دل پادم  
 که می آیی به سوری من  
 به دیت ابروی صفا  
 و یاد ستان البرزانی  
 خدایا، نه، چرا سر زان  
 که شیخ است این که میگرد  
 نه دستان سید مریم تو  
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم  
 مثال شبنم پاک سحر گاهم  
 در آغوش نرمانوسم  
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران  
 به رویت باز میگرد  
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

## بهار و باری

یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 درختان تنگنومه بار  
 بازان ریزه ریزه وهم مست و مستقرار  
 من با ادب بوسه بچشم زلف او  
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار  
 وانگه بجام چشم اوستای من بنبار  
 یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 (لومان) تویی خنار  
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



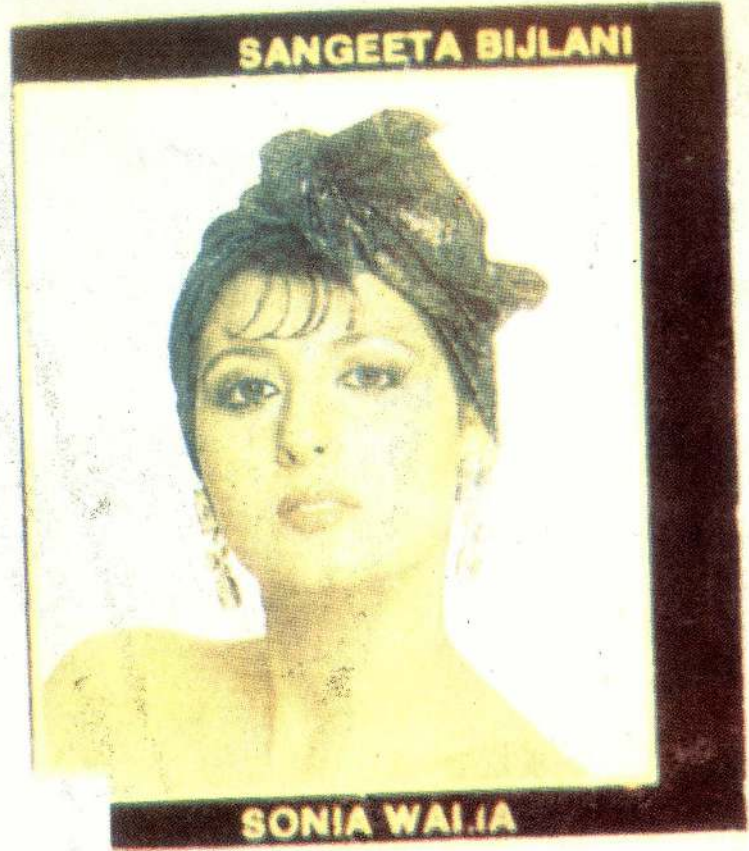
# سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سه سه  
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد  
نمست • مزارع آسمان خراش از -  
همان آغاز مورد تعجب و حیرت مدتی  
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری  
نشاندهنده اوج ترقی تختک  
دین هیا آن مرحله تاریخ است •  
در آغاز چنین مزارع یک چیز  
کاملاً لوکس حساب میرفت و ملتی که  
آنها بنا نهاد ، نبود به آن افتخار میکرد  
ولی امروز مزارع آسمان خراش نظر  
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن  
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -  
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل  
اعمار چنین مزارع سه فلك كشيده  
میشود •

تا امروز با برج ایفل پیاده استحتی  
انسان امروزی از دیدن این هرم -  
دست تحریر به دندان میبرد •  
انکشاف واقعی ساختمانهای  
بلند از زمان گوتهك آغاز میشود •  
دین زمان در تمام جهان کلیساها  
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود  
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز  
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •  
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس  
را در شهر رم که ارتفاع مناره آن به  
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم  
چنان باید از قصر گوتهك در شهر  
کولن آلمان یاد دهانی کرد که  
۵۷ متر ارتفاع دارد •  
بها دگاره های تاریخی همگون در  
زمانهای بعدی رومانتیسم و کلاسیسم  
نهنر و مجسمه ها ، ولی همان آمدن برج  
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -  
صوری با استفاده از تکنالژی جدید  
بستگی مستقیم دارد •  
اولین برج فولادی با ارتفاع  
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان  
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور  
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •  
این برج طی مغل مجالی بمناسبت  
تعیینگاه بین المللی در سال  
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و  
طراح آن گوستاف ایفل منفی شد •  
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -  
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -  
مادل های این برج گایی و اعمار  
شده است •  
بیکار در برج ایفل مدت نهادی -  
شکستنده شده ، بالآخره در سال  
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما  
خراش کولمبیا بلدیگ ( CHURCH  
BUILDING ) که ۳۰۶  
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بیکار  
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت  
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن  
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •  
مزارع امپایر سٹیته بلدیگ  
( EMPIRE STATE  
BUILDING ) این مقام را برای -  
نیویارک گزینی کرد ، این ساختمان  
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •  
آنقدر زمان دیری نمی گذرد که -  
ارتفاع فوق راسختمان دویچ مرکز  
جهانی تجارتی ( WORLD TRADE  
CENTER ) که ۴۱۲ متر -  
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -  
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -  
تهن ساختمان جهان که در شهر  
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی  
که در شیکاگو واقع است دارای -  
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲  
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام  
SEGRS TOWER یاد میشود •  
در طولی ساختمانهای بلند  
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو  
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار  
شدند •  
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی  
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲  
متر داشت به دست آورد • این برج  
بقیه در صفحه ( ۷۴ )



**SONIA WALIA**



# از دنیای مود

توسعه و عالی



## حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بهری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تهن امیدوزمانی توام بادلهره جاس \* برای آنکه قهل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شهرین)) و ((آگوشن)) نیز ظاهر شد ولی شعری ازکار خود نگرفته بود \*

وقتی اورادر ((پانسیون)) که زنده گی میکنند ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بهری مانگ)) برای - ثبوت اهلیت هنری من ، وجه تعیین کننده یسی داشت)) \*

ایمعدانک وقته کوتاه ، به دناله \* حرف هایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برام فرصت کار داد ویا این زمینه سازی، شناختی بین ماپدید آمد و موقع یافتن تارمردم برای هنرواستعدادم تهنقی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسو، روزی رابسه یاد ندارم که زنگ تلفون به صدا نیاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نزنند وبرایم تهریک نگیند \*

عده بی راعتیده براین است که ((راکش روشن)) کارگردان فلم ((خون بهری مانگ)) ازمن به شیوه \* نا- جایزی استفاده کرده وکارحوش شنا با لباس های ((سکس)) مرابه انظارجلوه داده است ولی اقتصاد من این است که اگر درکارحوض شنا، لباس شنا رابسه تن داشته ام که به مقتضای \* حنه \* فلم است این چه گناه کبیره است که ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا توجیح یک بهننده این است که درکارحوض شنا، دختری با لباس سوراها مستور جا-ر شود ؟ ایادرمحل- شنا، پوشیدن لباس شنا، امرکاملآ طبیعی هست ؟ اگر کارگردان مرادرکارحوض شنا، با لباس های

که ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاهر شده است و ارد هکرد بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جای بزرگی بود که برمن تحمل میشد.

درنلم ((آگوشن)) نقش نیک هنرمند به نام رسیده بی رامتعهد بودم \* نقش نندایت پراغواامض وایدامات بود ولی کارگردان ، مرایشوه \* کاررا آموخت وورا خوب یاری رسانید \*

درنلم ((تیری شهرین)) نقش کوچک داشتم \* یک فلم هنری بود ودر تلویزیون هم به نمایش گذاشته شد \*

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاهر میشود \* درنلم های ((جهین داتا)) و ((مهاستگرام)) یا ((ادیمت پنجولی)) ودرنلم ((نمیری آدمی)) با ((متهن چکروتی)) درنلم ((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بهری)) همبازی میباشد \*

مناف براین ، یک عده از فلسازان جنسوب هندوستان نیز رغایت او رابرای بازی درنلم های جنوب حاصل کرده اند که وی صممانه ومسده \* همکاری به آنها داده است \*

دراین باره اوصوف هایی دارد به این تفصیل : ((من عجله بی ندارم که درلن آن به اف شهرت برسم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تا \* ملوشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم ها هم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکه همبازی من

کست ، بسیاری اندیشم \* برام بسیار بی تفاوت است که درنقش مقابل من کی قرارداد دارد ، مثلیکه قهلا گتم درنلم ((تیری شهر - مین)) در برابر ((مارک نییر)) ودرنلم ((آگوشن)) مقابل ((اکبرخان)) ودرنلم ((مهادیو)) با ((وتودکنده)) حاضر به بازی شدم \*

من به دراست وجرأت این موضوع را تایید میکنم که به هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگزرتکه تن نمایم \*

حاله که ((سونوالیا)) دروازه \* کاروبار مود را بسته ودرنمایش لباس ها ، نمیگیرد ، خودش می نهی : ((موقعیت کنونی حکم میکند که بعدازین ، سینما وهنرنمای مرکز تمام توجهاتم باشد و نهرا نقش راکه درنلم ((آگوشن)) ایذا نموده بودم ریه معرفت قناعت بخش نبود و حاکم که فلسازان معروف به من چشم امید دوخته اند لازم است من هم تنس های فراوانی از خود نشان دهم)) \*

درخروج دنیای مود و فیشن ((سونوالیا)) عکس- العمل خودداینگونه ترازم میدهد : ((اگر پیشنهادی در مورد نمایش لباس برام برسد رذنی کم مشروط براینکه طبع ونحوه نمایش قابسل

# تاجهان سینما

## سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا  
 هم نیک و لو که از اینجا بولی ، قابل توجه میباشد))  
 «سونووالیا» از آنانی که در عین اوج حرف هائی  
 بسیار می گویند ، در یوگون داشته میکند :  
 ((نمیدانم چو آمده بی به عزتنامه و دیگرگون من  
 اعتراض میکنند ، تردید ندارند که در لسان انگلیسی  
 مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از آنجا  
 صبح اردو دهند هم بهره و فیزیک دارم ، روی  
 این اصل توانم نیکم به انتقاد آنانی که عقیده -  
 ندارند ، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی  
 کم یادگیرین بنامد آهنگ دارم .

اعتراض میکنم که حضرت تاجهان مود به دنبال  
 سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادعا درست  
 نیست که میکنند مود را لباس هاتراندندری هنر  
 ندارند)) .

((سونووالیا)) که از کار روزنامه نگاری حاصل  
 مقام ((دخترهنگ)) پیوسته به ترقیات قابل آمده  
 میکند : ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند  
 به استثنای شمول در کارهای هنرینمایی ، تا آنکه  
 سوانحار آنها را تمنع دادم و رعایت شان را در این  
 مورد حاصل کردم)) .

برای اینکه ، دین فرصتیکه من راه خود را در  
 سینما شخیر میکنم ، آرزو ندارم در محدودده ، نقش های  
 نقش گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش هائی

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او  
 با ((وتودکنه)) بجز هامرسید ، در حالیکه از این  
 رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه  
 میکند ، در این باره تصریحی ندارند این شرح :  
 ((من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -  
 سله)) ((وقتی)) صرف بازی بودم ، چون ((وتودجی))  
 مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی  
 یک سان داشتیم اینه خاطر اینکه با دیگر تازه کار  
 بودم ، به حیثیت هنرمند تجربه کار را سوخته ،  
 تجارت خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میرسانید  
 که از این سلوک انسانی او خبرنگاران بدون در نظر داشت  
 حقیقت موضوع ، دست به شایعه پراکنی زده سانه  
 را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند .

این رهداد در حالیکه روی احساس ما ، تأثیر  
 ناگوار بی جا گذاشت ، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال  
 همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم .  
 نهرا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس  
 که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله  
 و شکیبایی خازر الماده نخواهد)) .

سونو والیا میگوید : ((من به خود باور دارم که در سال  
 های آینده ، به عنوان یک ستاره شناخته شده و  
 موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش  
 های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشند تا  
 هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد .  
 بخوانم .

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه  
 میتواند بول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر  
 خدمتی را انجام داده نمیتواند . از اینروست که با هر  
 نوع نقش دلچسبی ندارم و اگر چنین میکردم امروز  
 در مقام یک مجسمه می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی  
 نمی کردم)) .

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما ، موفقیت

قیه در صفحه (۷۸)





# سه بانوی تریا: اکنون سخن میگویم

## فصله های

### سریال مجلد

#### تربیتی بی مورد

#### حافظه اول

## تربیتی از جدایی بازمه سارا دید بود

### چرا تربیت با دردم تن

### بعد از دواج داده و زنده گواگون

### چه عنوان است؟

از جدایی من با شاه ایران که در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی بود، یاد دارم. در شهر گناباد، که در استان قزوین است، متولد شدم. پدرم، یک پزشک بود که در آن زمان در آنجا زندگی می‌کرد. مادری داشتم که بسیار مهربان و دانا بود. من در آنجا به تربیت رسیدم. اما در آن زمان، تربیت برای زنان بسیار محدود بود. ما فقط در خانه با مادر و خواهرها یاد می‌گرفتیم. بعد از آنکه پدرم فوت شد، من و خواهرها به تهران آمدیم. در آنجا، من به تحصیل پرداختم. اما در آن زمان، تحصیل برای زنان بسیار دشوار بود. من با تمام تلاشی که می‌کردم، توانستم وارد دانشگاه تهران شوم. در آنجا، من با دوستانم آشنا شدم و به تحصیل پرداختم. اما در آن زمان، تحصیل برای زنان بسیار محدود بود. من با تمام تلاشی که می‌کردم، توانستم وارد دانشگاه تهران شوم. در آنجا، من با دوستانم آشنا شدم و به تحصیل پرداختم.

# خصوصی من

تعدادی از این اتفاقات از طریق اسناد و اسرار خانوادگی من به دست آمده است. در آن زمان، من به تحصیل پرداختم. اما در آن زمان، تحصیل برای زنان بسیار دشوار بود. من با تمام تلاشی که می‌کردم، توانستم وارد دانشگاه تهران شوم. در آنجا، من با دوستانم آشنا شدم و به تحصیل پرداختم. اما در آن زمان، تحصیل برای زنان بسیار محدود بود. من با تمام تلاشی که می‌کردم، توانستم وارد دانشگاه تهران شوم. در آنجا، من با دوستانم آشنا شدم و به تحصیل پرداختم.



# برفراز تياتر وياسينما

— سینما يك شاخه با اهمیت فر...  
 هنگ بشمار میرود ، دست یازیدن  
 بدان جرات میخواهد و ایشان  
 جلایش چنین بیکره زیبا و انسانی  
 منحصر به دکور نیست بکون طبق  
 حکم زمان ، اناث جامعه ما  
 میتواند در رشد و هشد این  
 بدیده والا از اهمیت باارزشی  
 برخوردار باشند .  
 — اگر همانند همه زنان که  
 به سلام این بیکره رجوع کردند  
 وبعد بلاد رنگ و اداع کردند چی ؟  
 — شما میدانید که جامعه ما یک  
 جامعه عقب مانده و روزه انکشاف  
 است و از جانی بدیده سینمای  
 ما تا هنوز نتوانسته هويت ملی  
 خود را کسب نماید و استند مدای  
 که بنابر تخیلات واهی گرایانه و یا  
 ممکن اشکالات ناشی از تعصب و  
 ریا، بای خود را از عرصه فعالیت  
 باز میدارند . ولی من بعد ان  
 می اندیشم که نباید عقب گرا بود  
 و سوي سایه رفت ، سایه بیکره  
 سیرش به تاریکی و لغزندگی  
 می انجامد . چرا ، خرد مندانه  
 به سوي خورشید گام ، بگام پیش  
 نرفت و از خورشید بیکه اشعه  
 پر فروش همگانی است ، سود

به جست  
 — خورشید جان عقیده شما در  
 رابطه به داشتن يك سینمای  
 خوب چیست ؟  
 — بعد از لحظه بی درنگ افزود  
 باید برای یافتن سینمای خوب  
 اولتر از همه در جستجوی فرهنگ  
 ملیتها بود . در يك فلم نیز باید  
 اندیشه بران داشت —  
 محتوی از يك تفکر اصیل و فر —  
 هنگ جامعه گذران زندگی می  
 نمایم ، ما به داشته باشد .  
 — ستم شما در هتشدن سینمای  
 افغانی از چه قرار است ؟  
 — من بعنوان يك فرد درین عرصه  
 نمیخواهم بصورت دیگری فکر کنم  
 فقط تلاش ورزیده ام بانها بیست  
 صمیمیت و بی الایشی به اجرا گری  
 فتن کرکس سپرده شده ، رعایت —  
 نظم و دیسپلین — داشتن اخلاق  
 خجسته و احترام متقابل ستم خود  
 را تا همین اکنون با صداقت تمام ادا  
 نمایم .  
 — میخواهم بدانم کارکرد هایتی  
 سینمای شما از کد ام فلم و  
 چگونه آغاز شد ؟  
 — من با پیشینه کار رادیو  
 ام با علاقه مندگی که در  
 بقیه در صفحه ( ۱۱ )

# خورشید



این بار در رابطه به ویژگی  
 های هنر و شناخت بهتر هنر —  
 مند ان سینمای افغانی ، با ی  
 صحبت هنرمند مجرب و مستعدی  
 که پیشینه کارکرد هایش از امواج  
 راد یو آغاز و در زمره نخستین  
 اکتریس های ( هنرپیشه گان ) تياتر  
 سینما — تلویزیون باد رخشد  
 چشمگیر جا گرفت و در آثار راد یو یی ،  
 تياتر ، سینمای و تلویزیونی موفق  
 از آزمون بد ر آمد و تلاش بیکره  
 و علاقه وافر از زمره موفق ترین  
 چهره های سینمای افغانی در  
 سطح کشور شناخته شد .  
 نشینم .  
 این چهره پر درخشش محترمه  
 خورشید است که دعوت ما را با  
 علاقه و محبت پذیرفت . اینک  
 توجه عزیز خواننده گان گرانقدر  
 را به گفت و شنود این هنرمند  
 معطوف میداریم .  
 — میخواهم نخستین سوالها  
 چنین طرح کنم :  
 — د از نظر شما موجود  
 دیت اناث در بیکره  
 سینمای نو بیا خواسته  
 ما ، از چه اهمیتی  
 برخوردار خواهد بود ؟

همینکه اثری از خود به جا میگذارم برایم افتخار است  
 استعدادها باید به موقع کشف گردند

# اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و قهوه ها حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و زیبایی ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون بنا تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و صفت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نهالیت خفید میباشد. نهالیت تمام نکبات و پشه ها را در آن موجود است. از این رو بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکویز ساتهواز می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته میشود و از آن استفاده میکنند.

**ارزش غذایی :**

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد جنرال هاست. تحلیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرم آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۰.۴) فیصد پروتین، (۰.۳) فیصد کربوهیدرات موجود است. خدار جنرال ها و پشته های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فسفر (۲۵) ملی گرام فیصد، آهن (۰.۱) ملی گرام فیصد، نیاسین (۰.۲) ملی گرام فیصد، هتامن سی (۰.۲) ملی گرام فیصد میباشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، سلیکان، کلورین و ... است.

بادرنگ حاوی مقدار (۶۴۰۵) فیصد، پتورال های القلی ساز و (۳۵۰۹۵) فیصد، پتورال های اسید ساز میباشد. از این جهت خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادری کرد. بادرنگ در حفظ القلبیت خفین خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آور طبیعی بوده که در جبهان ادراور را بهبودی بخشد.

**بهداشت :**

بادرنگ دارای مستقل ضد قضاویت است. کسانیکه به قضاویت دچار اند میتوانند با خوردن روروی دو صد بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

**اصطلاحات معده سی :**

صا ره بادرنگ در معالجه هلیپراسیدیتی، زخمهای معده و

# باد رنگ

مترجم انجنیر حليم

## سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخر خیلی خفید است. در چین مواردی در دسترس است. در (۴) تا (۶) اونس آن تجویز میشود. از این بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ره آن بیشتر است. بادرنگ سوزش معده را خفلی زود بر طرف میکند.

**بهداشت های زیبایی :**

صا ره بادرنگ در معالجه هلیپراسیدیتی، زخمهای معده و

هنگامیکه باشعور لکه مخلوط شود بواب شکستادن و محل ساختن سنگ در مجاری ادراور و تحلیل اسید ادراور خفید است.

گیاه با آب تازه و نازک مخلوط شده بمقدار یک یا دو اونس هیک ساعت بعد در ابی خفلی خفین بوابی رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسسوب میگردد. این صا ره مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در آشور بیماری کولرا مشتل گردیده، حفظ میکند.

**جوش ها و داده های روروی جلد :**

صا ره بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و داده های روروی پوست موثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ره های زودک و کاهو را با هیک صا ره بادرنگ ملاه کرد. اضافه کردن مقدار کم صا ره شهد در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر میسازد.

ماسک بادرنگ رنده شده روروی صورت، چشمها و گردن بوابی (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خفین بوابی پوست صورت است. بخاطر استفاده اعظمی آن با هیکت تا زمانیکه ماسک روروی جلد باقیست دراز نکشد.

استفاده منظم بادرنگ از بهایش جوش ها چون و چروک و خشکی صورت جلوگیری میکند. صورت را با طراوت و شفاف میسازد.

**طراوت و صاف :**

بادرنگ را میتوان با سبزیجات، حبوبات، صوره جات و صلا در مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ بعنوان صلا در یسکل ترکیب با زودک، لبلبو، بادجان روروی، ملی، کاهو و سبزی های دیگر استفاده میکنند.

اضافه کردن شهد رنده به این صلا در آترا خوردنی لذیذ و با ارزش غذایی میسازد. همواره باید آنرا خام مصرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین میرود.



## خورشید برفراز

بقیه از صفحه (۵۹)

در سال ۳۵۰ راه مومسه آریانا فلم را در پیش گرفتیم و با اشعاری سحرآمیز انجنیر لطیف محترم عباس شهبان، محترم توریالی شفق در فلم های چون : سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ، مزه سبز، مرد هار و قول اس، کام های استوار، فرجام، صبور، سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتند و داشته های تلویزیونی آنها عبارتند از : فلم هنری کفر، نوابی قشلق، زن عروس، دلبره لور، شمع زن، دهکده من و نمايشنامهها و تياتر تلویزیونی : غمزه مالی، زهره و عبد الله، امضا و زیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدم ساء، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

واقعا، فعالیتهای سینما و فرهنگی شما ارزشمند است. می شود از افتخاراتتان در این باب نام ببرید؟

— همینکه کار می کنم و از خود اشعاری به جا میگذارم، برایم افتخار است ولی در این باب افتخارات از بابت اخذ مدال و جوایزی به خصوص بدست ندادم. ولی در سال ۱۳۶۶-۱۹۸۷ به نشیون سینمای منعقد، مسکو، شهر زیبای اتحاد شوروی در فلم سینمایی (ا برنده های مهاجر) با هیکت می از هنرمندان شرکت جست که خاطر ان برایم فراموش ناشدنی است.

— پیامتان در ارتباط فعالیتهای هنری و حضورتان در سینما و همچنان منحصبت یک هنرمند راجع به وضع شور جامعه چیست؟

— بالبان متبسم و بدیده کاران آرزو-

دخوان اتل) در آنگه به انتظار به تال کی کینی ده هغه در آنگه لاریخاری او به گزار کار میخان زنگوی خوله بد، مرنه جی به تال کی بی خوب روروی او همداسی وید، بانی کیزی، داهم اسطوره ده جی د بمرلی طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوی، د - نوروز خوان را می او تیزی به باغبون او راغبونکی او گلزارونه - د بمرلی د گلنود نا و تیزی ته خان رسوی، خو نوروزی بی بی خوارکی جی کله سترکی برانیزی - گوری جی ددی له بی بروایی خنجه بی یارد نوروز تیزی و کسی لوید لی دی، دغه حال نه نس زغملا، د لیبوتوب خیره پری را می او خان له تال خنجه اجوی، که چیری به او بوی لوید، نه هغه کال مسوراود برکتونو کال ویا و که چیری بی به وچه کی رلوید، هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال وی.

د همدغی فولکلوریک کیسی بر بنسبت هیله من بوی سز کال به او بوی لوید لی وی خوش نس کال موز ته برکتونه اوسوکالی لادالی کری.

## دنوروزیه...

(۱۹) مخ باتی

نوبت سی، اود نوروز سندی وایس داجی :

خاوند، بیاد بمرلی ک - له وچه د اگند لونگوبوری را خینه د بمرلی به رخورا - جی تور تکی رته کیزی و غوروه خوانان هم به دغه وچ، بنگلی او نوبی کالی اغوندی، خیل توستک را خلی، تا کلیومیله خایونوته سی، اتیونه کوی، بنی ولی او - سلانگی وهی جی د نومور و لوبو اتل ته د کلی د سین ز پری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپورکی خوانی بیغلی خیلونامزاد شویو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توسته هغوته ورکوی (( د هزاره سیه کی برعمومی - دود و نور سیزولی خانگی دودو ته هم ترسترگویی به دی باب د هزاره ملیت یوتن وایس جی -

## پونم...

بقیه از صفحه (۱۲)

رسیده باشد در غیر آن - شکلات نهادی مواجه خواهد - گردید، به هر صفت تاردوانند ن طاسب نمیشود - صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلانته نیست - من به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟

ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند، محدود گسترده تر از سکی داشته باشد.

من در فضا شاد و رهنوردی بی ما مردی گیر میاید، چه؟

ج - او صا ره دیوانه خواه شد مخصوصاً اگر از ان مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پوت همک تا از آنجا فرار کنیم. و لو بدنام شاد که زنده بلم می - کند.

من شما در نگاه انسان خفلی معصوم و پاک جلوه میکنید، آیا

# مرد ها را خواستند

40 مینرنگی

## آیا فعالیت های فیزیکی مخصوصاً زندگی زنانه را اصل 40 مینرنگی

جهنیکولوژی خاخر نشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی را بحث یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرابلمهای سی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجه متردد بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گسی اولین علامه حمل است . ولسی کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده کی این بس تعویق بیافتد .

مینمانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها گسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه استروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح استروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد . به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلات شان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یاسبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها کی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله کی و خطرات - تمرینهای فیزیکی را بی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصیات زنانه کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله کی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

# نیمه آدم نیمه حیوان

## اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود، شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند، تغییر چهره میدهد. باتمام این یاها و وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تیا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند. زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اود پی معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعداً یاد و باواز طرف شب به اساس قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد. به پایان میافتد.

اود پی مورد نوازش قرار میگردد و سیه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در بید این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سگد و سوره اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گله های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اود پی بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون جا داشت زن است با تنه از شیر، باقیافه زن و داریا.

لها و ابوالهول مصری بال ند ارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانسی و میش نما یا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این جهزه او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاه میبندد. در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر لب داخل اهرام که بنام خود شرمسی است بفرشد. حالا حیوان شاهن مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نژده بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیمنم که در اول بود. ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد. های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعداً

نه شیر در مصرفیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات غیر از حکمت مند همی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزاره ها انواع اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نموده که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. صد هاسال بعد در سوپوتامیسا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت دنیا قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعداً از اود پی معمارا رسید تا که در آئینه خود شرمیک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

# ملک جهانی که بزرگ می‌شود

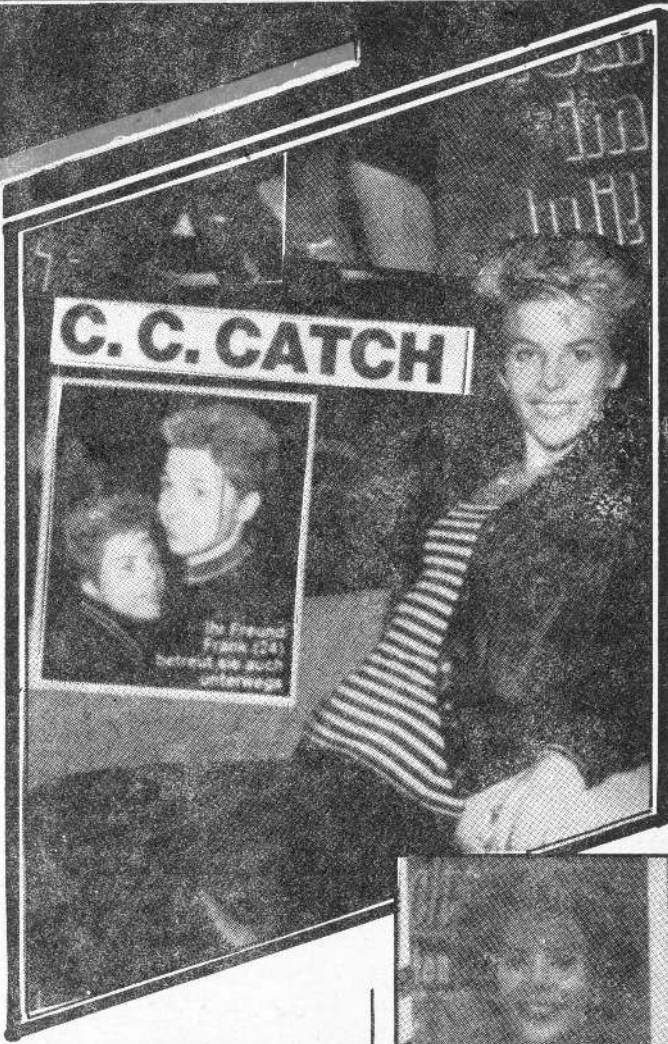
«من می‌دانم قلب خود را قدرتمایم»  
آهنگ تازه بی‌ازسی سی تی

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیتز بولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و - همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسر آلمان دیتز بولن تعجب می‌نماید. تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسر آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر غنای آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می‌آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید. شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیتز بولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است (( در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است ))

در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد. تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری امرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



### می‌نمایم

در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز می‌کنند. خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمایم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت د یسکو زوگرم در تمام اروپا شهرت یافتند ریک نمایش تلو - یزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی را خود شهرت بسزایا کسب نمود. این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته فعاله در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستداشتنی اش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب



دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی - اش سروده ها و پارچه های رابره می‌گیرند و آنتی‌نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج‌بخش و نشاط آنرا ره می سپارد.

اینکه باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی می‌گیرم و هنرمندی رابه نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شما معرفی

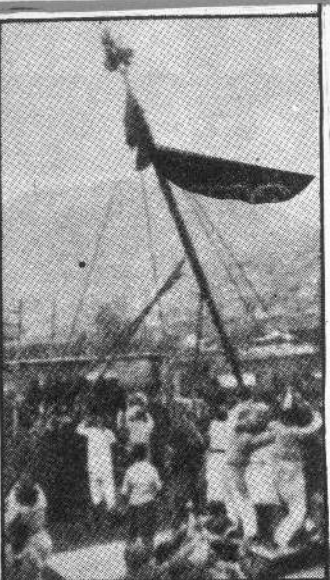
# لرغونې نوروز او

# نوروزي دودونه

د ليمه ليکه

کال له سختيوسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زمريز په ميواو کي نوموړي - دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نما نخل کيزي او تراوسه لا زمريز خلگونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي رايه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نما نخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي به دي - باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي - با برماغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خيل او پير برتم عمداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر بل مالان خواجه سپاران خواجه صفا ريگ روان په خانکر و ميلواو خو سيو سره نما نخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ ميله جي خلويست ورخي روانه وي په دغه ورخ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي جي په گابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورخ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملگري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي به گند هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزيکي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا اوسه ننگر هارکي د ولکي بابا ميلس د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي او نکلکي کالي اتوندي تبيل وهي زيارت ياتي به (٦١)



دغه اوسني تاك ووايموه بي په خپل وار انگور شوه با جاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگير کينه لسو دود پيل کي اوداي په گوته کره جي هرکال بايدنه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي - د ((سيزه بدر)) له نيو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي جي هغه به بي دنیکمرغه قال په توگه ياد او په ديار - لسمه ورځ جي دنوروز باي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به بي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولو باندې تياره بخوانس نجوني او پيغلي به په دنوروز جو کي به شيلو کي کزيدي په شيلواو سمور کړوند وکي به پي خوښي کولي اود را توکيد ليوشيلو پاني او څانگي به بي دنیکمرغه شکم په نيټ غوټه کولي له لگيدلو او بلوڅو او وروڼو څخه به بي په خاښو ناروغيو ادا کانو توپونه جون کله به بي جي وايه سره غوټه کول د هغو غوټه به بي د خپلي مينې او بلاتي وړ عنوان په نامه اېوله دنوروز به د رښل ((سيزه بدر)) کي به دي باندې باور و جي ټوک بي دغه دود نما نخل او نه بي ميروي هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم ياد سنډک تيارې به نيول کيده او په اوله ميوه به لند يده داووه شين د سترخوان به وغوړيده جي بيل به اووه سين باندي واوښت پير سيره برهڼو به بي پا کي اوسه هم راوړي ياد کال د اوښتون په شپه کي به جي اوه ونيور يدي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه دندي روزبه ورځ به د بزگر ميه هم جوړه دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړونده بولس په دغه باب لرغوني انسانه ده جي وايي دغه پاچا د ليدني کتنس ورځ درلوده جي دروازه بي د عامو او خاصو رڼخ برانيستي وه هوکي برانيستي وه ځکه جي تر شنه آسمان لاندي په ازاده فضا کي دي ليدني کتنس صورت نيو جي دعاسي ميلي بڼه بي نوره کر پوه د ميلي به خوښيو او تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتس راتپت شوا هغه څه جي بي په مښوکه کي وود با چا په قدمونو کي و اجول او وروڼه بي وغوړول کوم شي جي مارغه راوړي و پوهانو ترخپل نې لاندي ونيول او د نبات دانس بي تشخيص کړي باچا حکم وکړ جي دغه دانس بايد سپين پيري او پوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه ديارلس ورځي وروسته هلته نيا لگي را توکيد لي ووي -

ترکومه خايه جي زمريز د خلکو او زمريز د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) اود هغه اړوند مراسم زمريز په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليزد ول شوي او تر زمريز پوري رارسيدلي دي د پخوانو اريايانو په زمانو کي به جي کال پاي ته رسیده د کال وروستۍ چارښه به بي په برتم سره نما نخله دغه چارښه د سوريي چارښي په نامه سره ياد يده اوه هغس کي به بي ميلي کولي ځکه جي داد بسترلي د برتم په درشل کي دنوروز د ميلي پيل و په دغه ورځ به بي اورونه جي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي او گڼي جي پښي ((مهرگان)) به جشن کي به پي لغلي نه ټکول به دغو ورځو کي به پي ماتول داله ژمي او ارامی سره د خداي پاماني نښه و په اسطورو کي راغلي دي جي له سوريي چارښي څخه ديارلس ورځي وروسته واپه به فارسي ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي زرد شتيانو د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او پاي بي د ((پهشتوار)) په نامه ياد او په دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي له سوريي چارښي څخه وروسته به بيا د کال

# شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت . . . . .  
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان  
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند ، دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی ، بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شش ماه مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



## اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافل میزاشا خسار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخ بار را تهیه دیده است :

\* در اثر زرد و خوردی که بیسن احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود ، از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را از دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روزنه تمامی تمام معاشش را که بعد از این ماه عرق ریزی به دست آورده بود ، مصرف نمود ، بلکه پند بین مزار افغانی فرستادار شد .  
 خبر می افزاید که برادران زرد و خورد گنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاعره شانرا نمیدانند .

## از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :  
 بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تبصره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذرت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .  
 \* \* \*  
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ  
 - بفرمایید ، تلویزیون است .  
 - اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید ؟  
 - امر مقامات بود .  
 - کدام مقامات ؟

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ کانل شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتوران فعلاً خود گفتوگوهایی را بلی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰  
 - بفرمایید ، اداره نشرات تلویزیون است .  
 - نشرات تلویزیون است ؟  
 - بلی ، بفرمایید .  
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .  
 - بلی درست است .  
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید یو کاست در خانه تماشا کردیم ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کنم ، آن فلم هنری

(لو ستوری) را ناسر کنید .  
 - ببخشید ، آخران فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما نمانندار که آنرا ناسر کنیم .  
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .  
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من ( . . . ) استم که امرو کم .  
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نمیشه





## از خود شما

سوال  
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.  
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.  
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟  
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

\*\*\*

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.  
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی همایون از بونهعی  
ژورنالیم ویان بروی زار به بلخی

(( امتحان ))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار. خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

(( در صنف ))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارگرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

## مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.  
- چگونه زیاد حرف میزند؟  
- نه هر روز به خانه ما می آید.

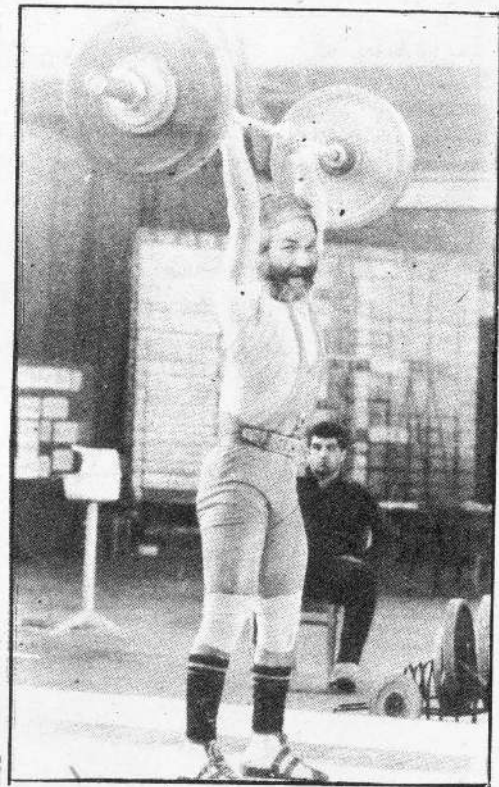
## راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:  
- حالا چطور به رئیس عمومي بگويم که تحويلدار پنج مليون فرانك موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟  
معاون: همگام چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

## اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.  
X لقب نهرمانی را به دست آرند.  
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.  
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.  
X عرمه گردد تا پارهائی از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.  
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

نورانی بوموقع



معلم صحنه خوب است

همسایه بی

د بیرونی تن از دست پیرایه است کمترین تم به بد از آن که نماند و نگذارد آن در پیسر تا رئیسش با بی اعتمادی همکاری نمایند خود را به خانه رسانده. خود این نمود.  
خبرس از این که خبریان کاین از این نمودن کنی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبراز خوش وقت در دانی نموده، از روند انامه این سلسله در ریاستش ره می باشند.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم دیشب تا ساعت ا شب با مشیت به دیوار اتاق میگویند! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بختانه نخواهید بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.  
ارسالی عطیه

# مینیاتوره‌های طلایی

اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .  
 به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه مشکل زیامیباشد .  
 چیزیکه امروز حقیقت است فرد انشاید تخریب پیش نیابد .  
 اگر واقعیت ناخوش آیند و یا غیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارند .  
 بهترین منطق ، منطقی است که بعداً بوجود آید .  
 تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .  
 به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .  
 از تمدن گذشته و نواریهای آینده به وجود می آید .  
 زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد زیاد گفته شده .  
 از اندازه عملی شده .

مادرکلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .  
 خوشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی :  
 بیکار : حیوانی که وقت را میخورد عروسی : ( عقد ) قماریکه مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .  
 جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .  
 دشمنان : مگوری از دستان که نمیتوانیم خود را از آنها دفاع کنیم .

## کارتون



# طعم است



طرح : طوبه پیرانه

## نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو میشمرد .  
 یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :  
 دوست عزیزم جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلین ، شین و کلاد ستون .  
 مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند .

امیل زولانزد را اکثری رفت ،  
 را اکثر پرسید : چه شکایت دارین ؟  
 خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .  
 را اکثر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :  
 ای تابلیت ها برای اشتهای تان کت میکند .  
 امیل زولانزش را با ناراضی شور داد و گفت :  
 را اکثر صاحب این تابلیت ها ایراد من کت نمیتواند من اشتهای من را ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .  
 محمد سرور خبرنگار که به خاطر تکیه صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوری را مقبول شده بود به آشخرف گفت :  
 چند روز پیش مدیر صاحب برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجایه اند ؟  
 معاون شعبه گلشن را ماف کرده گفت :  
 وله راسته بگویم ، به هم نیامم که مدیر ما حد کجایه ، مگم دیروز در امری حاضر حلیا داد کدهه سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .  
 محمد سرور که گوی خشکی

## بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و تروص فاجیکه ساختن طلی مکتوب -  
 رسمی از خبرنگاران را دیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحبه نظیرند .  
 روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران شنیکر و فی را آماده ساخته آنجا رفتند .  
 همین که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئوسید :  
 ای پیر به شعبه خات آمد ؟  
 معاون جواب داد :  
 ایزه خوب میخام که تی ، به خاطر که مدیر ما عادت نداره وقت که بر آمدن پیر بیایم .  
 تمام خبرنگاران و همکاران تختهکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .  
 در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :  
 اوسیه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کدن ، مام کارز میکنم که تازنده استر یادتان نره ، اوهم ای که برشان میکنم که روزیکنیه آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

### متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخفته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالاندن به سرسری ملی بس جراحی برآید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفع خواه شد .  
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تبنگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس استناد بدی تان را تقویت کنید .

### متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .  
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتملی بر موقت خوبی داشته باشید . از همین رو با دید جالبی به لگن موتمر جمله ورمیشود اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .  
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



# فالی که طنز نویس دیده است

### متولدین ماه حوزا :

ارزواییه به خار به دست آوردن کین لیت به سو میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انانسه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .  
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرق استید بوی ونگه گیاه کارسری در شما اثری نمیکند . بول صفای را در مواقع معین میگردانید بجز واسطه ها ، واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

### متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشت از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند . در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .  
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر - خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت ترا - خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اس وقت از نانوای نزدین خانه تان ، نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه گسی شماست .  
متولدین ماه جدی :

ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنود زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید .  
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متا - شر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پیغامی شده است شما هم مانند مسولین در زمین - معافیت حاصل نمایند .  
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانده ادامه دهند . از لیا سعادت

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، و در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل تحمکی مسدا تهیه کنید .  
برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .  
معاور گفت : به چشم و حتما برشان موم .  
روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحب به شعبه سرفراز خان نرفت .

روزی که رسید بنهیم . همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .  
همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت :  
معاور صاحب محترم ، از کسه تمیه صاحبیهت شما با اتمه مهم اثر ، بری مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شهابت شان بکجهین ( - لنگه یاد داشت کجهین ) که مارونیک شنبه آینده ، ساعت (۱۱) می آیم ، مارو بر سرفرازخان و آمرهلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریفسد ، تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد ، بخش های مختلفه





## دوهامه پېژند

د راد پو- مجلي پسر لک  
پسې داستان

## سرپرست رئيس

نطاق : دراد يوچريد ي برله  
پسې داستان د پروگرام اوريد-  
ونکو لوستونکو سلام )  
تاسې به تيره گنه کې ولو -  
ستل چې د بېتا توستينولو د ریا -  
ست رييس د مقاماتو د لزم د پيد -  
ياد ناغمې ي له کبله برطرف شو .  
بي له دې چې بل رييس وټاکل  
شي او ياد رياست د کوم مرستيال  
د سرپرستي مکتوب راشي . دريل  
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د  
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ  
رقابت او کش وکښونځ ته راضي . په  
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي  
پوري اداري مرستيال به چوکي  
پوري نښتي و . خو کله چې د -  
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته  
کيزي او د باندې ويښي . نوغسي  
مرستيال د رياست په چوکي پښه  
ياتي ( ١٠ ) مخ ته



## نانوای

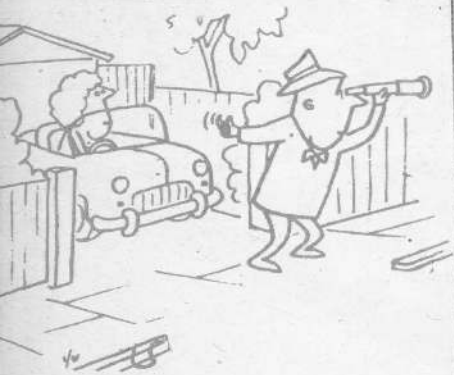
دغه مهم اوحياتي لغت په  
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -  
ضیح او تشریح شوي دي :  
( نان ) د ډوډي او -  
( واي ) د واخ مانا لري .  
يانې کله چې خوک د پښار په  
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پسې  
( واخ ) چيښي ورهې او هغه  
هم په لاس ورته ورته شي .  
.....  
غور خوره . غوري وايه . خوبه  
غور وښه تير وښه ا



## علمي تخييلونه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غورموسې د نښونځي په دوران  
کې د نايټروجن دوراني حالت د بيولوژي په کتاب کې ترسترگو  
شوي دي ، خود لته د نايټروجن پرمخاي د يوې بلې ډيرې مهمې  
اوحياتي مادې د دوران په باب غږيزو . دغه مهمه اوحياتي  
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډورې دي چې هره ورځ  
په زمونږ ښاريان په دوراني ډول دخولي اوزي له لاري سزواو  
کولمونه ننه باسي . اودالري ترهغې روانه ده چې خود ښار  
په واټونو کې دخټواو ډور و دغه حال وي .  
له دې خبرې سره داخبره بي لاپراتواره په ثبوت رسيدزي  
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه به بل حالت بدليزي او خپلي  
بقا ته دوام ورکوي .  
راعي چې په دې باب په خپله دغه دوراني حالت ته  
ورنښوئو :

# نردی لیدونتی هیله او د سنځی وریوری



## دیو اگانو غونښتلیک

د راپیو، تلویزیون، وریوریا،  
مجلو او جریډ و محترم موسولینو!  
غوره ریځ وینواو اوږدنی سینه  
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو  
او حیواناتو له باره ځانګړي خبرونې  
خپریږي او هم به مجلوماتوکس  
دغه ډول ګلیښی ترسترګو کړي.  
خود یو اګانو خبرونه تراوسه نشه  
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه  
یی هم لوستلی ده. ایا یو اګان  
غوز ونه نه لري، زه ونه نه لري،  
اوستری نه لري یی خوب یس  
د دې ډول خبرونو تمه خوري،  
د ایه موسور او یریدلی وی چی:  
زاره به خواږه، مرګ یی دی،  
سار، خواږه، د امانانه لري چی  
سړی به مړه کیده، لیتی یا اوکوره  
و خوري، بلکی روحی خور و نه چی  
د خولی به ځای د سترګو او غوز و نه  
له لاری کولموته ننوخی هم اړ تیا  
ده. هیله کړی چی د دنیس  
اړ تیا به پام کی نیولوسوه (د بو-  
ډا اګانو یی) ایه نوم خبرونه به  
خپلو خبرونوکی وریاته کړی.  
ستاس اجزا توت غوز اوستری  
به لاریو.

بریالی اوسی

کاکا سفندرد یو اګانو د تولنی  
سرسرست

وکل شو!

د یو اګانو دغه غونښته به ځای  
ده اوله عمدی نیسی وریسته به  
د بدجاره هنی هنیوال د یو اګانو  
د نړی به نیم یوه توکری به هنی  
کی وریاته کړی.

# ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه  
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه بی وفاد ه  
اوس یی سینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته  
به مفلس مین شرمیز یی، ښکته ما ځنی اجداده  
د مهران مودی اوز دی شوی، د وصال په طمعه طمعه  
زه د یواښت په هیله، تیرم میاشتی ګندنه  
داله ځمکی نه عواته، پورته شوی به هوا ده  
لاهم ورځ به ورځ جکیزی، یو ځیران رانیتنه شوه  
د نرځونو په سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده  
به مړه کیده، عینکله، ماونه خور، به مینه  
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ما ورکه د تیا ده  
که یی نرځ راکښته نه شی، د خوراک عیله یی به کړه  
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی اشتهیا  
بخوانی مینی اوسنه شته، زه د دې عیله یاری کړه  
اول نرځ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده  
غسی نه چی لیونی شی، به کونډه بازارونو  
څه به لاس درله درنه شی، د ابله تما شان ده  
نورته افریاد ونه کړی، زه مړه کیده، صبر ګندنه  
ای مفلس ګندنه خوره، د ازما درته وینا ده.



## میږز له میږسره څه خپلوی لری؟

میږخوتول بیږنی چی د دفتر  
په کوچ کی به څلور پینو ارام  
ولار وی او په رمی وخت کسی  
میږزایان ورباندی خپل سرز دی  
اویده کیزی.  
راعی وګورچی میږز اڅه ته  
وایی: میږز له دوه برخو  
(میر-زا) څخه جوړ شوی دی  
چی دوه لاسونه، دوه پښی،  
دوه سترگی او دوه غوز ونه لری.  
اوس که (میر)، (میر) او  
(زا) د وار په سره یوځای کړو  
نوبه به سترګو ویلاي شو چی:  
میږز اڅه (میر) دی چی له  
(میر) څخه زیږیدلی دی.  
(خبرکی)



## دیو اګانو نړی

یوه اګانو یو ځوان په ګوره ده  
پوډی ګلسی ته باعت وړ او  
پوډی یی خور له  
دوی د وار په خوله شخوند  
راهه اوسه سترګوکی اوسکی توپلی  
یوس چی دغی عجبی بیسی ته  
هت پت پاتی وکله یو اڅخه و-  
پوستل  
- کاکا خانه (ولی زاری)  
- بچیه بوښته نه کوه... نه پامه  
خوله کی غاښونه نه شته اوسه  
پوډی شخوندنه شم وهلاي.  
خودغه ځوان چی غاښونه لری  
توله پوډی یی راځنی رځسره  
ځوان چی خوله یی له پوډی  
پکه وه، به پک ستونی پسرلی  
ا و دانګل:

د روغ وایی وروره! زه چی غا-  
ښونه لرم، نوبه پوډی شخوند  
وهم لږ دم یی، خودغه یو اڅخه  
ښونه نه لری او پوډی ژوند یی  
ژوند یی تیروی.

یوشن میږز ته لار خو خپل یو ا  
پلار ته لیک ورباندی ولیکی، میږز  
دغه وویل:  
میږز- ته وروره! پلار ته دی په  
لیک کی څه ولیکم.  
سړی- سلام... ګرانه پلار...  
میږز- ولی چیغی وهی؟  
سړی- ددی لپاره چی یو ا-  
پلار یی په غوز ونو کول دی او  
ورځبره نه اوری.



# علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

## مجموعه شعرها

خواننده گان عزیزان در شماره های قلمی مجله باغ رشک با سفر  
علی مشتری را دنبال حشمتی در هیاللا به غنای خوانندگی اینک پیش  
بهری این همه را برانید

شب فصل بهار و ماهتاب است  
نغم باغ رشک مشک تاب است  
شگفته دامن افشاده به گلشن  
زخون لاله شاخ گل خضاب است  
بدیده تان (( ماه در بسا لا ))  
ز خجلت ماه تابان در حجاب است  
نغم آهسته تبرنگ رزگوش  
که (( ممتاز جهان )) من بخواب است  
درین فصل بهار ای گلشن نساز  
زه جرت مشتری اندر عذاب است  
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود  
بیوگرافی مدهو بالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی  
مشتری و مدهو بالا بدست نشر سیرده که چند  
صفحه از آن مجله بصرف و وزیر را گرفته است  
جریده انیس هم زیر عنوان (( علی مشتری رایشنا -  
سید )) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده  
و عشق عصری قرن بیست و موضوع مدهو بالا تشریح  
یحات مفصل داده و هم چنین موضوع روز را اطلا  
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید  
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر  
سی سیرده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته و اکثر آنها فراموش گردیده اند  
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنری  
فلسی و ادبی بود، در وقت و زمان خود شهرت خوبی  
داشته، صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش  
را بدست نشر سیرده و عکس هائیکه مدهو بالا در آن  
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود  
و هم چنین عکس هایی از من در مجله ننداره به  
چاپ رسیده

و این است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم  
مجله ننداره که مدبرمسئول آن محترم شفیع رهگذر  
بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور  
خواننده گان گرامی سپارون، دیلا، تقدیم میشود

(( یک راپور تاز و دلچسپ خواندنی  
گفتگوی با علی مشتری ))

(( عشق )) ، امید (( و آرزو )) ، سه کله خوش  
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهراهنه و بالاخره  
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز  
من می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست  
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسیار خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم  
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است، گاهی در  
صحاری خشک و ریگه بیابان رگه با پای برهنه  
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند  
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را دردی  
وشت پای او را گردی نصیب نموده است  
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش  
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت  
داده اند که اگر غلط نیست، عجیب ضرور است  
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار  
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری را دو - سال تمام از یاد دور و دیار بر برد و جای او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالص ماند، داستان اینکه وی در راه یار غربت چها کشید، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بپسند جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فلی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فلی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما تو را شناسند و دیدار سنتن ماجرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم. س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟ ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند داریو بینایی یعقوب را یوسف کند س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دروسال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی سنیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر - مندان را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، ولی به این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مقفل و هوش رفته بدیده باز ماندی یک انسا یکلوییدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هستند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سعانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهوالا، نس، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم. س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تا چیزی درین نباشد مردم از آن چیزی هانی سازند، محبت و علاقه من به مدهوالا یک - بقه چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و دیوانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهوالا از طبع من بوجود آمد که چرخه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هاییکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهوالا و اهل خان بد را و بچاپ سپرده اند چاک از اینکس مدهوالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انوا هاتی اساس مطالبه کرده است آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهوالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

# مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنید یک د ختر خلق و محب است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اهلوالله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصر آن همان است که جریده آرزو و بگجراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیرد.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میگوئی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبا، طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهوالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیزهاییکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بی اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟ س: مثلاً میگویند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هند بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

# لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت  
 ((ا)) گرم  
 هفته گذشته ماره سرگردان  
 ساختن ، ما آمدیم شما نمودین ،  
 خیالی دیدین که چلو قصد خوده  
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر  
 صاحب صرف ساختیم ، آخر  
 هم دیروز نامدیم .  
 سرفرازخان که این حرف ها را  
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی  
 کرده گفت :  
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم  
 نبودیم .

بقیه از صفحه (۱۲)  
 شوهر من فلمدارک در من  
 حال به حد بدبختی نگاران -  
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک  
 روز بعد گویی را برداشته سزای  
 سرفرازخان که همان روز در شب  
 بود تلهفون کرده گفت :

بقیه از صفحه (۷)

# مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به  
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور  
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه  
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د  
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به  
 تد اوی شرط اول تد اوی است .  
 برای تد اوی معتادین باید برنامه  
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر  
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه  
 های تواند موثر باشد . برعکس  
 فلم های تشویق کننده یک  
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران  
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید  
 خانواده ها و استادان مکاتب  
 و همروسه زیرط سم بگیرند  
 یعنی منظور این است که اولاً  
 برنامه و قایون داشته باشم  
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین  
 می توانند داخل پسترس شوند  
 اغلباً دیده شده که انهمالاز  
 طریق همبره های سابقه به مواد  
 مخدره کشانیده شده اند .  
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی  
 اجباری این انفراد مفید نیست  
 معلوم کردن معتادین هم چنانچه

# لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)



نمایشنامه (( اودن نیست ))  
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون  
 و رادیویی نشانه های داشته ام  
 - لیزارجان کونکه به آرزوی تان  
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما  
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام  
 است ؟  
 - فلم جدید اینکه من در آن  
 نقش برارنده ام ، (( سفر ))  
 نام دارد به کارگردانی سعید  
 ورکزی وهم اولین بار است که  
 رضایت کارگردان را جلب  
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من

آنرا اجرا میکنم نهایت خوش  
 آمده بود و از سوتی شرح و کسار  
 دقیق کارگردان و اعضای یونت  
 فلمبرداری ماسپ شد که من  
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده  
 شده فرار میکنم .  
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز  
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -  
 پیشه مگی تان ادامه خواهید  
 داد یا چطور ؟

- یاد رایت و هوشیاری با سح  
 داد :  
 - از هنر ، هنر زنده مگی کردن  
 را موخرم ، نه تنها به درسهایم  
 میروم بلکه در منزل با مساد  
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تسهیلات  
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو  
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی  
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش.  
 - ما شما این بیروزی را قبلاً  
 تیریک میگویم .

# به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه  
 موسیقی را دایرکت کرده ام .  
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟  
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .  
 - پس در بخش دایرکت باید تسهیلات همه جانبه داشته  
 باشد میشود از تسهیلات تان بیروم ؟  
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف  
 تحصیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک  
 کورس ماهه را تمقیب کرده ام .  
 - در بخش دایرکت بن ویاورد کدام یک مؤفق تراست ؟  
 - سه نفر من مؤفق تراست .  
 - چرا ؟  
 - زیرا که بن میتواند بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش  
 دقیق تر باشد .  
 - میخواستم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشیور  
 وسیمه ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده  
 باغفای که خواننده در آن نواز دارد هم آهنگی تلم دارند ؟  
 - کار من است .  
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟  
 - فعلاً در خانه .  
 - چرا ؟  
 - مشکلات دارم .  
 - در نظای مؤفق تراستید ویا در دیکله اشعار ؟  
 - فکر میکنم شعرا خوبتر میخوانم .  
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟  
 - بل در فنسنبول و ادو رگاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر  
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدیم .  
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟  
 - پروگرام زن و جامعه را .  
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش  
 می بردید ؟  
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون  
 بودم .

# آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این  
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات  
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد؟  
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول)  
 ساندرفر از وی چنین سوال  
 کرد : چگونه میتوان زمین را از  
 تصادم و آرهانید در صورت تریکه  
 هشت ماه به تاین وقوع این  
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود  
 راکت های دوگلوله ای را غرض  
 انفجار ستاره به خارج فضایی  
 میراث سیمون بکاربرد ؟  
 بعداً ساندرفر اظهار داشت :

دفع گردید که در نتیجه چهره عالم  
 تغییر یافت ، زمین لوزه ها ، انفجار  
 در که های بزرگ و تواننا به وقوع  
 پیوست ، طبقات غبار سنگ های  
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و آن  
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و  
 حبابی در برابر اشعه آنتاب  
 گردید . درین میان به اثر توقف  
 ترکیب نور هزاران هزار موجود  
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که  
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره  
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار  
 می آید . . . . . لیکن میتوان آنرا کاملاً  
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد  
 (شویسکی) ستاره ای که فوت  
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد  
 امکان تصادمش در خلال صد هزار  
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که  
 متادل تو انفجارش فقط یک مگان  
 باشد امکان دارد بعد از هری سال  
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک  
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات  
 دور دست سالیبها جسم طعمی با  
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده  
 مگاتن عبور کرد این حادثه سبب  
 تولید امواج زلزله در منطقه  
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -  
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور  
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد  
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .  
 از همان وقت تا امروز از فلما در ساره  
 سبب این انفجار و شش ناحیه  
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم  
 مذکور رأس متلاش شده ، مذکور  
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخنر  
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با  
 این سوال مواجه اند ایاد ضرورت

# ساختمان ها

# سریر

# آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو  
 امارشاد . چنمین زلزله را از سر  
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۲ این  
 یکبار به سکونت انتقال یافت . دهن  
 شهر اتن تلخهون ایستانکون -  
 بالارغاع ۵۴۰۷  
 متر امارشاد . این اتن تلخهون  
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .  
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن  
 رستوائت واقع است که چن مخود  
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی  
 به شهر مسکو نصیب مارجم -



گفته شد کاری ساده نیست اداره ماصرف درحالاتی میتوانست آنان راحت تدای بگیرد که از جانب خانواده های شان یا بطور داوطلبانه از جانب خود شان مراجعه صورت گیرد .  
س: آنانیکه بعد از تدای معتامی شوند آیا باز هم چانس صحت یابی را دارند ؟  
ج : آنانکه دوباره بعد از تدای به مواد مخدره روسی آورند کسانی اند که باز نخست به زور تحت تدای قرار گرفته اند.

و طبعا مصاب شدن شان بسیار دیگر خطرناکتر است زیرا برای ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی و علاقمندی شخصی باید وجود داشته باشد .  
س: معتامین چی نوع برابلم هاراد رجامعه به میان میاورند ؟  
ج : برابلم های ناشسی از معتامین وسیع است .  
از نظر جسمی خطرات جدی بیماری های کشنده را بوجود می آورد مثلا بیماری های ریویم و خطرناک جگر که از استعمال

مکرم مشروبات الکولی بید می شود .  
خطر سرطان نزد کسانیکه عادت به دود کردن دارند . بوی دهن چنین افراد سبب از پتدیگران می شود . زرق داخل رور سدی مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال مرض خطرناک اید سر برابلم می آورد .  
حادثات ترافیکی ناشی از همین موارد می باشد .  
از نظر روانی نیز مشکلات بوجود می آورد .  
از نظر اقتصادی چنین انبساط کارایی کمتر داشته و باید شانرا راصرف مواد مخدره می نمایند

طبعا خانواده ایشان دچار تنگدستی می گردد آنها بیشتر اوقات خوشتر با دوستان همردیف خود گذراننده اطفال شان از مهر محبت شان محروم می گردد .  
گاهی اطفال شان نیز مصاب به این موادمی گردد .  
تناسبات خانواده کی آنها نامطلوب گردیده سبب ایجاد جنگ و جدال ها با اخره به طلاق و جدایی منجر می گردد .  
انسانها ثروت جامعه اند طبعا انسانعامتاد ازین ثروت کاسته می شود .  
رجای

زنده کی برای آنها محدود میگردد بعضا بخاطر بدهی است کورده ن پول غرض خرید اری مواد مخدره آنها مرگب جرم و جنایات مختلف می شوند .  
حتی تا سرحد قتل و زدنی های بزرگ بعضی اینک برابلم ناشی از اعتیاد طفیل وسیع دارد که برای درمان آن مبارزه بزرگ بکاراست چی ضم مادران و اطفال مسکمه جوانان و سرانجام مصیبت یک جامعه ناشی از اعتیاد به مواد مخدره می باشد .

# نقطه مرگ

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
کوبایی چنانکه سوطون عمر را کوبند یاد میشود و شامل ۱۲ نوبی است که از نباتات و حیوانات بدست آمده و هیچ عنصر منومی کیمیاوی در آن وجود ندارد .  
عبارتند از : عصاره جمجمه سنگ پشت خاور دور ، عصاره شاع کرگدن ، خسته های نباتات Armenacae Juulperus-Rioids  
لیومی چینی ، خسته قیسی و شنبلیله های که در کوروسا نیز پیدا می شوند .  
راز روزگاران بچلی سینای بلخی مورد اعتقاد قرار داشته اند .  
از نامبرده برتنش بعمل آمده که : آیامکن است که عمر را طولانی ساخت ؟  
اینگونه پاسخ میدهند : بل ، با تقویه سیستم های قبلا ذکر شده ممکن است .  
زیرا تضعیف فعالیت آنها باعث بیری میگردد .  
طول عمر را میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن هم بالاتر برد .  
بالای اشخاص بین سنین ۶۰-۷۰ که وظایف تمام سیستم های شان تضعیف شده بود ، تجاری انجام دادیم .

با تکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-۷۰ میقد کاهش یافته بود توانستیم که آنها را با نرسدای بحال نورمال برگردانیم .  
برای اینگونه تدای عموما تطبیق دو یا سه کورس لازم است .  
تیمی که کورس از ۱۰ تا ۱۰ بار تطبیق میگردد و تطبیق بیچگاری .  
ها چند روز را در بر میگیرد در حله اول بیچگاری ها در نقاط فعالی صورت میگردد که بیمار از آنها شکایت دارد .  
چیز مهم در تطبیق این سیستم است که نقطه مورد نظر بد نیصد پیدا می شود .  
در حالیکه درسوزن زن عادی تقریبا ممکن نیست .  
داری تر رقی شده خود بخود زیر جلد انتشار یافته و خود را به نقطه مورد هدف میرساند .  
کورس اول تطبیق بیچگاری در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه میدهد و نتایج کورس های بعدی بهتر و بهتر خواهد شد .  
سپس نظریه وضع بیچگاری تطبیق بیچگاری بعد از یک سال یاد و سوال و یا سه سال تطبیق گردد .  
بعضی اشخاص در اولین تطبیق بیچگاری صحت یاب میگردد .  
تلاش طبیعی کوریا به تزریق دروا نقاط لان طول عمر محدود نموده در صدد پیدا کردن نقطه مرگ نیز استند .  
داکتر هونگ بیامون نقطه مرگ چنین عقیده دارد :  
در یک حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز وجود دارد که از آن هورمون مخصوص بنام هورمون مرگ ترشح می کند .  
هرگاه این چشم سوی ازین برده شود آن حیوان برای همیشه زنده خواهد ماند .  
فرض کنیم که پسر شدن انسان هم که معلول فرسایش اساج و جگره ها می باشد .  
از هورمونی بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته باشد .  
هرگاه بتوانیم ترشحات این هورمون را زایل کنیم و یا لاقط کاهش دهیم به جلوگیری یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم شد .  
همانطوریکه هر عضو بدن یک نقطه فعال در روی جلد دارد به احتمال قوی هورمون مرگ هم باید نقطه فعالی در روی جلد داشته باشد .  
به نظر او این نقطه با لای خطی موقعیت دارد که بنام خط طول عمر پداسی شود و از گلو شروع شده پس از عبور از سده و ناف به آلات تناسلی ختم میگردد .  
بین ناف و استخوان جنسیخ نقطه طول عمر ، که از قدیم ها تصدیق گردیده ، موقعیت دارد .  
مهمترین آنها نقطه چپانگ است .  
داکتر هونگ نقطه جدیدی را هم کشف کرده که ۲ تا ۴ سانتی به طرف پایین ناف موقعیت دارد و بنام خود روی قسمی است در تحقیقات بعدی خود تصمیم دارد که نقطه مرگ را هم درین منطقه پیدا کند .

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
چونان انسان را از نظر اشعه ماورای بنفش حفظ کند .  
درجهان حیوانات و نباتات چه اثری خواهد داشت ؟  
هنوز حوات راتعا از ضلیم سوی حیوان صورت گرفته .  
هرگاه انسان بتواند خود را تا اندازه ای از تشعشع محافظت کند .  
کی آنف بر حیوانات و نباتات اثر گذار نخواهد بود .  
طوطال ، سطح حاصل دمی حیوانات غیر نفاهی ۲۰ نمد حاصل خیزی بعضی نباتات ۳۰ نمد کاهش خواهد یافت .  
شد تشعشع ماورای بنفش امکان دارد نفا را بکوه مناطق صنعتی و آلود سازد .  
این امر ممکن نیست پس از ۵۰ سال صورت گیرد و نام در صورتی ثابت ماندن انسان در برابر آن .  
طریق معلوم است در سالهای نزدیک به خط نعداری این از خطر نخب اقدامی ضروری در نظر گرفته شده است .  
آیا بعضی حی خوش بنام شهاب صل دانگنی شبه نیست که از بعضی مرض جدی او را بمانان نگهدارد ؟  
گفته های من به تعالیانته های تجاری طی هبوطانم بلکه بر تلیج پژوههای جهانی آشوار است ،  
تجارب و آزمایش های چندین ساله پروگرام انگلیسی مل متسد ( UNDP ) سازمان متروپولی جهانی میانگرجان تطبیق است .  
از ده سال در هر پاییز بالان قطب جنوب شکاف آتونی پدیدار میگردد ،  
طت چیست ؟  
در برابر این پرسش هنوز پاسخ قناعت بخش وجود ندارد .  
با انهم در زبته این فرضیه ها تمام گردید است :  
شکاف آتونی شاید زا ده جهان کیمیاوی با حیوان دنیاکی با هر دو ی ان باشد که بالان توصیف صورت میگردد .  
بعضی هالین موضوع را با اختراعات رقم حرارتی و همچنان با اعمال شدن خوبید پیوسته میدهند و هیچکس تا کنین به تشیح مناسب آن توفیق نیانته است .

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
پژوهها و آزمایش های بیشتری در کار است .  
تحقیقات بشرک شیوی ، آلمان دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ، هند و ایالات متحده روسی است .  
در سال حاضر چه پیمانه مواد تهیه کننده این درجهان تولید میگردد ؟  
تعدادی روسی سالانه در حدود یک طین تن ( ۴۰ نمد آن در ایالات متحده ، ۳۰ نمد آن در ایالات ۱۰ نمد آن در جهان و شیوی ) تولید میشود .  
تلقشته تعدادی در شیوی ، ایالات متحده و بعضی کور های دیگر مواد الترفاتی آن تولید میگردد .  
در کفرانس مونتهال چه مصامی اتخاذ گردید ؟  
مصام حق قبل از آن در سال ۱۹۸۵ در هائیا هم اتخاذ گردید .  
چنانچه طبق آن تحقیقات روسی جهانی رویدت گرفته شود در پروتکل آن ۵۰ کور اضافه کننده تمدد سپردند که تولید مواد تهیه کننده این واقع نماید .  
تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید مواد ضربه قطع خواهد شد ؟  
در کفرانس مصم گرفته شده که در سال ۱۹۹۳ از تولید نوی روسی ۲۰ نمد و در سال ۱۹۹۵ به اندازه ۵۰ نمد کاسته شود .  
آیا کاهش های در نظر گرفته شده کافی است و چرا تا ختم شده جاری منتظر کاهش بیشتر اند ؟  
هرگاه برنامه وضع شده تطبیق گردید و تولید مواد تهیه کننده این افزایش نیابد پیمانه تهیه شد کشور این مایه نگرانی نخواهد بود .  
با کور هلیک پروتکل مونتهال را تا هنوز اضافه کرده اند چه معاطه صورت میگردد ؟  
نظریه موافقه مونتهال تکلیفی و وسایل تولید نوی روسی در اختیار آنها گذاشته نخواهد شد .  
البته متخلین با مسازات جدی اقتصادی سرزنی خواهند شد .

ایالات متحده امیکال که ۱۲۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و روسی پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .  
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه انهن را گذاشته و ولی منتظر بیلد بود که از این حد ارتفاع چه گاهی به اسان هانزیک هان شد .  
به همین الان پیروز هان پروگرام است که در صورت آسار ان ارتفاع هزار متری در نظر گرفته شده است .

بمق واقع است و اطرافش را شمشیر اسطه کرده انتقال داده میشود معانان میتوانند از لفت به منظره نما که به شهر تورنتوا میشود لذت ببرند .  
شاید برایتان غیر قابل قبول باشد اگر بگویم که درجهان تا حال دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع تجاوز شده .  
این دو ساختمان - مرعج چارت انپایه های تلوهون بوده که یکی در اراکت شدالی در

رستورانت میشود .  
انهن حرف تخنیک به شهر تورنتو کانادا اطلاق میشود .  
از سال ۱۹۷۵ دین شهر برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر ارتفاع خود انهنرگن ساختمان - جهان از نوع خود میباشد .  
در ارتفاع ۳۴۷ متری این برج رستورانتی که دارای ۴۷۶ چوکی میسرای معانات بوده واقع است .  
معانان این رستورانت توسط لفت که در کار

## آزون



# جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالسخ

## اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید - بود)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید . هر چند برای یکسال - آند ه بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد . کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها .

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد . البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد . بل در سال ۱۹۲۵ از میان رفت . یادداشت های او زیر عنوان :

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منوسوتا منتشر گردید . این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ درباره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است .

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند . میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیت آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم .

وی در مورد سوال دیگر گفت : در مورد انتخاب شعره کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده گم ام ربه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد .

می پرسم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد ؟ میگوید : تا حال عاشق نشده ام ، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد . به امید موفقیت های زیاد و رقابت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم .

زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت . و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم ، اما زیاد میخواهم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم .

جواد در مورد سوالی گفت : در شهر مریه تن دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخواهم رقابت سالم باهم داشته باشم . خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مزار شریف هنرمند بر آوازه بی محاضرات خوشی شهریان دیار مولای رانگیر ، سرمی سازد که صدای خوب ، گم و گیرایش شنونده - گانی دارد ، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد .

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم ، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظریه علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم ، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

# مردمها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)  
مقدار شرح بیسن  
۲۲ تا ۳۰ نسیب وجود  
شان در تغییر است.  
در آنهایی که به دوش  
عادت کرده اند، شحم  
بدن شان تا ۷۰ درصد  
پایین آمده میتواند،  
درین صورت از آنجا  
که مقدار استروژن کم  
است، بنا به درجه  
پایین تر شحم

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه  
قاعده کی را توضیح کند.  
چنانچه دم عبارت از این است  
بودن سطح هورمون  
(Luteinizing Hormone) است. این  
هورمون که از غده های مغز  
تراش میشود، سطح آن در زنانی  
که به ورزش دروس اشتغال دارند،  
پایین است، بلند رفتن بیکاره کی  
این هورمون به خاطر خارج کردن  
تخمه از تخمدان در نیمه دوره -  
قاعده کی ضروریست. خارج کردن  
تخمه از تخمدان به گونه عادی  
علت به وجود آمدن دروس از جنین  
در محل تخمه خارج شده از تخم  
دان است که هورمون دیگری را به  
نام پروجسترون میازد. کوتاه  
اینکه مقدار کم هورمون LH  
معنی آن را میدهد که تخمه در-  
تخمدان به وجود نمی آید، بنا به

در تخمدان پروجسترون وجود  
ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی  
تعمیق می افتد.  
پروژسترون دالون در اینجاست  
وجود می آید که آیا به تعویق  
افتیدن قاعده کی خطری دارد و  
یا خیر؟ ما هم میدانیم، دیده  
شده است که استروژن برای  
محافظة استخوانها در زنان  
ضروریست، پایین آمدن ها کاهش  
استروژن بعد از توقف قاعده کی  
به نرم شدن استخوانهای انجامد،  
مطالعه آنهایی که به دوش -  
اشتغال دارند، نشان میدهد که  
محتوات منزالی ستون فقرات شان  
کتر از آنهایی است که به دوش  
اشتغال ندارند.  
مادر مورد خاصی قبل از صحت  
کردیم که شجاعت وی بعد از مادر  
شدن تهنه اثبات رسیده است.  
روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح  
کنند، در زمینه چندین نظریه  
وجود دارد، نخست اینکه یک  
زن که تحمل شدیدترین درد -  
یعنی درد هنگام ولادت، را -  
دارد، میتواند در اثنای  
تولید باین خود فشار را تحمل  
کند، زیرا با این خود اطمینان  
تحمل درد را دارد، دوم اینکه  
زنی در اثنای اجزای تخمین شاید  
کمتر خود را ناگهانه محکم  
گیرد تا به زنانه کی اش آسیمی  
نرسد، ولی بعد از مادر شدن  
میتواند سخت تر تربیت گردد، -  
نیز از آنجمله امتحان زنانه کی خود  
را گذشتانده است، سوم اینکه،  
تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی  
امکان دارد که اندازه حرکت  
پایا را در اثنای دوش تحقیر کند.  
بالاخره چنین مطرح گردیده که  
هورمون پرولکتین که بعد از ولادت

تولید می شود در فعالیت میکند،  
تا تغییرات موثر روانی را با اثرات  
مقاومت دارد که تاثر آن مد -  
نیادی دوام میکند.  
به اصطلاح نوروردن میجاد  
زمان حامله کی خضرانات است،  
ولی در آنهایی که متواتر به دوش  
عادت دارند، تندرست اند و تکلیف  
هایی مانند فشار خون را ندارند،  
خطری به دنبال آن نیست، در  
ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان  
تا روز ولادت به دوش ادامه  
میدهند.  
کدام تخمینها را باید از زنان  
انجام بدهند؟  
در پاسخ باید گفت که هر  
نوع تخمینهایی که خواسته باشند  
پیدا گردی، دوش، بوگاها  
ورزشهای دیگر، ولی مهم این  
است که از آن لذت ببرند و بهسر  
مقد شوند.

## جهان بعد از قاجار

بنیة ازمنه (۷)

ارکانهم خای زنده را از شمع ماورای بنفر مغز - نگه دارد در اشد  
پرتاب، تومار آتشین ناشی از انفجار تخمیر خواهد شد.  
شمع ماورای بنفر که زمانی محروم و انگیزه زندگی روز زمهرن  
گردیده میتواند بهمان بهمانه موجبات نسبتی آنرا نیز فراهم کند، این  
شمع خرمه کوبنده بی را خاصیت پرورد ایثاروار خواهد ساخت.  
چنانچه اکثر ارکانهم خای یک حجره وی را که حلقه صده بی را در  
زنجیر غذایی موجودات بنفر - تشکیل میدهد ازین خواهد برد، و  
بدین ترتیب زنده محتوای بودی سایر حلقه های زنجیر را صادر خواهد  
ساخت، نه تنها در این نباتات ازین خواهد وقت بلکه شمع ماورای  
بنفر مالیکول های را که مشخصات ژنتیک مربوط به آنست  
تخریب خواهند نمود، در قسمت سلولها تکمیل پوست یا پرهای شان  
در برابر شمع سیر گردد ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار -  
امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدایی خواهد رفت.  
میلیونها پرند گان و جانوران ناپیدا در جستجوی آب و دانه سر  
گردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش  
نیز در وقت شباهی قرار خواهد داشت، نیکولو پویا کوفه، دانشمند  
ژنتیک آکادمی علوم خلی استاد شوروی واقفیده، بر آنست که در چنین  
شرایطی معلقه نخواهد بود تکثیر بشری و از نگاه ژنتیک و ادامه  
پروژه تکامل انتظار داشته باشیم، این چنین شمع مواد را میسو  
اکتف تحولات زیادی را در تمام مایکروارگانهم خای بازمانده، نباتات  
و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، چراشم کاملا بی ضرر  
خضرات مرکب از راتوجه انسانها خواهد ساخت.  
مازه بران، مکتب تغییر بازمانده شرفیت تکثیر را به علت اینکه شمار  
آنها به بحرانی تهن سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دست  
بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه  
جلوگیری از جنین گیری با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر -  
تغییرات نهایی ظاهر خواهد گشت و به این معنی است که بشر در  
طول دوره، تکامل خوشی بدوش کیده است عوامل جدیدی که یقینا  
نیل بشری راه سوی نیستی خواهد گشاده، امانه خواهد شد.

## فردین موزیک

انواع مختلف کسهای  
موسیقی افغانی، هندی و غربی را  
به علاقمندان موسیقی پیشکش مینمایند  
آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

خوله د نه نه د مخه فنی مرستیال  
به جوکی کیده اولی وه اداری  
مرستیال جی د نه جوکی بی د  
خان منلی حق باله به خیل  
بخوانی د نترکی بی دریاست  
بول صلاحیتونه به خان بسوری  
وتول له بیل خوا اداری او  
فنی مامورین هم له د وید و پرو  
تخه کم نه وو، حکه جی د یوتن  
به ریبر کید لو سره د تولو به  
جوکی او بستونوکی تغییراته  
که حیرته فنی مرستیال ریبر  
شوی وای نو د فنی خانکی د -  
بخوجا کولانو د تیره کولو عیسی  
مد برد فنی مرستیال جوکی او  
بست ترلاسه تابه او د هغه  
مرستیال ته به خبله د عیسی  
مد بریت جوکی وریاتی وه، حسی  
به دی پول ترورستی مامور  
جوکی د نه حق خیل حقدارته  
رسیده.  
د عیسی وخت و جی د لور مقال  
له خواد سرپرست ریبر مکتوب  
د ارشیف مد بریت ته را رسیده.  
مکتوب مخکی له دی حسی به خبله  
د ارشیف مد بری و کوری د هغه  
مامور باکت حرسیری کی یه او د  
مکتوب متن بی لوستی و کلمه

جی د ارشیف مد بر مکتوب دیلوس  
له مکتوب سره یونای بی د خیلی  
ایمانه کاری بینشهاد هم له میز  
خانی راه اخست ایه د اس حال  
کی جی د ریایت خندان بی به  
شونو و خبره وه، د اداری بر -  
ستیال د د نتر به لور و رو خوخید  
(لوستونکی دی د خوشی سو  
له باره یوست موزیک و فنی وی)  
نصاق: د رنولوستونکو (ناسی  
خه فکر کوکی جی به مکتوب کی به  
خه لیلی وی، د ارشیف مد بر  
د خه شی له باره د خیلی ایمانه  
کاری بینشهاد له مکتوب سره  
یونای اداری مرستیال ته یور  
ایمانه ارشیف مامورین له خیل  
مد بر خده مخکی بی مکتوب  
لوستلی و فنی مرستیال به له  
موضوع خیر کی آوکه نه، او هم  
داجی دریاست جوکی به د خا  
به تعیب وی.  
دا هغه بویشی دی جی د  
برله بیس داستان به دریمه  
اوروستی برخه کی جی به را -  
تولونکی که کی به خبره شی حل  
کند و نکی دی، او سر نو د خدای  
به امان، روغ او حوین حاله  
اوستی.



# موکیش

## از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند بپیمود.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلالی)) نام پر درخشش و استیلا کاشده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای می‌کند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راست‌درد می‌کرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمی‌کرد و از جانب دیگر نمی‌خواست از زینت اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بودتجاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباس‌های که مودم او را ((چراغ)) - خطاب می‌کردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس - نمی‌کردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از این‌سرو مودلی نبود که مرابه سینما متقابل بمادول حلالا دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد - دهی و تواضع لب به سخن می‌گشایدولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن می‌کند، او هم خودش را در لابلای حرف‌ها و کلمات می‌پیچاند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از تومن غیرورتکبر فرود آمد و این نقش را بیدهنخیزت در جالبه قابل ازان هرونم پیشنهاد را قاطعانه رد می‌کرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه می‌کند:

((نزد من، ((دت صا حب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از این‌سرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمی‌کردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار می‌گیرم که حساب تراورداد های بازی در فلم ها برایش شکل شود و کار و بار فلم‌هازی در قلم‌ها هم شکل ترازان.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرف استم برای بازی در فلم‌هاییکه تراوردادن آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهی آن با نه‌گرا اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتما تیک داد. اکثر آهنگ‌های راکه در ان زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، موکیش از عینی گلوش اداه می‌کرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازهای طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آوازهای طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه می‌کرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیورا جانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برفق آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگ‌های موکیش به رکورد مواجه شدند. چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلم‌های ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا - یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزنت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع - و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰ - ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خوانند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه - موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شکر - جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگ‌های فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. بازیگر فلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلما آواز های طلعت و رفیع را با سنگ می‌کرد اصرا روی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده‌ها نظر خواسته شوند. شنونده‌ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش را رد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانند - نظم عقربه های ساعت - سراشتن می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۰) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و - ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تکنیکی در سینما، موسیقی در فلم‌ها نیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگ‌های زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت - بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی - اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگ‌ها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگ‌های رابا ((کلیانجی - اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در ارایسه بهترین نمایشان فراداشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می‌شویم که این تعداد آهنگ‌های موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگ‌های او که آنگه باغ اند دلیل جاویدانگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ارزیابی می‌گیریم قابل اعمیت است بخاطر بیابرم که مانند آهنگ‌های سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگ‌های حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با لقم‌هاییکه این آهنگ‌ها برای شان سروده شده اند، در آن‌ها شنونده‌ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می‌سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازی قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روزگاری را دارند که نمران سروده شده اند.

# آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن  
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی  
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری  
که در ۱۷۰ کیلومتری داریس  
موقعیت دارد کشف نمود.  
ارتفاع این ساختمان بزرگ  
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به  
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان  
آشیان عظیم دانشمندان این  
ساختمان‌ها را چنین مسمی  
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت  
زاد خود جاداده است. آنها  
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند  
حتی در مناطق، شهرهای نیز  
از این ترمیت‌ها وجود دارند.  
دیوارهای ساختمان‌های بعضی  
از این انواع به حدی محکم ساخته  
شده که تخریب شان تنها بوسیله  
ابزار خیلی قوی میسر است و پس  
این حشرات همه چیز را می‌خورند  
و این کارسالیانه ملیونها خساره  
وارد می‌نمایند.



ویا سالهای مینویزه به ظهور  
می‌رسد.  
ولی همچنان انحصار زنده‌گی  
جنسی نیز اسباب بدیده کلیتومان  
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم  
می‌آورد.  
منتها مرد هانیز می‌توانند  
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد  
باشند، پس چرا آنها دست  
به سرت نمی‌زنند؟  
روانشناس هامبورگی بنام  
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:  
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود  
عاطفی و جنسی رایج و عیاشی  
در آن احساس می‌نمایند، در  
حالیکه مرد هاندت عاقل‌امو -  
خته‌اند که چگونه عواطف خود  
غله حاصل نموده و مانع بسروز  
ان گردند. مرد هانیز تریباری  
های جنسی مبتلا میگردند.  
نباید از نراند اخت که  
زودن یعنی دزدی رعایت -  
خاطرمی بخشد. در جریان  
دزدی انرژی تشنج روانی از او  
شده کشیده‌گی و گزنگی انباشته  
شده از میان برداشته می‌شود.  
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه  
که از ناگهانی ترس میان می‌آید  
با احساسات لذت‌آور جنسی  
می‌تواند ارتباط داشته باشد.

دومین نفر معروف به سرقت  
چیز شده‌اند.  
رعیت بیشتر در دزدی -  
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم  
آرایشی، زیورات، ریکاردهای  
موسیقی، فرآورده‌های چرمی  
والیه سود روز که بی‌بزه مسود  
یستند خان‌ها قرار دارند، دید  
می‌شود.  
رواقعا خانها، با وجود  
اینکه در مقایسه با مرد هانکشر  
مرکب جرم می‌شوند، به اصطلاح  
در بالا رفتن دزدی مقام اول را  
احراز مینمایند.  
در اطری منتشره وزارت عدل  
ریاست نورد اینوست فالن آلمان  
غرب چنین آمده است: (( در  
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان  
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده  
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))  
علت آن چیست؟  
روانکوی از دوسلدورف بنام  
داکتر هانس یواخیم شوین،  
هرمون‌های زنان را منفرشتاخته  
ومی‌نویسد: ((عقد و گزنگی  
های روانی در رابطه غلی  
با اختلالات غده‌ای قرار دارند  
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -  
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

# بازی با ترس

هر دو مین تشخیص بازی با ترس  
و انجام داده است. از تحقیقی  
که در شهر هامبورگ آلمان  
فدرال صورت گرفته، روشن  
میگردد که چرا تعداد کثیری از  
زنها در مغازه‌ها به دزدی می  
پردازند. ((نورا برمن چیروگی  
یافت و خطر را در جیب پنهان  
کردم))، اهتراف ویژه و تهیه یک  
زنی است که در فروشگاه‌ها به  
دزدی می‌پردازد.  
برودن اجناس گسترش  
نییابد و طوریکه تازه ترین آمار  
نشان میدهد (۲۰۰۰۰۰) -  
مرتبه در سال، باشندگان  
آلمان فدرال دست به سرقت  
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این  
تعداد فقط انعامی را در برمی  
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.  
طوریکه تجارت برچون  
فروشی وانمود کرده، تعداد  
واقعی انعامه‌الی بیست برابر  
بیشتر از عدد فوق الذکر است.  
از پرسش همه گانگانی که در  
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر



# از دنیای مود...

بقیه از نسخه مقابل  
در خصوص اینکه در بیست‌فلمی که ((امتا بهر))  
فعلا روز آن کار می‌کند، دزدی از آنها، نام ((سنکیتا))  
خوانده نمیشود و مطلب قابل توجه است:  
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری  
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست‌فلمی در قسمت  
قرارداد دارند که مابه‌انصراف فلان‌سازان از آنها  
میشود.  
دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است  
که همبازی شدن او با ((امتا بهر))، هیچگونه  
ظرافت هنری را ایجاد نمیتواند.  
مگر در هر صورت ظاهر این دو، در پرده‌فلم  
انقدر هابعد از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این  
مود می‌کشد:  
((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیم  
برای خود کالسی کم و در این طرز تلقی که، می‌کنند  
(مودها)) هنرمندان خوش‌آزای در نمی‌آیند و  
خط بطلان بگم تا دیگر گفته شود که ((مودها))  
مود اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند  
اگرچه در فلم ((هتیار)) ظاهر شدم ولی فلم  
اولی من ((قاتل)) است که بی‌صبرانه منتظر مکرر العمل  
مردم در برابر هنرمندان ام می‌باشم.  
داستان این فلم پر از فواض و چیدگی‌های بیست  
که از لحاظ اصطلاح سینمایی میتوان اثر انگده از  
(سنس) خوانند))  
به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل  
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.  
او می‌کشد: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک  
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول  
به معنی فروش قرار می‌گیرد و در حالی که در سینما  
تخیلات یک نموده، خلاقیت کارگردان، مهارت  
کامه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه  
موضه میشود.  
اگرچه در فلم‌های هندی و هم‌وزن نقش حساس  
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی  
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بایم))  
((سنکیتا)) فعلا حدود پانزده فلم در اختیار  
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده  
است.  
اگرچه در این‌واخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با  
(آسیان) روی نماند ولی او موع را اینگونه  
جلو میدهد:  
((در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سایه  
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد  
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که  
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه  
نایل آیم)).

# بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسبال، یانک بازان، وواترپولسو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نمود که در سال جاری در کوهنوردی یکرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکیزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابداع انداختن مسابقات بسکتبال از زمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

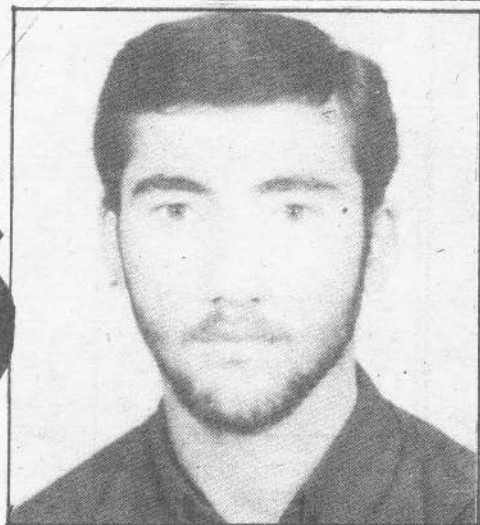
## زمینه والیبالر

\* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقب ماننی دروس مانی شود، در فسنیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان ولوازم سپورتی میباشد، معلمان مانسبت به سپورت ذ هنیست خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تغیل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات مارسیده گی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عصریسه ورزشکاران راکم نمایند.



## ورزشی



# قوی ترین

مصاحبه از منیره

## ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. درتی کواند و به عکس ساینر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواند و سو-سه)) محترم عبدالناصر هوتکی است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

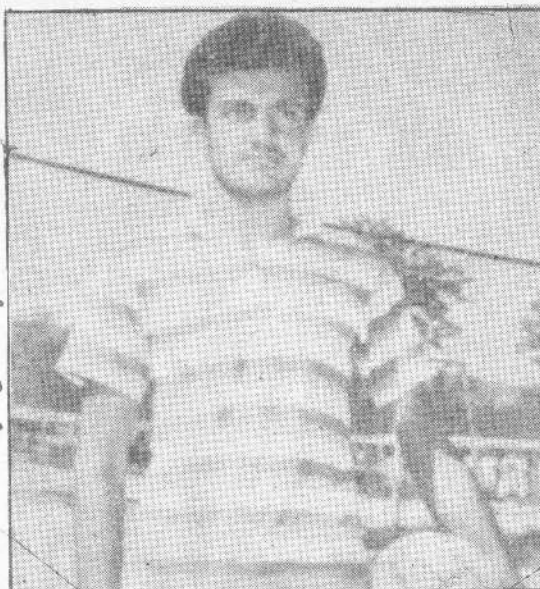
ورزشتی کواند و در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شد، است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگویی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواند و از سه کلمه کوریا یی (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن و (دو) به معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواند و هیانگ و تی کواند و ی بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوا پسی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باور مند فرد ای درخشان شایسته از جابیر می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

## همایونج باسکتبالر

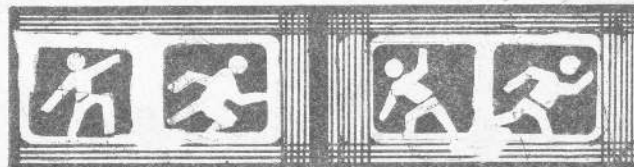
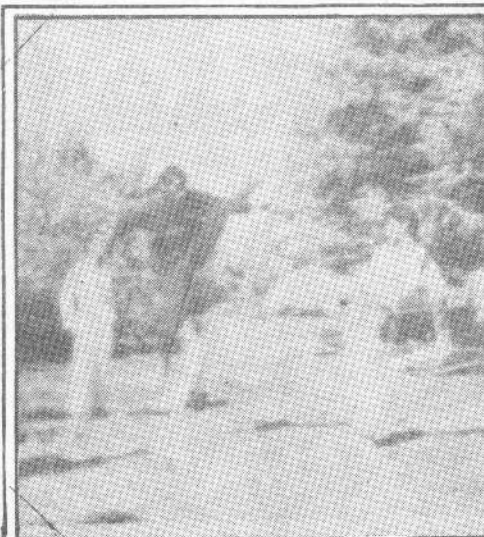
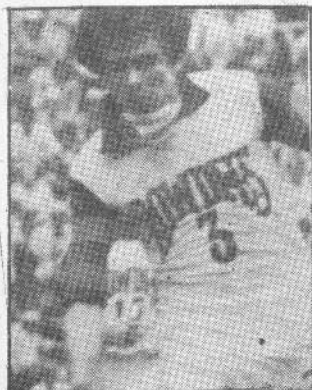
\* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :  
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیازهای است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



## درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویا پول کوستاریکایی در آب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .  
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاسا معروف یکی هم دیگوارماند و - ماریادونا ، از کشور آرژانتین ، در فوتبال ، دیگری انانیفد پلینا کیروت ، از کوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر استند .  
 و اما در مسابقه پرند هاسا ، طوطی آرژانتین در نمایشی در نزدیکی شهرینکاک بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند ه بزرگ از جمله چند پرند ه تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



# سبک دفاع

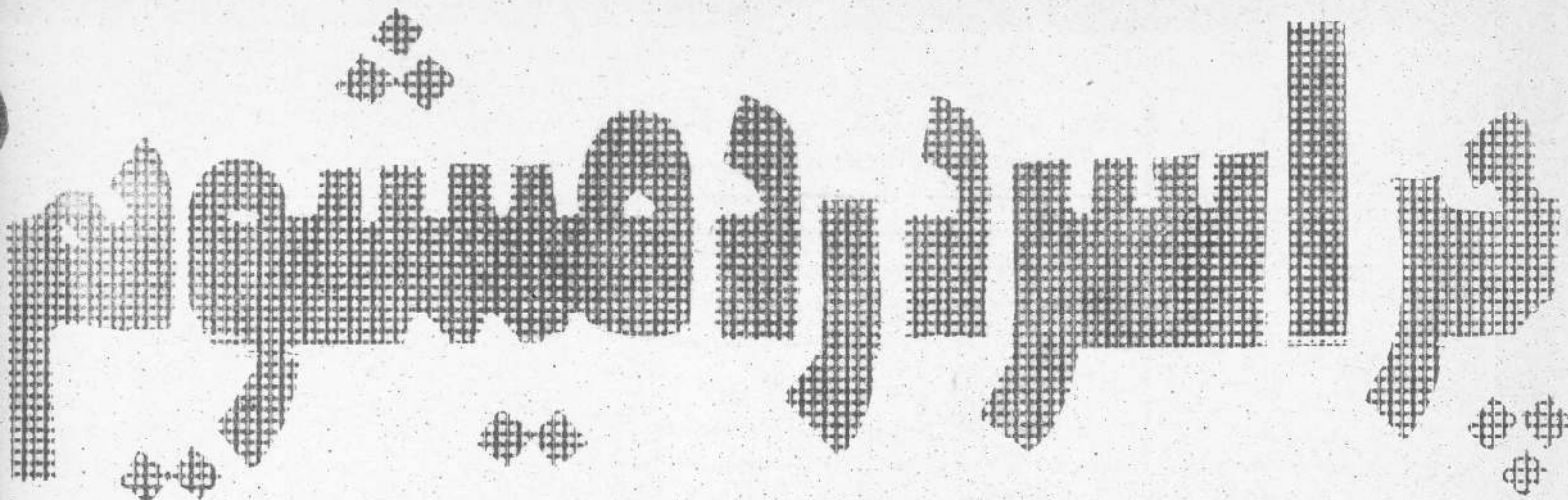
بازگشتم و کلب (( تی کواند و پوسه )) را ایجاد نمودم .  
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنگاه که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جز کار در کلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :  
 (( برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظریه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر (( فدراسیون ورزشی ایران )) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

## چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از بعد از اینکه تمرین آنها ختم

میشود به وی که جوان بلند قامت و موه دبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من



# دیدن بعضی تصاویر، استفاده

## از عینک‌ها و کلاه‌ها

### بعضی تصاویر سردی

### میکرد

ترجمه ستانک

مجموعه وایلی

یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شرب الکل غشای مخاطی دهن را میسوزاند و در جریان عبور از مری نیز سوختنیده و به داخل معده می‌ریزد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سراسر عضو منتشر می‌شود.

باید تمام اعضا و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند. حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات صبی و مجاری مغزی است و گه گه میشود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشتر از دست میدهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند.

هنگامی که اثر الکل از بین رفت (زمانیکه عضو به سختی اثرات آنرا خنثی میسازد)، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی دقیقاً باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود راتا همین میکند. در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی. میگردد میتواند بعد از ماندن زیاد در سبک اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازد و در وجود آید. نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد. حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میشود. دفعات از طریق سیستم شریان های داخلی و خارجی باز-توجه شود. در مرحله نخست افزایش سیخ جریان خون در شاهرگ داخلی به وقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی نیز ترمیم میسازد و فعالیت عمومی بدن را پیرایه سه متر میسازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه-)

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می‌شود. صورت بیمار به سرخی می‌گراید این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردد است. مرحله دوم بیماری باعث پائی توفیع سیخ دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد. زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود. در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقاً موجب سردردی میگردد. حادثه این تغییر در مجاری زوده های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های درد حساس میگردد. سردردی غیرقابل تحمل میگردد. این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جمجمه بی را بالا میبرد. در نتیجه برای بیمار بعضی پدیده ها استوار است دست میدهد که به تمهید آن حمله صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است. کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و استقامت لسی تا حدودی در زوده های دماغی از بین میرود. اینست آنچه بدن بخوش کک میکند ولی بدبختانه صوف وقتی این کک میسر میگردد که تهبانی حله رنج نهادی را متحمل شده



در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را بر طرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهر شاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صناین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر ، مثال ها ، نمک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - این قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، (( از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟ )) بیمار میگردد ، (( از مدخل سیاسکیا )) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، (( از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بورووتسکیا داخل کپلین شوی )) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوخت - بودند ، این تاجر با مودوروف مدخل - بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بورووتسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آناه منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند - در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند - باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلمت کامله دتقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود - این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت - این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشدینی - ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد - بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود - محکم بمتن کالهای تنگ که حرکات گردن را - محدود ساخته و به مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردی نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگ و گاهش واگش - هاست - در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگایی های شانسرا - سمت نمایند ، با این کار فوراً احکام - آراض و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال نمک هائیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست نمک یا نرم ها که میتواند با این بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند - در اثر آن بالائی - شریان های صدغی ( شقیقه ) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم کرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند - معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است - داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسور سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد - ظرف یک ساعت وضع دمائی لث بهبود یافت و سردردی لث برطرف شد ، ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند - چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تقریباً مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدیش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسزای خوردن چیزی نمکی تپید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدریجی در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی نمیکرد ولی فوراً - توانایی لث را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بدقی گردش پیدا شد و سوزش زانیز شدت در گرفت ، بقیه لث را نمیتوانست بخاطر بیارود .

صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب کمبود سوخ آب در بدن تراکم خون ، گاهش در مایع فقراتی مع و در نتیجه باعث پلیمین آنتادگی در فشار داخل قحفی میگردد .

ضمناً نتیجه مشابه از گاهش آنسی - صرف آب نیز بوجود می آید - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول گاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنه فوالمیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر گاهش می - باید ، این عمل با این مجازی سر تا شهر ناگواری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

اناد در صورتیکه مایلید سکرته را ترک کنید ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهید زیرا ترک آبی سکرته به عدم توانی موثری سیستم وایس منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد ، بدین صورت باید یاد اکثر مشورت کرد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغتشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد وقایع مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی وایس معروف است ، بهر آرد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایس را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون (( دلیل )) است بر طرف سازند .

# درسهای موسیقی برای همه

## در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبازون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. به اداره محترم مجله نامه که بنا بر مشکلاتی انرا در نبال نتوانستیم در سال جاری محترم انجنیر صدیق قیام که در این زمینه دسترس دارند و عده همکاری را داده اند با سراز این شماره درسهای موسیقی را در نبال خواهیم نمود.

در میان علاقمندان هنر موسیقی غرض فراگیری اساسات آن تقاضا به سطوح مختلف وجود دارد. یعنی یک عده شایسته ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و آشنایی با مروج ترین آلات موسیقی (هارمونی، طبله) به شکل تدوین شروع کرد و بعد به دیگری شاید در جایی به شناخت راکه ها و تال و اطلاعات ترانه و غیره و بعد هم شایسته به نوشتن و تفاوت های موسیقی شرق و غرب و بالاتر داشته باشند که همه به یک بار مشکل است.

بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره محترم مجله سبازون مستند به نامه هایی که به آن اداره رسید و ناگزیر از الفبای موسیقی شروع کم و به تدریج امیدوارم به ذوق همه تاحد و امکان معلومات ارایه نمایم. تقاضایکم تا وقتند آن محترم کمک نموده یا نظرات پیشنهادات و سؤالات خویش

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای آنرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غریب یا تقسیم و دسته بندی راکه ها و تال ها به سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانستن الفبای آن در قدم اول ضرور است به همین ترتیب در موسیقی هم دانستن الفبای آن گامی است در فراگیری آن.

قدیمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانسگرت در هند به وجود آمد. این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدا این که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبای طبیعت انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوصی دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد رفته است.
- ۲- رشابد: سرود یکی برنده بنام چنگا.
- ۳- گنداره: مانند صدای بز.
- ۴- مدایاه: مانند صدای مرغ ماهی خیز.
- ۵- پنجاهه: آواز ناخسته.
- ۶- دیواته: ترنم بقه در موسم بارانی.
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل.

همچنان یک نوع نامگذاری دیگری که منشأ آن سرود های

مذهبی است قرار می یابد:

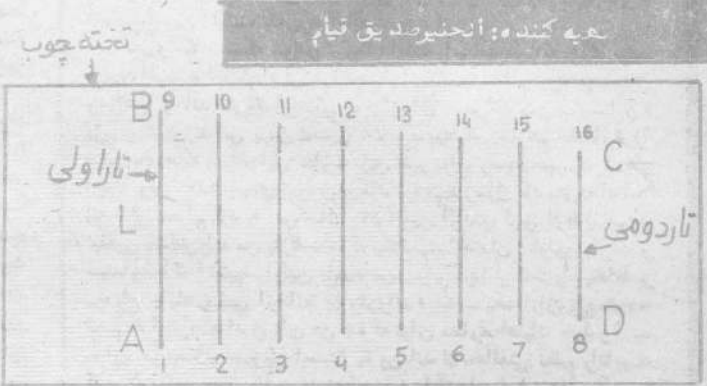
- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- سیتا: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

ولی در غرب برای اولین بار فیتاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلیسی ریاضی و صوت اله موسیقی را به وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانیم که مذکور اولیسن بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایسه بیانیهای امروزی. ناگفته نماند که بیانیوت اله موسیقی تازه آراست و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فریکوئسی از روی دفعات فی ثانی اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در فی ثانی زیاد باشد به همان اندازه سطح سوه آواز (زیر) می باشد و همچنین به استفاده از قانون دیل:

۱- تار تجربی از یک جنس مشخص با یک کربا باشد.

۲- در کش زیاد قرار گرفته باشد تا میرد و برای اجرای عطیه خود نخه جوی را انتخاب کرد و سبب ثابتی را به آن گرفت که نقطه مذکور را (A) نام گذاری می کنیم.



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و انحصار های تاری را به دو میخ B و A بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد. مرتبه دوم عین تجربه نوق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود. بعد از کش نمودن تار توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و چند صدای تار AB بود که این موضوع را شمد هارمونی های دوسره خود دیده و میتوانی وقت یکی از برده های هارمونی را فشار مید مید بطرف راست و گاهی به طرف چپ برده هشت نیز با این میشود که عین تیوری فوق است. حال طول تار سرهای دیگر بسیار ساده پیدا میشود قسمتی نامبرده فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمود بالای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ میخ های ثابت را کون و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

## سیلا نوروز

میخوانم و نه آهنگ کنی پیری را  
من فقط از سبک بزاد بر پیروی میکنم  
با همه آواز خوانانی که خواسته  
باشند من امتحان میدهم استند  
آواز خوانانی که صبح شوق آواز  
خوانی به سرشان میزند و شب بیدار  
روی برده تلویزیون می برانند باور  
کنید از طرف فامیل ها و خویش تو  
شان باران یو تلفون می آید که  
آواز او را بشنوند و یاد برود گرام  
کاروان حله با او مصاحبه نمود  
پس شما هر ساعت و هر لحظه  
در آتش حسادت سوخته آید  
بسته من نسبت به کسی حسادت  
ندانم ولی بر روی واقعیت نباید  
پرد کشید.

با شمد رشته موسیقی تحصیل  
هم کرده آید.  
بلی و دوسال در لیسسه موزیک  
در رشته موسیقی تحصیل کرد تا  
ما یک گروه هنری دارم  
بیه کدام آلات موسیقی دسترس  
دارند؟  
به ارگن، اکوردیون، کیبورد،  
تبله، جاز بند، دهل و هارمونی،  
شما قبلاً به این مطلب اشاره  
نمودید که امتحان آواز خوانی  
دادید و موفق شدید یکی ها از شما  
امتحان گرفتند؟  
استاد هاشم موسی قاسمی معلم  
در امتحان ما استاد محترم  
استاد هاشم موسی قاسمی معلم  
نمی خلاصه که ۴-۵ تن از استادان  
وزیر و حضور داشتند.

جرا همین استادان وزیرند  
نعلاد رازنایی آهنگها سبب  
میگیرند؟  
حالا این همه سهولیت به  
دوش استادان جوان گذاشته  
شده است.  
بلاخره با آنچه که گفتید وضع  
موسیقی کشور ما چگونه است؟  
وضع موسیقی ما خیلی خراب  
است. ما چارنج نفر نوازنده  
خوب داریم و پس ولی موسیقی ما  
اصلاً موسیقی نیست. در موسیقی  
غریب باید تست های هنری وجود  
داشته باشد که ندارد. صرف  
موسیقی شرقی و فلک لوریا موقا است  
گاهی آواز خوانان ما از طریق  
راد یو بخصوص تلویزیون آهنگهای  
هنری هم میخوانند نظر تان چیست؟  
در جواب شما به غیر از آنکه بخندم  
دیگر چه میتوانم؟  
بلاخره تصمیم آخری تان چیست؟  
بلاخره اگر اجازه ثبت آهنگ در  
راد یو تلویزیون برام داده نشود  
هنرم را کنار میگذارم ریک بیشه  
دیگر اختیار میکنم.  
آیا پیشه کر است، مانند همد  
صاحب خورا که فروش بازمیکم  
آند رسماً به دارید؟  
قرض میکنم.  
نظرتان است دعا میکنم موفق  
شوید یا در این یاد ران.

**نگاهی جهان نما**

**سندوی عکاسی جهان نما**

عکاسی محاسن خوش شمارا عبور  
رنگه و سبزه و سفید می پذیرد  
در شهر مزار شریف مستمس  
شفاخانه ملکی شمار روزه تبریک  
تلفون ۰۲۲۱۴

# زند و اولاد از بد و پیکر که در

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برام داد تا سیرکتش - قیلا - میدم که شیشه ها از فرا ب - خلقم رفته - این معامله گران انسان رهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی توانست مراد رک کند ؟ دست و پا زان و میخورد خندیده گریستم - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا میتوانست گشده - ام ربه من باز هد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود - باز د هد ؟ کی میتوانست برای روزهای کودکی ام - مادرم - عفت د ام را باز رساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لگن و میا ش باشد - و خیاط د اندست که من کن باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه - قبل ام ندانست و علاوه برین عده دیگری - زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگرت و مخدرات و الکل بود - اینها محافل نمنا درسته جمعی گروهی بود همه محرم بودند - در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و دست کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حیوینی هاییکه جمعی از مردان عیاش - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که هزار بار رقص ها گاهی میخواستند برهنه برقص وسیله ایمن حراب را درین باشرا و جرم تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای منیع همه با همراه با (خانه والای) مانعم به نجای و فحشاء پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است - چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حقه بد آمده اش میگفت : ( سرماره از پشت خار ) - تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود و دستش را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر خوشی از معامله گران خبری نبود که احوالم را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جزو هر لحظه مردان دوساره (با یواز) نداشتم - زنیکه از واقعیت زنده می ام آگاه شده بود بیکروز آزاد نشد ولی همواره خبر را میگریف و بعد از یکماه منم بیکروز مقامات زندان برای اطلاع دادند (توصیهای منی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سیری کرده بودم خبر آزادی ام رابه همان خانم - مهربان هر مسلمک که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده گفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمنا بود در ریافتیم که تقدیم چنین بوده که من نباید در و از نجای باشم - آخر غیر از چنین جاهایی که میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر دادند ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری کامر باید برمیگردم معلومگویی میکنم

و اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم صاحب خانه (با همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش مرا به عقد نکاح پسرش که مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه ششم - و این وقتیکه که این خانم برایم محفوظه نویسیه خاطر عرضه حسن جوانم به مردان وحشی خدمت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کارم سرمیکردند و من به تنهایی ناگزیر بودم - پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست - وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت (با) میوزم محکوم به اخراج همه امیر خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند - شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر من

بد هوش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزیدم و کارهاییکه باید در اینجا انجام میدادم - بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج بی کسی در میان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سولی بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم دست به دروغ میزدم یعنی فرار میکردم - با تقبل دهه های شوی و بی عشق راه کابینل را میپیمیدم در کابل هر شب را باید نزد معاند آزادی گاه در منزلی - گاه در سرای - و گاه در کانی سرمیرساندم برینسی ام شدت پیدا میکردم من مرده بودم و از روی بد نون شدنم رانینا همه احساس سر رسیدم میافتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشهر را میپیمیدم اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و مرضی ام را دلیل می آورم از توجه و مهربانی های بهترین بی همسره می شدم

این اختراع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتنابیکه تنها از کثافتنهای آن بهره داشتم هرگز کسی ازین دعوت به پاکن بستن نکرد - هرکسی به دست نظیر سلام دانگی بخاطر فروش جان و بد بگری به خاطر برداختنهای جنسی اش - و من در رانیهی از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بدیده ام

د بوی نگذشت که شوهر دوباره از اندام آمد مرابه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و اینها را محکوم به جارسال حبس کرد پدم و دوساره زخم محدود زندانی برین تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم - محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید - خبر مرگ شوهر آورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف در منزل ماد رش به ادا زنده می میکنم گرد پدم و یکسال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر از دواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد همرویین است - بدون اندک مخالفتی نظرم را تایید کرد که برقص پول بیاورم بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رسیدن نیز اجازه نامه داشته باشم - به کشته کتور رفتم بعد از شرایط لان برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میگیرم و بر این ظلم را که هنوز کرد که یکساله است بنام میدهم و به تکه هام میچم - چرخ میخورم پول میگیرم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالی مرد من (سعیلا) شده ام - (سعیلا) بیکه شرم سرخرویی (سعیلا) هاست سعیلا بیکه شرم هر دخترترین است - شبها برقص روزها میجویم - بدرود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میکرد تابندی شد - او میخورد ترا زمین است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتقاد است

بگذار حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده می اش - راجعین قصه کند که در یکروزه از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده - من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده - پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام - احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش برین ظلم کرده نگاه کرده اند - اما حال دیگر شاید پدم زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد - کاش چنین باغ و میوه بود - مردانیکه در دستم خوابیده اند از قصه ام سوخی خواهران نویسنخ همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شتند - معامله گران از قصه ام دست به کیسه هایشان بزنند و دیگر از معامله انسان آنها برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیچ ود دوباره زنده شوم و تقدیم بیکه اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندارم اما زبان سواد زنده می ام است - زنده می این بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من در دهانم پادستد دیگری در رقصهای گافت ترس می شود

من نه گم نه اصلاح - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که میا است پدمین است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده - شاید خدا چنین خواسته که این بد و (خوشبختی و شرافت) رابه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زینوجها و آشوب بی عشق راند از بند و بازووسی ها که این توان راندم - بر ما تا آوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تابیکران نایوبد شوم - زنده می طومار آغاز شدن است و بر طومار زنده می و من آغاز شده انجام شدم - مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و زبانش را بی وجود ما فریاد و گور خود را میقتصر حرمیکند



# آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه  
ازمایش ساعت تیری  
ده، مگره بحان بوری  
بی هم باید وتری  
حتما تاسی ته خیل  
د کجکاو ی حسن اجازه نه  
درکوی، ترخو موخیل بحان  
نه و نی ازمایش کرمی چی  
ترکوم اندازی بسوری د  
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه  
شمیرل کنیزی  
۱- فرض کوچه تاسی به کورکی  
خو ضروری شیان نه لری، او د  
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا ی  
شی، کم یوشی به تاسی اول-  
واخلی.

ساخته ویرایم امکان داده اند که  
مناسبات گسترده با رادیوهای -  
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم  
داشته باشم.

زمری علاوه بر کلکسیون پسته،  
دو صد و بیست نوع سکه های تازه  
از افسانه از سی کشور جهانرا که متجاوز  
از چهارصد سکه میشود نیز بدست  
آورده، دسرکه های این کلکسیون  
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو  
طل درازنه، تانخ چه درسیه که  
خط وجود داشته وچه قبل از آن  
برجسته است.

زمری سهارضیراز این سکه ها  
از بیست و پنج کشور جهان یکصد و بیست  
نوع بانک نوت را نیز در البومها نگه  
داشته و میکند.  
او آرزو دارد تا با کلیه کلکسیونان کور  
تعمیر، تبادل و تعمیر تجارت  
داشته باشد چه تازه از دو سال به  
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار  
زاد بخش کلکسیونسازی ادامه  
داده و بارهنمایی و تشویق مستقیمش  
به حفظ و تنظیم این کلکسیونها دست  
یازنده.

کلکسیونر مابین سال آموزش را -  
پهوسه اول نمره، مومو و صفی بوده  
از ذوق و سلیقه، عالی برخوردار  
است.  
کلکسیونهایش هر کدام تصویر  
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی

## کلکسیونهایم را دوست دارم

منعنه \* کلکسیون سازی  
در کشور ما پدیده بیست نو، معدود  
از کلکسیونران کست، گوگرد، عطریات  
شبیخ، سگرت، پسته، سکه و  
بانک نوت و... را سراغ دارم.  
زمری سهار نوجوانی که متعلم  
صدف پنج لسه، انقلاب است یکی  
از این کلکسیونرها میباشد، وی پسر-  
بست هوشمند و دقیق، او اکنون با-  
کمال علاقه مندی سه هزار پسته،  
مهر خورده، اضافه از ۴۰۰ کور-  
جهان را با سلیقه، لازم حفظ مینماید  
بسته عایر که با نظم خاص در البوم  
ها تنظیم شده اند، سببهای -  
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی  
جوامع مختلف بشری.  
زمری سهار که از تشویق و  
حمایه، فامیل، بخصوص برادرش -  
ابراهیم سهار برخوردار است، در  
حفظ و نگهداشت کلکسیونهایش  
سخت دقت دارد و میگوید:  
(کلکسیونهایم را مانند کتابهای  
درسی ام دوست دارم، این پسته  
ها مرا با همه سرزمین ها و ممالک آشنا

سه هزار  
تکت پستی  
در یک  
کلکسیون

- الف - یخچال ۳۰ نمری
- ب - تلویزیون ۵ د
- ت - د کالیود مینعلوما شین ۲۰ نمری
- ث - بالابوش ۱۰ نمری
- ۲- آیاتاسی همیشه خیلند کالیو الماری تنظیموی.
- هو ۲۰ نمری
- نه ۱۰ د
- ۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه به هغه معینه ورخ جاروکوی.
- هو ۲۰ نمری
- نه ۵ د
- ۴- آیا مخکی له دی چی میلانه موکورت راشی، کولای شی تمول خوراکی مواد به اشترخان کس تیار کرمی.
- هو ۸ نمری
- نه ۲۰ د
- ۵- آیا کرم وخت داسی تصادف واقع کنیزی چی خیلو، میلنو ته سوی بو پوی، مخ ته کنیزی.
- هو ۱۰ نمری
- نه ۱۵ د
- باتو به ۹۳ م

# اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را با فشار بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل می‌دادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د می‌کردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال می‌کنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می‌آید و دریا تلاق ها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکال های است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته بازم خطرناک است (میکانیزم سنتز اسید نوکلئیک) پروتئین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدید در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

## تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید  
س از شهر مزار شریف:  
س خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی آرامی بگذرانم!  
ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.  
راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم سنه ۱:  
س: به گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قلمرو ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نظامی شوم چکنم؟  
ج: همی، واسعه پیدا.

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!  
ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.  
خانجان از صوفی مویل:  
س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب من نوازم؟  
ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)  
است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بو هنتون لایل:  
س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمرییکایی - صنعت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))  
موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طرح ونیس اقای ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.

انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد: (( برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است. آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که مستند رد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

## مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۳۹)  
در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نمایندگی میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال رتبه و رشته خدمت او موجود است. برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکای روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.  
یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قو طاسیه فروشی  
علی گلرین  
متصل کلینیک مرکز

# ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است  
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست، معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده تر بنام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.

در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایا بود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.

۲- جین یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.

آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:

۱- برهمنی دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.

۲- بودایی آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.

اصول عمده بودیسم عبارتند از:  
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه ۸۵)

## درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، نی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، روزنمایان، محسوس، هنگام. این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود.

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

قطاسیه فروشی ارزان

## دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه ۲۷)

واقعاً که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهار خوی بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند. دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکو - همین انسامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید. دیدن کرملین توجه جمعیت گهبر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکو دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ و مقبول سما نمودند.

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید. تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای مهندسی اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکمیر شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریباً هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریگ و آهک دیوار ها را عملاً محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تبق ها را متحمل گردیده اما با حملات رها روی هیچگاه متصرف نگردیده بودند.

این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.

# سیر درد

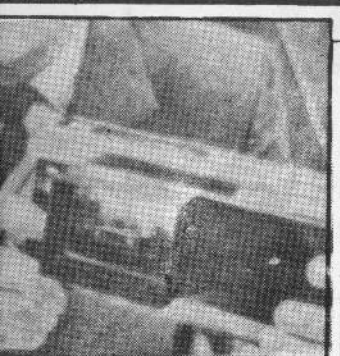
بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیوراد، انبه های سکن که پالان میراها شکر خوردن داشته و احساس درد را تخفیف میدهد ولی طبیعت انسانی آنطوری که هست باقی میماند و معنی نمیتواند که کز کز و احساسات خود را تقصیر دهد. وضعی که موجب بیماری میگردد در بعضی استخوان مواردی که چگونه در شرایط خاصی با آن برخورد صورت میگیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند. برخی اشخاص حتی میباید خیلی با- چیز را هم بشمارند و اینرا خیلی بدی تلقی میکنند. بعد از گذشت لفظه ای این بیماری خواهد گفت: (بساله را - کاملاً درک کردم ولی نتوانستم چیزی

احساسات را بگیرد) ولی در واقعیت امر چنین کاری را نمیتوانست - سرا ساختار خوش وضع زوسی اوچین است. سردردی ها با بسیاری بیماری ها از قبیل بیماری های معده، جگر، کلیه ها و ... همراه است. - اغلباً سردردی هاست که در تریلیج - ناراحتی های متین قنرات بخصوص قنرات ناحیه رقیق، رما تیزم - بیماری های کولاجن تلیس نیز میزند میکند. در واقعیت امر، تمام - بیماری ها سردردی را با خود دارند و از همین جهت است که دانستن طل آن لیتقیر مهم تلقی میگردد و نه با درک طت آن راه درست تدابیر را در می یابیم. در اغلب حالات، ظهور سردردی برای بیمار آشناست. - بعضی موارد یک قاعده، بیماری رژی - های خیلی خوش را برای مبارزه با سردردی دارد. این روش های تدابیر صرف شکل طوی نداشتند. بلکه اشکال خوب فلکوری، - همسر وجود دارد. بیمار شکست برای لخته کتاه قسمت خارجه، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی محکم بگیرد (برای یک دقیقه در فضای آزاد) بیمار با این کار احساس بهبودی خواهد کرد. این عمل را میتوان تکرار کرد. یا اینکه سر را می توان بایک تکه نازک مسکیم بست. این تکه را تا ابرویان و - کوشاکتی گیرد و پوست پیشانی - لث بشاهد. این کار با بسیاری بیماری های سردردی های ناشی از اینهمه آمدن فشارخون دارند که نهاد میکند. در سردردی های مزمن با مثل با ها در آب گرم بپوشد. هر چند از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد. در صورت آن تهیه مسکیم آنچه که مطلوب است بدست خواهد آمد. از پلاسترهای خردل میتوان در پشت گردن و بین تخته های شانه یا روی قفساق ها استفاده کرد ولی این پلاسترها را نباید یکباره روی تمام این قسمت ها گذاشت. ساز خودی قسمت های - مختلف سردردی میتواند مفید ثابت

شود، چین فشار متوسط بر روی نقاط دردناک سر می تواند بوده است استفاده از مرهم ها مانند مرهم پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه ها میتواند خیلی مؤثر باشد. گاهی با ماساژ کردن بعضی نقاط و ماساژ ها با بخار آب و نمک سردردی برطرف میشود. هرگاه در حالیکه روی جاده راه میرید چه سردردی دچار شده که شکست ناشی از نوشیدن روی پیشانی باشد. شال یا کلاه تا آنرا تا ابرویان تا پایین بیاورید. گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد شد ولی خیلی بهتر از آنست که به سردردی ناشی از خنک خوردن کی مبتلا شده که میتواند شکست دوامداری را برای آن بیاورد. باد چارشدن به سردردی ها معمولاً میدانم که چگونه با آن برخورد کنیم. ولی اگر سردردی برای بار نخست باشد باد و آب پدید آید و وضع بدتر شود پس در آن صورت باید فوراً با - داکتر مشورت کرد.



## پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و تلویزیونی کوچک را بپارد. - تصویری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد ۶۰x۱۰x۲۰ سانتی متر

## مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)  
نوه مورد سوال قرار دم هم هر چند که طریح های در زنده بهبود آن همین اکنون هم در سردارم.  
س- ایاصمیم افراد اید که مجله تلویزیونی به یک مجله فزونی و خانوادگی بدل شود داشته مجله هزه هنر؟  
ج- هرگز! هنر تلویزیون برنامه های فراوانی برای خانواده ها دارد: برنامه زن و جامعه کودکان و اطفال، برنامه نمایش های تلویزیونی، برنامه های ترقی و تفریحی، فلم، سیاه و ...  
س- چه چشمال باشکالی در راه ساخت برنامه، ثان وجود دارد و آیا طریح و تهیه برنامه چقدر به اراخ روان و آرامش زندگی ثان صده هزند.  
ج- تهیه برنامه بی چون مجله تلویزیونی هر چند که درگام نخست سهل ساده به نظر میرسد، اما، حقیقت این است که دشواری های فراوانی دارد. این دشواری ها اگر از یک رهگذر امور تهیه برنامه را در بر میگردد تنها مربوط به تهیه کنندگان برنامه میشود، از سوی هم، محدودیت ها و امکانات اندکی هست که روال بهبود برنامه را صده هزند از کم بودن وقت محدودیت های بودنی امکانات و عدم منابع، گاهی تصویر ضربه که بگذریم، گاهی زینر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها سیاسی، اقتصادیه، کار و ابرای ماسدود هم از کم بهتر است از

## سردی

بقیه از صفحه (۳۱)  
مرحوم (سردی) طی دوره کارش بی نهایت انسان فلم درهلوی سناریو نویسی برای هنرمندان و دست اندرکاران سینمای کشور لکچر های نیز تهیه می نمود. مرحوم سردی قبل از مرگ اش شش سناریو آماده کرده که دو سناریو یوان را عباس (شیان) کارگردان ورزیده سینمای مائیکمیل وینام های (ستاره گان نمسی میزند) و هیرت فلمی تحت ساختار است ویک سناریوی دیگر ان تحت نام (تلان) بوسیله موسسه هنری قیس فلم درجریان فلمبرداری قرار دارد. داکتر غلام محمد سردی در شام سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۳۷۲ ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دوساعت بعدی ان ماشاهد نشانای صحبت وی بهرامون صدمین سالروز تولد ی نایفه سینما - چارلی چاپلین از وری نشرات تلویزیون جمع شوری افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی وفات یافت. آخرین کارهای او به سان اشکهای که در رخساره شمار می بندد و خشک ویه گونه لبخندی ناتمام به تمام بدن زندگی او ناتمام ماند. ترجمه نسا پشنامه تیازنی او بنام (بدن شکست را خورد کنند) برنده جایزه اتحادیه هنرمندان گردید، این آخرین یاد اش بود که هنر برای او اهدا کرد. وحی غم انگیز است این برای کسیکه با هنر زیست و در راه هنر و جلاش آن تلاش ورزیده و سر انجام حباب اکسا بر ستر

## نظم معده

بقیه در صفحه (۹۱)  
یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در انسان معده مرض گسترگستگویی شده، دریافت نمود، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren در شفاخانه Rogalpearl این میکروب را در شیعی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره تدقیق بیشتر یک ترکیب Blomulk + Cimil + line Tinidazole + Amoxycillin تولید کرد که بکتریا را محو میکند. با درن این واقعیت دیگر تدابیر گستریت عا و زخم معده، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده که ممکن در اکثرها مرضیان قیلا کم باشد، میشود بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده و تعقیب مرضیان، تدابیر گردند و ناگاهت نمائند

مریضانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدابیر مکل جواب نمیدهند، ممکن علت مرضی شان چیز دیگری غیر از زخم معده باشد، ممکن فقط حجای حاجز و ابز و فسزیت و سندرم ایتزیال باول و غیره باشد و ناگاهت نمائند که بعضاً مرضیان ناقل میکروب بیلورن معاد سیمی نفع و گاز هلو توسر و بدی بوی دهن، توسع پلن بعد از غذا - عارق زدن متد ام بوده که با تدابیر میکروب تمام امراض از بین میروند. در اخیر باید اضافه شود، گرچه اسید معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب مقاومت میکروبا بعد در ارتعاش توسط بکتریا بیلوری برای تاثیر فکوریته و علت اساسی قرحات گستریت امی مزمن میباشد. (دکتور روح اللعویان)





# سازمانت کودکان

# چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود  
فرخنده نام ، فرخنده خروسی  
داشت و خروسی هر صبح زود از  
خواب بیدار شد و دیدگون  
بانگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !  
پس از آن سویی فرخنده دیده ،  
از کف دستش هاله مارا با منقار  
خوشی چید و آرام بروی دراز  
چو کویی که جلو خانه شان قرار  
داشت ، کارش می نشست .  
خروس برهائی رنگارنگی داشت  
و طوری جلایش میکرد که گویا همه  
بارون جرب شده باشند ، روزی  
از روزها فرخنده نزد زن همسایه  
ماکیانی را دید و از ماکیان و  
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه  
گفت :

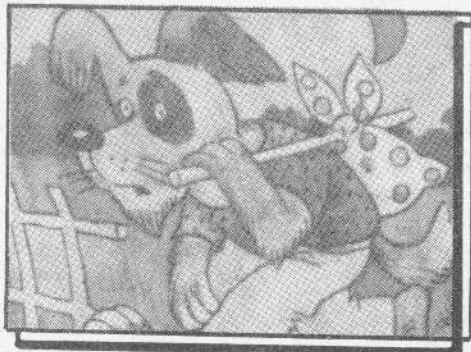
ماکیان تان را به من بده و من  
در بدل خروس را بشما میدهم ؟  
باشنیدن این حرفها خروس  
تاجش را به پایین آویختند  
و سرش را به زیر انگند ، چه  
این خود مالکش بود که میخواست  
ویرا به کس دیگری بدهد ، زن  
همسایه با فرخنده این تعویض  
را قبول و ماکیان را در بدل خروس  
به فرخنده داد ، فرخنده  
به زودی با ماکیان دوست شد ،  
ماکیان با پرهای سپید خود  
احساس گریس و آرامش می نمود ،  
همه روزه یک بیضه تخم میگذشت  
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم  
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف  
کنید .

فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،  
همواره ماکیان را در آغوش گرفته  
و بروی برهائی زیبایش بصهریانی  
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه  
رو بروی شان همراه پایک مرغابی  
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده  
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از  
مرغابی خوشش آمد و از زن -  
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید  
و من در بدل ماکیان خود را به  
شما خواهم داد !  
ماکیان از شنیدن این حرفها  
نمگین شده و از تان ترسیدند  
با الهایش جانب زمین آویخته  
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -  
شت ، چه این مالکش بود که  
من خواست وی را به کس دیگری  
بدهد .

دری نگذشته بود که فرخنده  
با مرغابی دوست همیشی شد ،  
یا هم یکجا به دریای رفتند و در -  
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا  
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم  
آنقدر رها دور شما منم ، زیاد را  
در آنجا زرف است ( با این صدا  
دخترک دوباره به ساحل دریا  
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد  
یکی از روزها همسایه بی باک  
کوچک و دوست داشتنی خود به  
خانه فرخنده ، شان به معناسی  
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به  
قد رکابی از چشم نگذشتند ، بود  
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در  
بدل من مرغابی خود را به شما  
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -  
شنید ، بالهائی خود را از روی قهر  
به هم زده و از منقارش آواز -  
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند  
می کشد ، همه بی فایده بود و  
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر  
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست  
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش  
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن  
را در مقابل مرغابی به کس دادم  
و حالا مرغابی را داده و سگ  
قشنگی بدست آوردم ، همینکه  
این سخنها به گوش سگ رسید ،  
دم خود را جمع نموده و به زیر  
در از چوکی خانه فرخنده خود را  
پنهان کرد ، در تاریکی شب  
هنگامی که فرخنده در خواب  
شیرین بود ، دروازه را آهسته  
باز نمود ، و پایک خیز به بیرون  
خانه جست و پاه فرار نهاد ، در  
راه این سگ دوست داشتنی  
زیر زیان زخمیه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم  
یک جا زنده گنم ، وقتی  
دخترک بیدار شد خود را تک و  
تنها یافت .

# آیاتناسی د . . .

- ۶- آیامیلانه دې خوښيزي  
هو ۱۵ نمرې  
نه ۶ د
- ۷- آیامخکي لدې چی د کور  
خخه د خوراکي موادو د رانیولو  
په غرضوړي د نوموړو موادو -  
لست نیسی .  
هو ۲۰ نمرې  
نه ۳ د
- ۸- آیاهمیشه خپل کورنۍ ته وړي  
په ټاکلی وخت بخوي .  
هو ۱۵ نمرې  
نه ۸ د
- ۹- آیاد خوراک پخولونوي آشوزي  
د ستورونه استعمالوي .  
هو ۱۲ نمرې  
نه ۵ د
- ۱۰- آیاهمیشه تاسی د آشه زخانو  
سامان آلات منظم په الماری کور  
کیزدي .  
هو ۲۵ نمرې  
نه ۵ د
- ۱۱- آیاد کوربه کارونوکي ستاد  
گوزوند ملگري کمک کوي .  
هو ۱۲ نمرې  
نه ۶ د
- ۱۲- آیاتاسی پخجال د کور د پیر د  
ضروري شیانو خخه شمیري .  
هو ۴ نمرې  
نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نمرې جم  
کیري .  
د آزمایش نتیجه :  
تر ۱۵۵ نمرې پوري :  
که غواړي چی د کورنۍ د خیرکو  
د میرمنوله جملی خخه وشمیرل شی  
باید پخپلو کارونو کی نورهم د  
تجدید نظر وکړي ، تر ټولو د مخا  
باید د دې چی د وخت په موند -  
اقتصاد ي وواسی ، اوبه ښه صورت  
سرخیل کارته سازمان ورکړي .  
د ۱۵۶-۱۹۵ نمرې پوري :  
تاسی کارکه یاستی ، هرشی -  
ستاسوپه کورکی خپل مشخص تعای  
لري ، که چیري تاسی کوم وخت خخه  
شی باید ولټوي د لدې کیله چی  
تاسی تراوسه پوري د کورنۍ ضرور -  
یات په ښه توگه ندی زد کړي .  
د ۱۹۵ نمره خخه پورته :  
ستاسوپه کورکی د استقیما خیالی  
دی ، همیشه یوخه شی مینعی ، یا  
کوي اویا جاروکوي ، اما اعتبار ولري  
چی د کارونه لاندوره هم په ل -  
قدرت اوبه کم وخت کی تراوسه  
تر سره کولای شی ، لدې کیله  
لحا نورسوي ترخوجه وخت لري ،  
اما باید هرینه کړي چه بدون د  
کورنۍ مشکلاتو خخه نور مصرو -  
فیتونه لکه تیاتر ، سینما ، کتابونه  
اولمگري هم شته دي .



خانواده سوگواراست

## فایده . . .

بقیه از صفحه ۳۵  
بعد از نسخ نامردی همیشه  
نامیل ، ما از طرف اعدا تعهد یس  
میشد ، دوسین که صاحب منصب  
اند همیشه آنها در وظیفه  
میوند نامیل ما مورد تعهد یس  
قرار میگرفت هولی من هرگز به سران  
چیزی نمیگفت موضع را بنهان  
میکردم تا مباد امینان آنها بر خورد  
صورت گیرد ، بالاخره بتاریخ  
۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه  
ساعت ۲ آن حادثه المناک  
رخ داد ، آتش جاوید بسرس  
بخانه آمده بود ، صبح چند یس  
بار صدایش کردم گهت ملد رنگدار  
خوابم ، نمیدانم چرا خوابم بوره  
میشود ، وقتی در زنده شد  
مارینا د ختم رفت تا ببیند  
کیست همراه با باز شدن دروازه  
صدای دغیر مری و فریاد  
د ختم شنیده شد ، بجای آمد  
وارخطا از خواب برخاست  
بطرف بیرون دوید . د ختم  
انیتا که بیشتر از برادر خود شی  
را به قاتل رسانیده بود ، مور د  
اصابت مری قرار گرفت و لسی  
برادر خونش را سپر خواهر  
ساخت که یک مری در جان  
خواهرو ۸ مری در جان برادر  
جای گرفت ، وقتی من به نزدیکی  
بسیم رسیدم خواهر و برادر هر دو  
د راغوش هم بودند برادر با وجود  
آنکه سوراخ سوراخ شده بود  
میگوشید خواهر را از افتادن  
مانع شده ولی بعد هر دو بزین

افتادند ، من بای لی و سولج  
عقب قاتل میدویدم او بطرف  
سورک میدوید وقتی به سورک  
عمومی رسیدیم ، زیر سینما  
اقبال همراه یانه و شارندوی  
اورا احاطه کردیم ، چون در -  
دستش سلاح بود کسی جرئت  
نمیکرد نزدیکش شود ، گفتم  
اورا بگیرید تفنگچه مریسی  
ندارد و بایند شده در غیران  
من تا اینجا زنده نمرسیدم  
درین اثنا دو مظنین حوزو  
رسیدند و اورا گرفتند ، او را  
دوباره به محل حادثه آوردند  
به جن خود اترار کرد همه جاها  
را نشان داد ، گهت بازم می آم  
همه را میکشیم و دختر را میبریم .  
همچم راه شفاخانه بردیم  
ولی او مرده بود ، طب عدلی  
۸ مری را در وجود او نشان  
داد .  
ولی من همان لحظه بخون  
فرزدم سوگفت یاد کردم او که پس  
را ظالمانه گهت من اورا توسط  
قانون میکشم .  
دو دختن زخمی شدند یکی  
در کرده و دیگری در رطن .  
درین یکسال چقدر دویدم  
روزها بالب و دهن خشک بایس  
ویلا تا دویدم یکسال مدت کمی  
نیست .  
در طول این مدت بارها  
از طرف قاتل نعمت الله هغه ما  
تعهد میدادیم . بارها گفتند شما  
که خون ربا خون می شویید  
ما همه تا ترا نابود میکنم .  
ولی هرگز از تعهد آنها  
نترسیده ام زیرا در صورتی که  
نعمت الله اهدام شود چانس  
سپم خود را برای نابودی نامیل  
من از دست میدهد ، اینک نمر  
مکتوب را بدست دانه که نعمت الله  
دولد نورلم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳  
به اهدام محکم شد .  
با اهدام او دم اندکی آرام  
خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ -  
سوراخ شده جاوید که فقط  
۱۸ سال داشت مقابل چشمانم  
مزارها بار جان نخواهد داد .

# نقش جدید من . . .

بقیه از صفحه ۳۱  
من در فلم سفر نقش مصطفی را  
بازی میکنم که با گروپ از جوانان  
که برای سواد آموزی به قریه  
دور افتاده میروند و فلم نیز از همین  
جا آغاز مییابد . و حوادث فلم  
یکی بی دیگری اتفاق میافتد و -  
گروپ از جوانان به شمول مصطفی  
با این حوادث درگیر میشوند و -  
قهرمان متن باد یگر جوانان  
با شجاعت و پای -  
مردی با ان دست و پنجه نرم  
میکند و در مجموع فلم نمایانگر  
آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده  
و بدون ترس با شجاعت بهتسو  
میتواند به هدف دلخواه خود

دینار و دینار

بنیه از منحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ایدمه ال بود
با ان هر چه نیکه ماندید ایدر -
خنده دار بود از دل می -
خندید سهم نگاه میکرد هسی
مخندید و انس خنده بخود
میلزید این کاری مراجرات داده
به تویح تمم پرداختم
سنت بی مقدمه خطاب به
دیگران گفت: ببینید این آدم هر
کاره است ، ولگرد ، آقا ، شامر ،
ایید وار ، تنها چاشق پیشه و -
ماجراجو ، او میتواند شما را مقاصد
سازد که عالم ، مونسین ، اشرافی
و بانگر پولواست و در زمین حال از
بوداشتن تم سوخته سگرت و -
شیرینی برخاک افتاده نگ ندارد .
- خوب من او ریسه خود را
به پایان میرسانم میدانم که وقت
و شرایط بر اتم بسیار مناسب بود .
محبوب مردم سراسر جهان شدم .
هم دوستم داشتند و هم از من
نفرت میکردند .
بلی زنده گی ازودیمه هایش
خوبترین و بهترین را بمن ارزانی کرد .

البته يك کی از ناملمات راهم
تلاشچیان چارلی بیشتر چه
ها و کارگران بودند ، هر خلاف تصور
هنگامی فلما هیش تا سال ۱۹۲۰ -
هنوز مورد علقه امان و اشرفان
تزارنگرفته بود ، زیرا آنها هنوز
خام و هوام پسند بودند . شاید -
تقاضای زمان بود که آنهاوش رنگ -
ماهیانه داشته باشد . طبقه با
سواد و تحصیل کرده کی در بر تبه
چارلی علقه مند شدند و بنابراین
نتوانستند او را منحرف سازند . از
((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((کوچه
درام)) ۱۹۱۷ اودوش نگ ۱۹۱۸ -
و ((یسرک)) ۱۹۲۱ او ((زایر)) ۱۹۲۳
و ((جستجوی خلا)) ۱۹۲۵ ، او -
((روشنایی شهر)) ۱۹۳۱ او -
جدید ۱۹۳۶ آنچه به نظر میرسد
نه دگرگونی بک ژرفایی و کامل -
شدن شخصیت ((ولگرد)) است . حتی
لباش که اتفاقا برای بعد از ظهر
بارانی تدارک شده بود کم کم معنی
خاص مییافت ، در این لباس زنده -
پوششی از نگاه نجبا ، لوکس
از نظر فقرا ، نقش مبرد
فقیر بی همه چیزی را بازی میکرد که
باشجاعت تمام واقعیت تلخ فقیرتھی -

دستی خود را نادیده میگرفت چارلی
نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد .
برای تجسم روحه ((مرد کوچک)) از
حیله های بصری و تبدیل ناگهانی
اشیا که در قلمهای نخستین به
کار میرفت استفاده میکرد . مثلا در
((یسرک)) وقتی چارلی دستکش بی
انگشتش را بیرون میکشید تا هم سوخته
بی را از قوطی سگرت (قوطی سارهن
است) بیرون آورد این حرکت عادی
را ظهیر انجام مدهد که مانند
تغیسن بسیار ضعیف و گرانجا به
نظر میرسد . در ((روشنایی شهر))
چارلی در مهمانی مجلل اشیا را
بی بلعد و از درون شکش صدای
صهل شنیده میشود و نیز در کار باره
و قتیکه توشه های کاغذ با مگروشی
مخلوط میگردد . این دو واقعه هر
يك عموه برای نیک به جای خود بسیار
خنده دار است در ضمن تعایشگر
است که چگونه چارلی از در و جان
میکشود تا هرگز جماعت شود . تا
میلوونان ، دختران ، بانوان خوبی
لباس او را در جمع خود میپذیرند و بی
چارلی بخیی میدانست که کوچک
مردی هرگز نمیتواند هرگز این -
جماعت شود . سرنوشتش چنین است
که همیشه در تاریکی به امید و انتظا

بسر زد و همیشه با همی دوری نسا -
امدی را از خود دور براند .
شاید در اینکه چایلین در روز -
گاراتی که مردم به سن و رسوم
جامعه گردن نهاده بودند -
شخصیت ولگرد خود را جلهدهد
معناي خاص نهنه باشد . شاید
چایلین دیگر (سرود کوچک) به
نهر و ایستادگی اش در برابر اجتماع
ایمان نداشت و شاید احساس میکرد
که رسانیدن پهاش به جهانمان
بمان صبح تر و مستقیم تر را ایجاب
میکند . وان اتکا به نفس و ملامت
نرواتی چارلی ولگرد دیگر برای -
این منظور کافی نبود . حتی ارسال
۱۹۴۰ به بعد با فلم ((دیکتاتور
بزرگ)) چارلی شخصیت خود را کنار
گذاشت ، تا ازته دل پهاش امصد -
واری دهد و دلگرم کننده اش به
گوشه های مردمان خورد شوند . در
نیرسا و ظلم و استبداد برسانند -
در فلم بعدیش ((سپوورد)) -
۱۹۴۷ چارلی ولگرد بکل ناپدید
شده ، در این فلم ، که شاید -
صهان امیز تهن فلم باشد ، قاطعی
در دفاع از خود میکهد که جنیت او
اصلا گناه نیست بلکه قیاسه
آن وحشتناک است . ((قتل یسک
تن انسان را جنایتکار میسازد و بی
قتل چندین میلیون تن باعث افتخار
است))

از وی . تاسی و لوستل جسی
اداری مرستیال د دغی نیسی
ورخی صلاحیت به زور . تولسو
د فترتونه د خیل خان د سر -
پرست والی رسمی اطلاع میرسوله
اود همانی ورخی له فرمی و روسته
چی فنی مرستیال ترجوکی خان
ورساوه . نوپولود فترتونه بی د
خیل کالت متحد المال مکنوبونه
ولیزل . به دوهمه ریخ سعار
اداری مرستیال بنغه جسی
موسسی ته راخی . حال داچی
فنی مرستیال له بیینی ناخبره
به اووه جی تکی موزکی له
نوروما مورینود مخه خان موسسی
ته راروسی . خوکله چی خوکید ا ر
ورته و ای چی اداری مرستیال
ترده د مخه راغلی دی . نونسی
مرستیال د موسسی به عومنی
د روزه کی لکه ریج لرگی به خای
ریج کلک باتی کیزی . اوسر به
وگوروی دغه لویه د جابه کتبه
راخرخی :
( یونیم اوپلام موزیک دی به
خیله لوستوکی و غمز و ی )
راوی : که فنی مرستیال
موسسی د روازی به خوله کسی -
لرگی غرنی ته تکیه نه وای کری .
نونسی له شکه به به خمه راغور -
بخیدلی وای . دومره ویرسره
بخت یاری وگرمه چی د ما موپینو
موزیکه ویرا رسیدلی . که نوبسه
دغمی وضعیت د فنی مرستیال

لیدل کومه ویم . خبره نه وه هغه
د اداری مرستیال به دغه موقتی
برلاسی نا امید نه شو . او نیخ
خیل دفتر ته لار . فنی مرستیال
د دی له باره چی اداری مرستیال
بی به راتلو یوه نه شی . خیل
پوتونه بی دد هلپیزه د روزه کی
و ایستل اولکه د چرگانو دغله
غوندی دگوتوبه خو کوخیل دفتر
ته لار .
(د فنی مرستیال د ورو ورو -
قد مونوبه مگرونوکی دی محترم
لوستوکی د قمرگلی دغه مند ره
چی : (( ورو ورو کیده قد مونسه
اشنا )) له خانه سره زمزمه کری (ی)
به دغه ریخ اداری مرستیال
د ویره دروند دریاست به جوکی
باندی ناست و چی به ار مونو
به هم جان وای و زخنی ار ولی .
دغرمی پوهی بی هم د خیل گارد
میزله پاسه و خوره اوپه دا لویه
ریخ کی بی ترمازد یگره پوری به
جای روزه هم ماته نه کری .
د فنی مرستیال خانه سامان
حضرت میر چی یورخ د مخه بی
دکم غرووی کارله باره له فنیسی
مرستیال خخه اجازه اخستی وه .
به دغه ریخ کارت نه و راغلی .
کله چی اداری مرستیال له دی
بیینی خیر شو . د امیرا نوحا -
ضری بی دفتر ته ویرنوبسته اوپه
خیل قلم بی ((نیم روزه)) نمیر -
حاضر کری . فنی مرستیال به دغه

ریخ د جوکی به نه نیولود ویره
خپه نه و لکه د خیل خانه سامان
غیر حاشیه لوجی به قهر کر -
دوه د ری حله بی تیلون ته
لاسر و تیر کری . خود تیلون له
لاری اداری مرستیال به بی ابه
کری . خوهرخل به بی یسه
شیطان لعنت کی او دغه کلمات
بی بل وخت ته برینوبد . هغه
پوهیده چی اداری مرستیال د
ریاست به جوکی پوری مییخ
شوی نه دی . او غروو به یو وخت
چی فنی پورته شی . هغه وخت
پوری فنی مرستیال بی فال به
زیه کی نیولی و درسی وخت
پای ته رسیدل وو . کله جسی
رسمی وخت پای ته ورسیده . نو
فنی مرستیال د اداری مرستیال
د غالفکیر کولوله باره د نورومامو -
رینو به خیر له دفتر ته راویت او
به لوی لاس دریاست د دفتر
د کر کی تر خت تیر شو او هداسی
حال کی چی اداری مرستیال
دریاست د جوکی له سرنه ورته
د ستر کولاندی کتل له موسسی
ووت .
اداری مرستیال درسی وخت له
پای ته رسید و روسته پوره یسو
ساعت لا هماغسی تینک به جوکی
پوری نبستی و . کله چی دخیل
رقیب به تللو پاوه شو . نو
د روزه بی به خیل لامر کولپ
کره او کونجی بی به حیث کی له

خانه سره واجوله . خو خیرنه و
چی فنی مرستیال به کونجسی
لا بیون ترلاسه کری وه او هم بی
د دیوال له لاری موسسی ته د -
بیرته رانوتلونیت کری و .
(دلته دی یوازی درباب یوه
لنده نغمه د خوتانیوله باره -
و فرول شی) .
فنی مرستیال د ما بنام پوهی
به جوکی و خوره اود سهار له
باره بی یوه وجه پوهی او خبو
ایشیدلی هکی له خانه سره
به بکر کی و اجولی . د ما بنام
به خره کی د موسسی به دیوال
ورواست او به بیخه زره بی د
ریاست د روزه و خلاصه کری ا یه
خرخی جوکی شیز اووه خرخه
هاخواد یخواتا و راتاوشو . که خره
هم د شیی د خوب او بلاستی
له باره به دفتر کی یوغت او -
مناسب کوچ هم بوت و . خوله
دی ویری چی سهار دی ویده
ونه او جوکی بی اداری مرستیال
ونه نیسی . نوبسه بی به هماغه
جوکی سبارک ه (دلته دی لوستو -
تکی داس فکروکی چی گوندی
چرگان بانگونه کوی اوله دغمو
بانگونوسره بیخای دی د صحنی
بیلولوی یوموزیک هم ویرسویزی وی
سهار اداری مرستیال بیلا
د خیل رقیب له ویری به هماغه
پورینی وخت موسسی ته راغلی
باتی به (۷۷) مخ



# مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی  
تان با ناد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی  
و یا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت  
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست  
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت  
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا در -  
( بندره ) بعضی صورت گرفت که از جمله  
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز  
نروان بلراج سها نی و چند نفر دیگر هنرمندان  
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند  
راستی در نظر خترافان که دو خواهر بودند  
و حدیث در جهان فنی شروع بکار نموده بودند  
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که  
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -  
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو  
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان  
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم  
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد  
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هویلا، کیتیز  
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند  
موجهر شوهر هم شیره مد هویلا هم تشریف داشت  
که او هم یک هنرمند جهان شناخته شده فلم بود  
عکاس موفقی گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا  
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره  
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو آغاز شد  
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک  
افغانستان که مخصوصاً بسته برادام، کشمیر  
و انکور و خزر بوزه افغانستان در هند شهرت  
فون العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای  
جسارتی و باریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما  
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان  
بیا آید که آدم را سوال بپس کنند سوالا مختلف  
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست  
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق  
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت  
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسیده معنی عشق چیست  
و من باید همه این سوالها جواب میگفتم، بعد و ن  
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و من به اردو و چارمی  
هم به زبان دری - من در بین خیران و سرگردان  
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم  
همچنان مد هویلا را سوال بپس کرده بودند که  
آیاتو هم علی مستیزی را دوست میداری یا اینکه  
عشق او کله رفته است یا یگری میگفت چطور است  
با او ازدواج کنی ؟  
و من درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که  
کتاب ( وینوس شوق ) را که برای مد هویلا نوشته  
بودم و شام ده هزار بیست میباشند - با تشریفات  
مخصوص بحضوری تقدیم کنم که این صحنه از طرف  
حاضرین با یک زده تهای زیاد، استقبال کرد -  
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه  
آن میناتور و در بزرین حد امکان داشت و چندین قطعه  
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک  
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص  
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب  
دست بد شدت گرفته بود - دوباره بدست مد هویلا رسید  
که او کتاب را پوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته  
گفت ( این یک کتاب مقدس است برای من که باید  
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این  
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید  
که شعرت برای یک ستاره فنی ازین فون العاده  
دارد ) - مد هویلا ضمن بیان " خوش امانی  
نمود : ( تو من لقب وینوس شوق را دادی که این  
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف  
دای - جست آمریکا هم من بزرگانی من منتشر  
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده  
است )  
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا  
آنگذری بلند - بوی که به ستارگان آسمان رسانیدی  
زاین برای من راستن مایه انتخار و مباحات است  
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا  
نمیدانم و یا حق ناشناس و ناسیاس هستم )  
مد هویلا انزود : ( در یکی از جراید فنی بعضی  
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -  
بودند و من این را نمانید نمیکم - اگر به معنی جنون  
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق  
باید اریاشده جزای ؟  
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی  
پس توانی مجنون عاقل نامید و موسول و رهنمای  
عشاق هستی - تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر  
عالی هستی - تو توانستی با تمام مشکلات بدست  
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند  
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی  
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان  
بند بر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان  
تالیا ( بدی ) آمدی بعد از کدام حادثه  
بود که مرا وادار کردی تراه نزد خود بیدیم - هر  
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده  
ای باز همه اشعاری که برای من نوشته ای بیکار دیگر  
ساز و دیگران خویش را در حضور همه این هنرمندان  
دایرگروه - ژورنالیست ها و مدبران جراید -  
تقدیم میدادم - امید رام بد پرته گردان - در اخیر  
گفتار و بیانیه مد هویلا در وقت از قسمت آخرین  
کتاب را بزرگترین چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار  
بیست که سروده بودم - گفتم :

هو کن گریمن جسارت کرده ام  
ازم در یک اشاعت کرده ام  
نیست نهامشتری مفتون تو  
گشته عالم غرق در آسوس تو  
مد هویلا فوراً گفت : من غرق در آسوس تو  
در اینجامد بر موسول مجله کهنکشان گفتم :  
( زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای  
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت  
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعاری برای  
بخشید یعنی در عرض صحت هزار بیت که سروده بود  
صحت هزار طلیب اشعاری برای فردوسی داد -  
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته و با خوش  
ماند - مد هویلا گفت : ( من قدرت برداخت  
ده هزار طلا را بدم و این مبلغ را برای داکتر هلی  
بپردازم ) - من گفتم : ( قبول نمیکم - زیرا فقط یک  
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ازین دارد )  
گفت : ( من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -  
هزار طلا میدانی ) - مد هویلا همیشه مرا با هم  
خدا میگرد و من هم او را مد هوی - و گاهی متاخر مد  
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس  
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند  
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت  
موسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی  
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل پایان رسید  
همه مهمانان خدا حافظی کردند و رفتند - درین  
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا  
از تر بد بیرون کرده بگفت : ( بیا همراه من برویم  
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است )  
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت : ( بهتر  
است صلی شب همین جا ماندگاریم ) - و من این را  
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا  
در کتابچه با دست خود نوشتم :  
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم  
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم  
بوی بیگر نگار سوز قدی لاله رخساری  
سرا یا آنت دل بود شب جاییک من بودم  
رقیاب گوش بر آواز او درناز من حیمران  
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم  
- به هر حال اکنون که ماد هویلا عزیز شما  
جهان فنی را و داع گفته کون عاشق کی استید ؟  
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح  
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال  
و مشکلات برای من است که میخواهید حتماً سرا  
توسط کسی بی آب سازی - به صورت جواب تان  
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا تان  
تان جواب گو باشم  
پس گفتم :  
ما من خدا داد ولی در شانه من بینم  
که از سودای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد  
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته  
باشید از شمارایی رحمت تان که با من این صحابه  
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم  
یک راضی علامه اقبال :

# در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردیم ، ما از نظریات و انتقادات تان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمد صابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریا ویس خیرصافی ، احمد نوید احسان الدین ، تمم صادق سیحیلا فرولی ، محمد داود فرولی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویامشعل ، صدیقہ فریسا سریزاده ، همایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی گارمند شوراب زری حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرولی ، سونیا اسلمیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکریدہ نادیه رضایی ، ناجیه ، ختابه نوری ، احمد شکیب ، عبدالرشید وحید الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلمیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکریدہ ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، حمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیامی ، فوزیہ نوایی عوث الله ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینسا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تفتیق ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطن ، فائزہ شعاب زرمینہ فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نفیسہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند نوریہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیب نیلہ انور ، مارینا خوشه چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زری ، غلام داود محمد یار سمیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالہ ، اصمعیل یق یار امید ، فیز محمد متین ، لیل سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انورونی احمد شکیب ، سید اسد الله نقشبندی ، محمد داود حسام ، سید موسی عباسی ، احمد سیا ، صبیح سرباز خاندونی ، وامنیہ دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق سی ، محمد امام حزین محصل سال چہار پونہنخی فارسی بوختون کاب ، دوستان خوب از کسارت ارسال تان تشکر و توفیق مرید شما را تمنایم ، رضوان ساحلی از مراد شریف ، چہار نامہ تان سر بہ سر رسید ، گپ های تان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد ، عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شہام آدم برکاتی هستیہ لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیل حکیمزاد ، از ولایت ہلند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ماہم میخواہد سیارون را اول بہ شما بفروسم ، حتماً در نظر دارم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم

## مود و فیشن یا سرنوشت مہین

شمس علی شمس محصل استیثوت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکرہ دادہ اند کہ اگر چاپ نشود ہمکاری ام را قطع می نمایم .

(( بہ سرنوشت مہین خویش می اندیش ))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس ہای بد روز دقت میشوند بہ چہاران خزان زدہ مہین شان ببندیشند زیرا مردم از روشن تقاضای خدمت را دارند و نمی خواہند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسہای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجلہ سیارون را دقت شویم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بینیم و رنگہا را برمی گیرند . اگر این صفحہات را از مجلہ جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم گرد آورده ہای بہترین راہنامی در گرگنیش رنگہا در چہان مود و فیشن خواہد بود و ذوق ہای گوناگون جوانان ما با شک ہای گرسنہ و در انتظار تان سر مشق ہمہ ذوقہا محسوب خواہد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مہین بہ تلائم جوانان متعلق است نہ بہ بیبرایہ گوناگون آنہا ، و من فقط بہ سرنوشت مردم و جامعہ خویش می اندیشم و از ذوق ہای کود کانه و نابہ هنگام امتناع میوزیم زیرا این دقت ( بہ مود و فیشن ) بہ یک پژوهندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

( براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما سایل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیاز ہای دارد کہ باید انرا در نظر گرفت )

## پایسج ہمای کوتاہ

محمد نعیم ولی عزیز اولی محصل در بلغاریا ، براد عزیز وقتی ازین راہ دور نامہ می فرستید لطفاً از ہترین ہا مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان ہمای کہ فراوانتر است . احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر گلہ و گداری ہنگاری تان را بدین موشوم بہ ما نامہ بنویسید .

## از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از ہنر کندز ، سلام ہا ہمارا ہم پذیرا شوید ، نظریات شمارا در مورد داستان بازگرسرکردن در نامہ ارسال تان خواندم . تشکر از توجہ تان اما در مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگرسرکردن بد نوشته الیور گولڈ اسمیت چاپ شماره سم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تامل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شمارہ متذکرہ مجلہ سخن را بہ دفتر سیر محلہ بیابورد ، از ہنگاری شما صمیمانہ سپاسگزارم .

## بہ ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا نوری ، نظریات شمارا در مورد داستان بازگرسرکردن در نامہ ارسال تان خواندم . تشکر از توجہ تان اما در مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگرسرکردن بد نوشته الیور گولڈ اسمیت چاپ شماره سم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تامل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شمارہ متذکرہ مجلہ سخن را بہ دفتر سیر محلہ بیابورد ، از ہنگاری شما صمیمانہ سپاسگزارم .

## پایسج تان را بخوائید

بعد از عمر ، سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه ہای مختلف را بدین توئیز یون ہمچنان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند . اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب درایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد ، تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند . با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنونیہا ، بہ این فکر نیستند کہ باید بہ راد یو تلویزیون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشیر ما خوش دارند کہ نقطہ اسم و آدرس خود را از طریق راد یو و یا تلویزیون بشنوند و در مجلات نامہ شان بہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم ما نمیتوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا بہ برنامه واقعیت بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ مراسلتا بہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مسلمیم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات و برنامہ ہای راد یو تلویزیون در ہمہ کشورہای جهان معمول است آنچه کہ درین نامہ ما آورده شدہ در بی شہادات ، انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حتی است .

# مطالب ارسالی شما

## نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی برو باره متحن وبرهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مذاقات ومضاکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومسایب باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مساعده ومعلمی برکاروشایسته معرفی گردیده اند .

۴- کسانی که ناخن بیضوي ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان برحوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرسرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم صرف کرده وبدریسا ط چیزی نمی گذارند .

۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

۷- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین (( مساوی )) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه (( زین )) ازگوزن کابل سنتر

## زبان پوستر

چطور از طرز چسباندن - پوستر بر روی بایکت از دورن - فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است (( فکر سوار لم بیرون است ))

۲- چنانچه پوستر قدردی متقابل به سمت راست باشد مقصدش این است (( بمن اطمینان داشته باش ))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است (( دیوانه وار ترامیرستم ))

۴- اگر سر پوستر قدردی متقابل به سمت چپ باشد مفهومش این است (( ترا دوست میدارم ))

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتقابل بر است چسبانیده ، مفهومش این است (( دیگر ترا دوست ندانم ))

ارسانی : حلیه

## نگته ها

۱- کم دانستن ویراگفتن مانند پول نداشتن وزیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن ومانند مرد فکر بینه پیش .

۳- جدیت وشتکار آدمی را بفضله نزدیک میکند .

۴- از نیکی چاره فرزتوان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مرد کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود واز شادی دیگران انقدر رشاد میشود که گویی ایسن شادی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله کن !

فرستنده شریف نورین

مستوره محبت ناری ( استعداد تاز ، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بینه نیست ) بلقیس احدی از بوحنسی علم طبیعی ( بیسی از گردید ) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا  
برخیزم واز خانه به میخانه گریزم  
سایره شکیب از ولایت جوزجان ( بارجه کردن حملات ومصراع وارنوبتن شعر نیست ، از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید ) . شکلا ازلیسه " آنه " فدوی ( خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید ) . احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیته های تان با کمی تصرف :  
الله یارجان بگیرم اصل نامست  
کبوتری میگردم به با مست  
اگر یکبار بگویی یار شیرین  
شوم ندقه همونوک زبانت  
( نام ) و ( بام ) با ( زبان ) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر نمیکند - مصراع سوم نیز زیاد است .  
خالده خرم اقل \* موم :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامد سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد ، بندری از سروده \* تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :  
خواهراتم بگذرید از مد تو  
مد تو ارقی ندارد یک دو جو  
تو مکن تقلید از هر بیگانگان  
ابروی خود میرزان را یگسان  
کی توامد خوب و نه با همکند  
بسل تو این کار رسوا همکند

هنزه نوین انزولسوالی بلخمری :  
دوستی های که به نام (( تک بیته )) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید .  
سفوکودی به شهر دور دستی  
دل نازکتر از جام شکستی  
بهارتوک وناکن (( بیوه )) چنان  
به هر آیین وهر مذهب که هستی  
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام ازب . اقتصاد :  
(( نارام )) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازت ختمیک ساختمانی :  
برادر عزیزه اوقات بیکارن را کارکند و نه شعری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکن دیگر ؟

ملالی محبتی : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟  
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر (( در خیال )) شما گامستی های فراوان دارد .  
جستن معشوق از طرف شام و در شعری ، (( سنی )) نه خواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل \* خبیبه :  
به املا وانشاتوجه کید بیته اشعر تان :  
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .  
در کلبه \* فزده گان اه و فغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی ( خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مامم دارم ) . نوریه عطا ( تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید ) . سمیرا نجیب سادات و خاطره همایون بیوزاد ازلیسه ، مریم ( دوستی تان قابل نشمر نیست ) . عادل اختری از وزارت امور عودت کندگان ( شعر انتخابی تانرا اگر قسم یک بیت آن :  
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان  
تا بیره درد کمر نشناسی دوامکن )  
سخن مراد مسکین امسرق . غ ولایت مزار شریف ، ( شعرتان گامستی های دارد با انهم دوست آنرا نشمر کردیم استعداد تانرا با مطالعه بیشتر پرورش - دهید :

کنون از حال زار من مبرسید  
که فرم دوستان در عالم خود  
خراب یزار و حیران نمودی  
بت شیرین ادا می از غم خود )  
شکیلا نور از بوحنسی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :

ای قاسد آرزو نامه زد لذت زنداری  
از هر تسلی زبانش سخنی ساز  
لینا نارام ازلیسه آریانا ( خواهر عزیز ) ماد راد بیته دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید )  
اینه مقبل بنه آرزلیسه ، مریم ( دوست عزیز با شعر ارسالی تان زنده باشید :  
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی  
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید  
برود یوار شورا این سخن باید نوشت  
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید )  
میروس نژند ازلیسه انصاری ( دستوزبان ) و زن قافیه ود دیگر معاییر شعری را با موزید . رباعی تان لغزشهای فراوان داشت ، فرید احمد امید ازما -  
ر شریف ( استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :  
باز فصل باغ بوستان میرسد  
لبیل دل در گلستان می رسد  
سبز میگردد چمنزار امید  
نوعوس باغ خندان می رسد )

شکیلا پوهس از مزار شریف ( طبع روان تانرا روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما باز فصل نوهاران آمده  
فصل شوق مند لیان آمده  
باز گلگهای فریبا و قشنگ  
سوی بوستان و گلستان آمده  
من شکیلا خوانم هر دم این سرو  
لبیل غیلم نزل خوان آمده  
وازه بوستان در مصراع جام قلیل است اگر  
(( بوستان )) بسازم این نغمه رفع میگردد مصراع پنجم را به خاطر قفلت وازه هر دم این طور سازید خوب است :

فرهزبان خواند شکیلا این سرو (( آریان از طب کابل ( شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید ) . مارچه \* ک . ازلیسه رابعه ، بلخی ( حرفهای که به آریان جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند ) . تورن عبد - الصادق (( هارون )) از کینناری بگرامی ( دوستی های تانرا به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید )  
شکیلا نجیب ازلیسه آریانا ( نامه تان با جها ر چشم رسید یک بیت از گردید های تان :  
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این  
الوداع ای صبروتقوی الوداع ای عقل و دین )

# براسم فال گرفتن

## متولدین ماه حمل

موفقیت‌های شایانی پیش‌رو دارید، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید. از صحت‌تان مواظب‌تر کنید. بادوستان مهربان‌تر باشید. دیدار تازه در تغییر سرنوشت شما نقش خواهد داشت.

## متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست. باید شهامت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید. کودکان عزیز می‌توانند شما را خوشتر کنند. مجردها به ایجاد زندگی مشترک تا چند روز دیگر آغاز می‌کنند.

## متولدین ماه ثور

عزیزان و مصیبت‌بیمورد عمر شمارانیم می‌سازد. از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می‌برید و این نکته بی‌است که متوجه آن نشده‌اید. قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده‌گی نمایید که استید. ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید.

## متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما، ضعف اراده‌تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید. دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است. اعتماد شما نسبت به خانواده‌تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند. مجردها دیدارهای خوبی در پیش دارند. دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید.

## متولدین ماه جوزا

امیدهایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می‌پیوندد. یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می‌آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود. فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید.

## متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربان‌تر باشید. کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارند. کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند. درس بزرگ زنده‌گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است.

## متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است. زندگی باغم‌هایش زیباست. دیدار تازه‌ای که دارید برای شما امیدهای جدیدی میدهد. بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امیدهای بزرگ خانواده‌تان رانیز جرات بخشید. آرزوهای تان برآورده میشود و انهم در همین روزها.

## متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید. هیچگاه با شاگردان تان رویه نادرست نگیرید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا از پشیمانی میسازد.

## متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده‌گی تان کار معقول است. تشوشت روانی خود را دور سازید. خوبست که دل‌بسته‌گی‌های تان به کار زنده‌گی افزایش می‌یابد. بیشتر به فکر آموزش باشید. آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت.

## متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید. تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است. یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد. قدر دوستی را دانستن، قدر زنده‌گی را دانستن است.

## متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برایتان بر خاطره و جالب است. نامه‌های دوستان تان را بی‌پاسخ نماند. همسران را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می‌یابند.

## متولدین ماه حوت

به صحت‌تان توجه داشته باشید. ورزش مصروفیت بسیار خوب برایتان خواهد بود. نگذارید کسی از شما بی‌جهت آزرده شود. دیدار عاشقانه بی‌در پیش دارید. امیدوار باشید که بخت با شماست.

# تهدیدهای فضا

## تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بیفتد . سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خواهد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت . درباره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند . یک راکت مجهز با کلاهک هسته ای میتواند چنین سیاره ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد . اما درین صورت نیز بارچه های سیاره به زمین خواهد ریخت . نظر بهتر آنکه در سال های ۱۹۸۰ آرایه شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم .

ترجمه حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریش اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود . حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد . سیاره های با عرض نیم میل در سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند درین میان سیاره های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون سال یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره ها خطر بزرگی را متوجه میسازد . همین سیاره ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵۰ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده ای از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

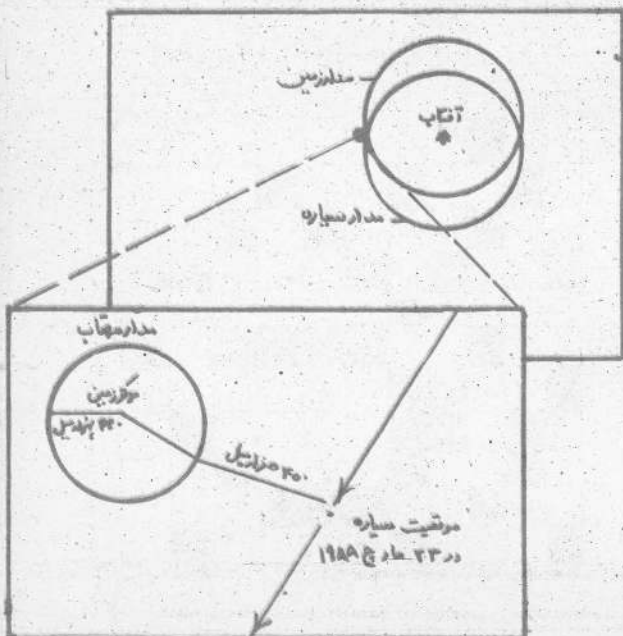
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست اواسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود . اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکوپ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفرنیا تهیه شده بود مطالعه کرد . گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یارده بوده باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد . حفره ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوانست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتید بود به وجود آمده است . اما چنین حادثه ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده برجستگیت رانا بود کند . ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت . مانند زمین که به دور آفتاب گردش میکند منتها به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریا سپری کند . دوباره از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون تر قرار خواهد داشت . اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را آرایه داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد این سیاره میتواند بازم خطرناک به زمین اصابت کند .

شب بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید . خارج از منزل . همراه باد و ستان یا مشغول تماشا می بودید . شای برنامه های تلویزیون . به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید . شما ازین خطر آگاه نبودید . اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیکی از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است .

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه ای مانند انفجار هزاران بم هاید روجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد .

پیش ازینکه شمار زیاد به هراس بیفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهابت با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود . از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزدیک نبوده است . در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد .

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود . نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون





# مسطربازي

سفید بازی را شروع می کنند  
و در سه ( ۳ ) حرکت مهره سیاه را  
مات می کند .

سفید بازی را شروع می کنند  
و در دو ( ۲ ) حرکت سیاه رامات  
می کند .

# پرسش ها

## جدول ضرب المثلها

عمودي :

- ۱- نقره - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور پراکنده - بري نيست .
- ۳- غم نداری انرا بخسر - قوغی کمر - نزدی بی پای - معکوس ان اوازخر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹ - یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ای ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰ - جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱ - بایش رابسته کن همسایه ات را زد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

انقی :

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود .
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سنگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

## چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر بپول ماریا،  $\frac{1}{3}$  پبول شهلا نیز جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پبول دارم که اگر بپول شهلا،  $\frac{1}{3}$  پبول شکیبا نیز جمع شود . شهلا گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی  $\frac{1}{3}$  پبول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

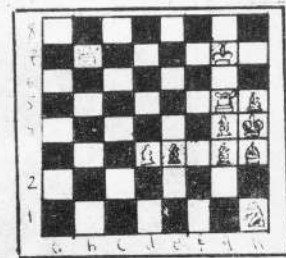
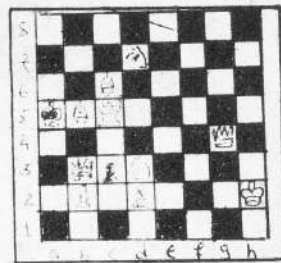
## مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را بکار بیاوریم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه  $\frac{1}{2}$  ( یک بر دو ) است

### جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

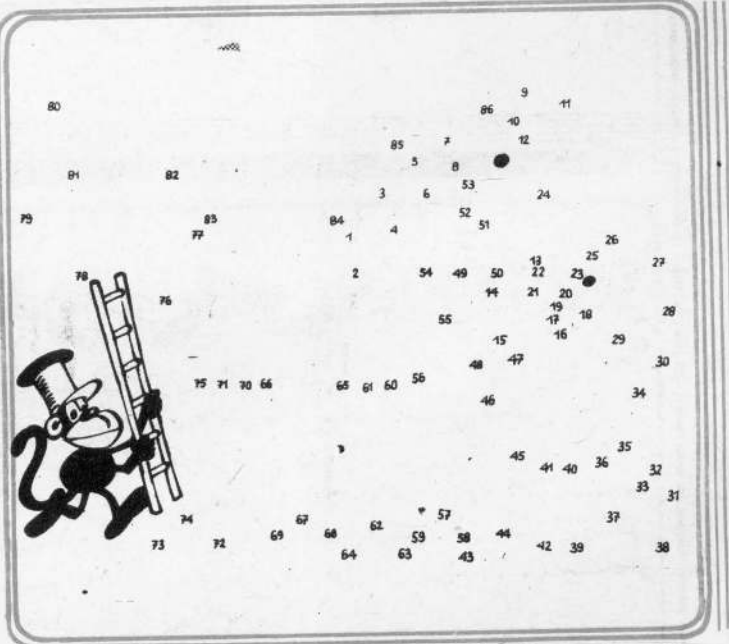
# سرگرمی‌ها



پیش ادبی

## حل کنید جایز بگید

### برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است اعداد را به ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستد اران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ ها را به زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شهادت نامه آثار یکتن از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نمود. ما بفرستید.

۶- آیا شهادت نامه نویسندگان قبایل آزاد معلومات دارید؟ لطفاً درین باره ما بنویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نمود. ایده های خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.

## صحنه گان

دینی الله عمرخیلی، فریده امید، بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک، نورجان ضیایی، عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا، فتح محمد فتاح، سلم دانستن، لیلما کارورز، خواجه ابراهیم نادره سیب، فرزبان جویان، سید عزت الله مجید، سوما فران، فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سید عزت الله مجید، گل علی فقیه، محمد فریده ون، گل علی فہیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله، ناجیه شکره انور، محمد عمر عزیز، عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رابعیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار، سونیا اسمعیار، مرخیمه محمودزاده، احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوطنان!

فرقه کئی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیٹ جاده عقب زینب ننداری  
نمبر تیلوفون (۳۰۲۶۲)

# شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی  
هرات در تماس شوید و مشکلات  
تان را به سهولت حل سازید

آدرس: شهر نو مقابله پارک نمبر ہفتہ مارکیٹ

## هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .  
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس  
برای هر وقت برای هر کس ، برای هر جا .  
این اجناس را طور عمده از جاوید لند ، کوچی مارکیٹ  
نماینده کی ان در کوچی مارکیٹ دکان موہن لعل و ہمد کانہائی  
شہر ولایات بدست آورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار  
( DM4 ) را تازه وارد نموده است .

نیازمند ان عجلہ نمایند :  
تلفونہما ( ۲۰۰۰۱ - ۲۲۶۲۹ )

## وحید اللہ پلاستیک

وحید اللہ پلاستیک ہر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط  
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیہ مورد ضرورت د و ایسر  
و طلاب معارف را بہ قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میرویسر میدان تقابلہ تانکہ تیس

# فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین  
اجناس مورد  
نیازتان استقاده  
نمایید ارزان و به  
مفادیتما

# قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.  
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان و نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

# فروشگاه

## بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

### ۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

### ۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

### افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند  
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و  
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است  
قدای خوب قیمت مناسب

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**